

# چالش‌های مادران در تربیت دینی فرزندان

بر اساس دیدگاه ۱۳ نفر از خبرگان حوزه تعلیم و تربیت در ایران

گزارش پژوهشی  
شهریور ۱۴۰۱

میراث  
گروه بررسی‌های راهبردی



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُم

# قال مولانا امیر المؤمنین (علیه السلام) ثابروا علی صلاح المؤمنین و المتقین

غزیر الحکم

گزارش پژوهشی

چالش‌های مادران در تربیت دینی فرزندان

بر اساس دیدگاه ۱۳ نفر از خبرگان حوزه تعلیم و تربیت در ایران

شهریور ۱۴۰۱

تهیه شده توسط گروه بررسی‌های راهبردی میراث

(وابسته به انجمن میراث اسلامی)

مدیر گروه: امیرمهدی مناقبی، [Managhebi@mssint.com](mailto:Managhebi@mssint.com)

مدیر پژوهشی: علیرضا رحمانی، [Rahmani@mssint.com](mailto:Rahmani@mssint.com)

## همکاران

مرور ادبیات: هامون سلامتی

مصاحبه با خبرگان و تحلیل: زهرا مصباح

ویراستاری: موسسه ویراستاران، مهدی صالحی

صفحه‌آرایی: علی‌اکبر محمدخانی

## اطلاعات تماس

۰۲۱-۲۶۴۰۸۰۴۷

[www.mssint.com](http://www.mssint.com)

[Contact@mssint.com](mailto:Contact@mssint.com)



میراث  
گروه بررسی‌های راهبردی

برای دریافت گزارش‌ها و اطلاع از فعالیت‌های گروه می‌توانید  
علاوه بر سایت در شبکه‌های اجتماعی ما را دنبال کنید:

[mssinst](https://www.instagram.com/mssinst) [mssinst](https://www.facebook.com/mssinst) [mss.inst](https://www.linkedin.com/company/mssinst) [mssinst](https://www.youtube.com/channel/UCmssinst)

جهت مطالعه خلاصه این گزارش، لطفاً به نسخه «خلاصه  
راهبردی» مراجعه فرمایید.

این گزارش به سفارش موسسه حامی فرهنگ سرمد تهیه شده است.

## معرفی گروه

مأموریت گروه بررسی‌های راهبردی میراث، گفت و گو، تحلیل و پژوهش هدفمند پیرامون مسائل اجتماعی- فرهنگی شیعیان ایران و تدوین و ترویج راهکارهای جدید برای سیاست‌گذاران، نخبگان و مردم است. ما در این راستا در سایه بهره‌مندی از دانش خبرگان و تجربه کنشگران به ارائه پیشنهادات کاربردی در سطح سیاست‌گذاری و مسائل راهبردی خواهیم پرداخت؛ به عبارت دیگر از دل دانش و تجربه، پیشنهادهایی کاربردی برای مسائل راهبردی به دست خواهیم داد.

### اهداف ما عبارتند از:

۱. ارائه تصویری روشن از آینده، مسائل و راهکارها؛
۲. افزایش آگاهی عمومی به مسائل راهبردی؛
۳. رایزنی و تلاش در جهت تحقق راهکارهای مطرح شده.

\*این گزارش تنها به ترسیم مسائل می‌پردازد.

### بیانیه مسئولیت

گزارش پیش رو بر اساس روش‌های علمی تهیه شده است و ما مسئول کیفیت آن هستیم. شایان ذکر است که محتوای گزارش صرفاً بازتاب نظر جمعی از خبرگان است که الزاماً بیانگر دیدگاه‌های رسمی گروه نمی‌باشد.

### تقدیر

از یکایک بزرگواران و یاورانی که ما را در تهیه این گزارش همراهی و هم‌یاری کردند، کمال تقدیر و تشکر را داریم: مصاحبه‌شوندگان گرانقدر، مشاوران حامی، واسطه‌های ارزشمند ارتباطی و حامیان مالی نیکوکار.

### تقاضا

از جمله اهداف این گزارش، توسعه گفت‌وگو پیرامون مسائل مادران در تربیت دینی فرزندان است. از مخاطبان محترم صمیمانه خواستاریم نقدها و نظرات خود را پیرامون محتوای این پژوهش با ما و سایر علاقه‌مندان به صورت عمومی به اشتراک بگذارند. نقد این گزارش از بهترین بازخوردها برای ما خواهد بود.

۵	■ مقدمات پژوهش
۵	■ روش‌شناسی پژوهش
۶	■ تحلیل داده‌ها
۱۰	■ <b>چالش‌های تربیتی</b>
۱۳	■ ۱.۱. انواع چالش‌های تربیتی در دوران کودکی
۱۳	■ ۱.۲. چالش‌های تربیت دینی در دوران نوجوانی
۱۶	■ ۱.۲.۱. چالش تأثیرپذیری منفی در تربیت دینی نوجوان
۱۷	■ ۱.۲.۱.۱. چالش تأثیرپذیری منفی از محیط مجازی و رسانه‌ها
۱۹	■ ۱.۲.۱.۲. چالش تأثیرپذیری منفی از محیط واقعی (فیزیکی)
۲۰	■ ۱.۲.۲.۱. چالش تغییر ناگهانی نوجوان و عدم اجرای احکام
	■ ۱.۲.۲.۳. چالش آزادی‌خواهی و نبود مرجع مشخص تعیین‌کننده
۲۱	■ حد و مرز آزادی و استقلال نوجوان در خانواده
۲۵	■ جمع‌بندی پژوهش در قسمت چالش‌های نوجوانی
۲۶	■ <b>علل زمینه‌ساز ایجادکننده چالش‌های تربیت دینی</b>
۳۱	■ ۲.۱. ناآگاهی مادر
۳۴	■ ۲.۲. کاستی‌های دانش و مهارت در خانواده
۳۷	■ ۲.۳. عدم حمایت تربیتی از یکدیگر
۳۷	■ ۲.۴. هویت اقتصادی مادی‌گرایانه
۳۸	■ ۲.۵. آسیب‌های فضای مجازی و رسانه‌ای
۳۹	■ ۲.۶. آسیب‌های مربوط به مدارس
۳۹	■ ۲.۷. مسائل و مشکلات فردی خاص فرزندان
۴۰	■ ۲.۸. جمع‌بندی عوامل زمینه‌ساز چالش‌های مادران در تربیت دینی
۴۳	■ <b>ویژگی مادران موفق</b>
۴۵	■ ۳.۱. مهارت و توانایی در مادران موفق
۴۶	■ ۳.۲. دانش و آگاهی در مادران موفق
۴۶	■ ۳.۳. ویژگی‌های شخصیتی و محیطی مادران موفق
۴۷	■ ۳.۳.۱. جمع‌بندی ویژگی‌های مادران موفق
۴۸	■ <b>پیوست‌ها</b>
۶۰	■ <b>ارجاعات</b>

## مقدمات پژوهش

طرح پژوهشی «مادران و تربیت دینی» با هدف شناسایی مهم‌ترین چالش‌ها و مسائل حوزه تربیت دینی و ناظر به نقش تربیتی مادران در خانواده‌های مذهبی انجام شد. در این طرح با تکیه بر دانش و تجربه خبرگان تعلیم و تربیت و روان‌شناسی به این پرسش اصلی پرداخته شد: مادران خانواده‌های مذهبی به‌طور عمده با چه چالش‌هایی در مسیر تربیت دینی فرزندان خود مواجه هستند و مهم‌ترین این چالش‌ها چیست؟ از این حیث، تمرکز اصلی این پژوهش بر مسئله‌شناسی و تعیین مهم‌ترین چالش‌های این حوزه بوده است.

در این پژوهش «تربیت دینی» را در تعریف مجموعه‌ای مبتنی بر باورها و ارزش‌های دینی می‌دانیم و به یک نکته بسیار اساسی توجه داشتیم که بار معنایی و ارزش «دینی» کاملاً غالب و حاکم بر «تربیت» است.

از دیگر سو تربیت دینی، مترادف با تربیت اسلامی قرار داده شده است. تربیت اسلامی را مجموعه‌ای از الگوهای تعلیم و تربیتی برخاسته از قرآن و سنت و سیره سلف صالح می‌دانیم و بر این باوریم که فقط چنین مجموعه تربیتی‌ای خواهد توانست موجبات رشد و شکوفایی ابعاد مختلف فکری، عاطفی، فیزیکی و اجتماعی شخصیت انسان و همچنین تنظیم رفتار انسانی را در زمینه‌های گوناگون زندگی فراهم آورد، آنچه به عنوان تربیت دینی در این پژوهش مد نظر قرار دارد مبتنی بر خوانش سنتی و فقهی از تشیع است.

درباره واژه «چالش» باید گفت که کاربرد این واژه در زبان ما، تا اواسط دهه ۱۳۷۰ چندان رایج نبوده و کاربرد امروزی آن با معانی لغتنامه‌ای آن تفاوت دارد. ذوعلم (۱۳۸۴) با اشاره به چند کتاب و سند مختلف که از نیمه دهه ۱۳۷۰ این واژه را به کار برده‌اند، معتقد است در این متون، از واژه چالش، این معانی مستفاد بوده است: ۱. تعارض، جدال؛ ۲. مانع و مشکل؛ ۳. آسیب و آفت. ذوعلم با استفاده از معنای لغوی چالش و Challenge و نیز برخی عناصر معنایی متبادر از کاربرد این واژه در مباحث اجتماعی امروز، تعریف زیر را برای چالش ارائه کرده است: «شرایط و وضعیت جدیدی که مسیر آینده جامعه را از بیرون مورد هجوم قرار داده، حفظ تعادل آن را دچار مشکل و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت‌ساز می‌سازد.»

مفهوم چالش به معنای دقیق آن که در بالا ارایه شد، محدود نمی‌شود و فضای مفهومی آسیب، تهدید، تعارض، بحران و... را نیز در بر می‌گیرد. منظور از چالش‌های تربیتی می‌تواند، آسیب‌ها، تهدیدات، بحرانها و تعارضاتی باشد که در دوره معاصر، متوجه ساختار و کارکرد خانواده مذهبی بوده است. در این پژوهش با توجه به اینکه عوامل زمینه ساز ایجاد کننده چالش‌ها را در مرحله دوم به طور جداگانه مورد بررسی قرار دادیم، «چالش» را به موقعیت و شرایطی محدود کردیم که والدین مشخصاً مانعی را در راستای تحقق تربیت دینی مشاهده می‌کنند و نگرانی‌های والدین از نرسیدن به تربیت دینی را با نگاه دغدغه‌های تربیتی جهت بررسی دقیق‌تر به عوامل زمینه ساز چالش‌ها مرتبط دانستیم. در نگاهی دیگر موضوعیت چالش وقتی مشاهده خواهد شد که فرزند در باید‌ها و نبایدهای دستورالعمل‌های دین قرار گرفته است و انتظار می‌رود به عنوان یک مسلمان رفتار اسلامی داشته باشد.

در مرحله اول تحقیق، موضوعیت چالش‌ها، انواع آن در دو جنسیت متفاوت و زمان وقوع آن‌ها با توجه به سن رشد فرزندان بررسی شد. در مرحله دوم تحقیق، عوامل زمینه‌ساز این چالش‌ها، هدف پژوهش قرار داده شد و در نهایت، ارتباط بین عوامل زمینه‌ساز و چالش‌های تربیت دینی مشخص شد.

در مرحله سوم تحقیق، ویژگی‌های مادران موفق در عبور از این چالش‌ها بررسی و طی فرایند تحلیل مضمون بر پایه گفت‌وگو با خبرگان استخراج شد.

ثمره اساسی این پژوهش توجه به اهمیت مسائل عام تربیتی در عرصه تربیت دینی است. بر اساس دیدگاه خبرگان مورد مصاحبه در دوران کودکی چالش مستقیم دینی در تربیت نداشته و صرفاً رعایت اصول عام تربیتی است که تاثیر بسزایی در تربیت دینی فرزندان دارد. به عبارت دیگر بر خلاف تصور غالب بیشترین عوامل زمینه‌ساز چالش‌های تربیت دینی ریشه در بی‌توجهی به اصول عام تربیتی در خانواده دارد.

## روش‌شناسی پژوهش

باتوجه به مسئله اصلی پژوهش، برای شناسایی تصویر مدنظر هر یک از خبرگان، لازم بود به شیوه کیفی، با هر یک گفت‌وگو شده و معانی و تفاسیر و ایده‌های مرکزی آن‌ها در موضوع

تحقیق شناسایی شود. ویژگی اساسی روش کیفی که در این پژوهش به آن نیازمندیم، بر حالت اکتشافی این رویکرد مبتنی است که با استفاده از داده‌های عمقی و تفسیر این داده‌ها، به کشف مفهومی جدید می‌پردازد (فلیک، ۱۳۹۱).

از روش نمونه‌گیری «هدفمند» برای گردآوری داده‌ها استفاده شد و با تعدادی از متخصصان این عرصه، از دو گروه روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت در مدارس که با مادران مذهبی تعاملات بیشتری داشته‌اند، گفت‌وگو کرده‌ایم. در گفت‌وگوها، از پرسشنامه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. در جریان فرایند ساخت پرسشنامه، بعد از آماده‌سازی اولیه سؤالات و پس از دو مصاحبه آزمایشی، جمع‌بندی نهایی انجام شد. در این نوع مصاحبه، هدف اصلی، کسب اطلاعات بیشتر و عمیق‌تر است و مصاحبه‌گر به مقدار زیادی، ابزار تحقیق را با سطح درک و فهم پاسخگو هماهنگ می‌کند و به او در هدایت فرایند مصاحبه، آزادی عمل بیشتری می‌دهد و در موضعی که احساس می‌کند توضیح پاسخگو کافی نیست، از پاسخگو توضیح بیشتری می‌خواهد (ازکیا، ۱۳۸۲: ۴۸۲ و ۴۸۳). در این راستا، با مدنظر قراردادن «اشباع مفهومی» در پاسخ‌های دریافتی، مصاحبه‌ها تا ۱۰ مصاحبه به طول انجامید و برای کسب اطمینان کامل تا مصاحبه سیزدهم ادامه پیدا کرد. داده‌های گردآوری‌شده در نهایت، به شیوه «تحلیل مضمون» ۱ و با هدف دستیابی به «شبکه مضامین» مدنظر جنیفر آتراید استرلینگ ۲ (۲۰۰۱) تحلیل شد. گفتنی است این روش، پژوهشگر را قادر می‌سازد که داده‌های پراکنده را به مجموعه‌ای منسجم و یکپارچه تبدیل کند (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین استفاده از نرم‌افزار MAXQDA برای تحلیل کیفی، باعث شد تا فرایند کدگذاری و مقوله‌بندی مضامین با سرعت و دقت بیشتری انجام پذیرد. علاوه بر این، این نرم‌افزار کمک کرد تا مقوله‌های کانونی و ارکان اصلی چالش‌های تربیت دینی استخراج و در قالب یک «شبکه مضمونی» که دربردارنده مهم‌ترین ارکان مسئله‌مند و روابط بین آن‌هاست، عرضه شود. همچنین به‌واسطه اینکه یکی

از محورهای اصلی گفت‌وگوهای نیمه‌ساختارمند را، پرسش از اولویت و ترتیب این چالش‌ها نسبت به هم تشکیل می‌داد، در پایان، مهم‌ترین اولویت‌ها نیز استخراج شد تا تصویر خبرگان از چالش‌های تربیت دینی، شکل نظم‌یافته به خود بگیرد. چالش‌های استخراج‌شده به رؤیت سه نفر خبره، دو نفر از خبرگان مصاحبه‌شونده و یک نفر به‌عنوان خبره ثالث رسید. جملات تأکیدی آن دو خبره، برای بار دوم در مصاحبه وارد شد و خبره سوم شبکه مضامین ترسیم‌شده را تأیید کرد. برای دستیابی به اطمینان بیشتر از تعیین اولویت‌های چالش‌های مطرح‌شده، در جلسه‌ای با حضور دو نوجوان پسر و دختر، چالش‌های استخراج‌شده مطرح و وزن‌دهی هر یک از کدها به تأیید آن‌ها رسید. با توجه به تأکید خبرگان بر چالش‌های مطرح‌شده در فرایند انجام مصاحبه، به وزن‌دهی چالش‌های تربیتی توجه شد و در تحلیل داده‌ها، بررسی و جمع‌بندی نهایی انجام شد.

اسامی مصاحبه‌شوندگان به ترتیب الفبا و با حذف عناوین به این شرح است: آقای ابطحی، خانم موحد، آقای مهدوی، آقای کمن، خانم نصیر، خانم اصفهانی، خانم نقی‌پور، خانم سوری، آقای عزیزی، خانم مهدی‌نژاد، آقای طباطبایی، خانم توکلی و آقای موسوی. مصاحبه شوندگان در این پژوهش به صورت عمده دارای تحصیلات مرتبط با حوزه تعلیم و تربیت و روانشناسی هستند. این خبرگان علاوه بر دارا بودن جنبه علمی و برخورداری از دانش حوزه مورد بحث دارای تجربه عملیاتی در مواجهه با مسائل تربیتی خانواده‌های مذهبی هستند. تجربه حضور در مدارس مذهبی به عنوان مشاور و همین‌طور فعالیت در مراکز مشاوره و تعامل با خانواده‌ها و به‌ویژه مادران مذهبی از ویژگی‌های عملیاتی و تجربی این خبرگان است. لازم‌به‌ذکر است که اکثر مصاحبه‌شوندگان در تهران یا سایر کلان‌شهرهای ایران ساکن هستند و تجربه ایشان معطوف به این مناطق است.

## تحلیل داده‌ها

برای ترسیم تصویر خبرگان از چالش‌های مادران در تربیت دینی، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با تعدادی از خبرگان در دستور کار قرار گرفت. سؤالات در پنج محور طرح شدند و مصاحبه‌شوندگان به این سؤالات به‌صورت شفاهی پاسخ گفتند: پرسشنامه نیمه ساختار یافته این مصاحبه‌ها را در پیوست مشاهده می‌نمایید.

۱. Thematic Analysis

۲. Attride-Stirling

شاخص‌های مادران موفق، چالش‌های تربیتی و انواع آن‌ها با توجه به میزان تکرار، تأثیر سن فرزند در ایجاد چالش و راه‌های مدیریت چالش و پیشنهادها در این زمینه. پس از اتمام مصاحبه‌ها و دستیابی به اشباع (تکرار داده‌ها) با کمک مصاحبه‌شوندگان و طرح‌نشدن داده جدید، برای کدگذاری و تحلیل داده‌های گردآوری شده، از روش تحلیل تماتیک یا تحلیل مضمون استفاده شد. در این روش با الهام از مراحل پیشنهادی آتراید و استرلینگ، با مقوله‌بندی سه مرحله‌ای شامل مضامین پایه و مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر، متن تحلیل شد. گفتنی است که در این شیوه تحلیلی، گزاره‌های اولیه شامل جملاتی است که به متن نوشتاری تبدیل شده و مصاحبه‌شونده در فرایند مصاحبه عیناً آن‌ها را مطرح کرده است. همچنین پس از گردآوری گزاره‌ها، کدهای اولیه استخراج شد.

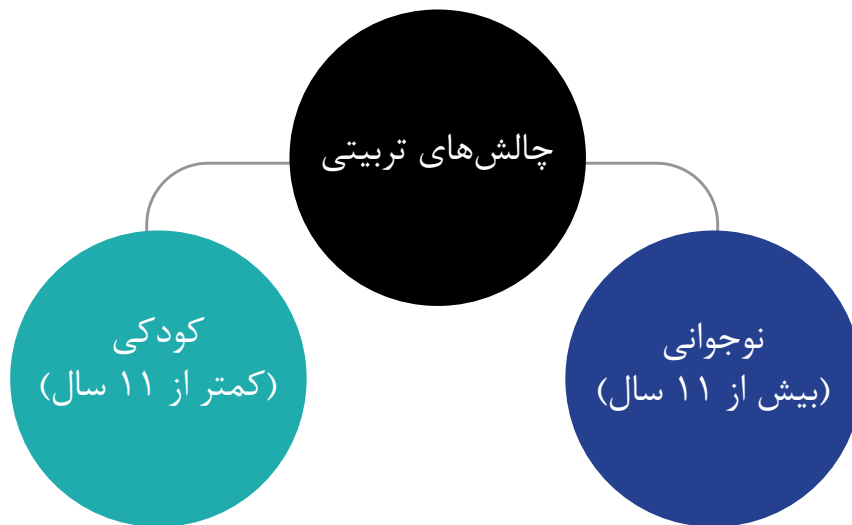
فرایند گام‌به‌گام تحلیل مضمون و تحلیل شبکه‌ای مضامین را در جدول ۱ مشاهده می‌کنید.

مرحله	گام	اقدام
۱. تجزیه و توصیف متن	۱. آشناسدن با متن	مکتوب کردن داده‌ها مطالعه اولیه و مطالعه مجدد داده‌ها نوشتن ایده‌های اولیه
	۲. ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری	پیشنهاد چارچوب کدگذاری و تهیه قالب مضامین تفکیک متن به بخش‌های کوچک‌تر کدگذاری ویژگی‌های جالب داده‌ها
	۳. جست‌وجو و شناخت مضامین	تطبیق دادن کدها با قالب مضامین استخراج مضامین از بخش‌های کدگذاشته متن پالایش و بازبینی مضامین
۲. تشریح و تفسیر متن	۴. ترسیم شبکه مضامین	بررسی و کنترل همخوانی مضامین با کدهای مستخرج انتخاب مضامین پایه و سازمان‌دهنده و فراگیر اصلاح و تأیید شبکه‌های مضامین
	۵. تحلیل شبکه مضامین	تعریف و نام‌گذاری مضامین توصیف و توضیح شبکه مضامین
۳. ترکیب و ادغام متن	۶. تدوین گزارش	تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح آن استخراج نمونه‌های جالب داده‌ها مرتبط کردن نتایج تحلیل با سؤالات تحقیق و مبانی نظری نوشتن گزارش علمی و تخصصی از تحلیل‌ها

جدول ۱. فرایند گام‌به‌گام تحلیل مضمون و تحلیل شبکه‌ای مضامین

در تحلیل و بررسی اولیه یافته‌های پژوهش مشخص شد که چالش‌های تربیتی به صورت عمومی با توجه به تفاوت در موضوعیت و زمان ایجاد از نگاه خبرگان، در دو گروه سنی طبقه‌بندی می‌گردد. بر این اساس چالش‌ها به دو دسته کلی تقسیم گردید. این دو دسته شامل: چالش‌های عمومی ایجاد شده ضمن تربیت، در محدوده سنی قبل از ۱۱ سال (سال‌های پیش از دبستان و دبستان) که سنین کودکی فرزند تعریف می‌شود و چالش‌های عمومی تربیتی بعد از ۱۱ سال که (سن نوجوانی) فرزند است. این دسته بندی تنها به منظور بررسی دقیق‌تر چالش‌های مطرح شده صورت گرفت.





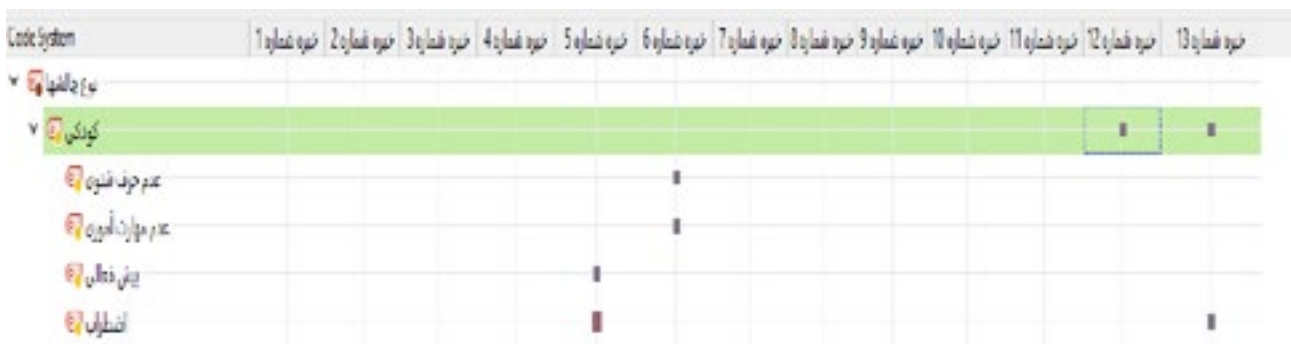
نمودار ۱. دسته‌بندی چالش‌های تربیتی

بررسی‌های پژوهشی نشان می‌دهد والدین در راستای تربیت فرزندان در بازه زمانی کودکی، در صورت وجود موانع تربیتی، این موارد را به تربیت دینی معطوف نمی‌سازند و این موانع به صورت موانع عام تربیتی بیان می‌شوند.



نمودار ۲. مقایسه حجم چالش‌های تربیتی کودکی و نوجوانی

در واقع می‌دانیم در اغلب موارد دغدغه‌ها و نگرانی‌ها جهت تربیت دینی از کودکی است ولی بروز تنش و چالش در امر تربیت، بین والد و فرزند، به دلیل ویژگی‌های رشدی دوران نوجوانی در سنین نوجوانی مشاهده می‌شود. به همین دلیل خبرگان در نگاه به چالش‌های تربیت دینی، دوران کودکی را فاقد چالش‌های تربیت دینی ارزیابی کرده‌اند و به دینی نبودن این چالش‌ها اذعان داشتند. در این راستا ماتریس پراکندگی چالش‌های عمومی تربیتی در کودکی که خبرگان به آن اشاره داشتند، در نمودار زیر آورده شده است.



نمودار ۳. پراکندگی موضوعات چالشی در تربیت کودک

نخست فرایند تحلیل مضمون را شکل می‌دهند. در مراحل بعد، این مضامین پایه، مبنای مقوله‌بندی قرار خواهند گرفت.

### مضامین سازمان‌دهنده<sup>۴</sup>

در روش تحلیل مضمون سه مرحله‌ای الگوی آتراید استرلینگ، سطح دوم مضامین به مضامین سازمان‌دهنده اختصاص دارد. مضامین سازمان‌دهنده از مقوله‌بندی مضامین پایه حاصل می‌شوند. با توجه به ربط معنایی میان مضامین پایه و همچنین زمینه هر یک از مصاحبه‌ها، در این قسمت عملیات مقوله‌بندی انجام شده است. در این مرحله، از مجموع مضامین پایه مذکور به ۹ مضمون سازمان‌دهنده دست یافته‌ایم و برای هر یک عنوانی متناسب با کلیت مضامین دلال‌تگر موجود در آن انتخاب کرده‌ایم.

### مضامین فراگیر<sup>۵</sup>

مضامین فراگیر، آخرین سطح از مقوله‌بندی در این روش و دربرگیرنده کلی‌ترین مفاهیم حاکم بر متن موضوع تحلیل بوده که در اینجا، همان خروجی مصاحبه با خبرگان است. بالاترین سطح انتزاع، به مضامین فراگیر مربوط می‌شود. در این طرح، درنهایت سه مضمون فراگیر از ترکیب مضامین سازمان‌دهنده به دست آمد.

همچنین خبرگان طی مصاحبه‌ها، به چالش‌های تربیتی در دوران جوانی فرزندان اشاره‌ای نکرده‌اند و تنها دو نفر از خبرگان دو موضوع را مطرح کردند. خبره ۱۳ به موضوع اشتغال و بیکاری فرزند در چالش‌های تربیت دینی و خبره ۲ به مایوس‌نشدن از امر تربیت و تأثیرگذاری تا ۲۱ سالگی بر روی فرزند اشاره کردند. این موضوع نشان می‌دهد اکثر خبرگان عرصه تعلیم و تربیت و مشاوره، عمده چالش‌های تربیت دینی را بین سنین ۱۱ تا ۱۸ سالگی می‌دانند. البته می‌توان این موضوع را به محدوده فعالیت کاری خبرگان یا مراجعه کمتر خانواده‌های مذهبی بعد از این سنین به مراکز مشاوره مربوط دانست. بر این اساس و بر پایه روش تحقیق مدنظر پژوهش، برای درک روابط بین مفاهیم مطرح‌شده در ادامه نوشتار، مضامین پایه و سازمان‌دهنده و فراگیر، به‌همراه توضیحات هر یک از آنها بیان می‌شود.

### کدهای اولیه

کدهای اولیه نشانگر معنای مدنظر مصاحبه‌شونده از بیان هر گزاره است که مصاحبه‌گر آن را تلخیص و استنباط کرده است. در این طرح، پس از بررسی گزاره‌های مستخرج از مصاحبه با خبرگان، از مجموع گزاره‌های مذکور، ۹۰ کد اولیه استخراج شد. برخی کدهای اولیه هر یک به یکی از گزاره‌های موجود در مصاحبه‌ها ناظرند و بعضی از گزاره‌ها بیش از یک کد اولیه را در بر می‌گیرند.

### مضامین پایه<sup>۳</sup>

مضامین پایه از اصلاح و پیرایش کدهای اولیه به دست آمده است. برای این منظور، با توجه به سؤالات پژوهش، کدهای اولیه بدون ربط معنایی کنار گذاشته و کدهایی که از لحاظ معنایی با دیگر کدها همپوشان بودند، در آنها ادغام یا کنار گذاشته شدند. ثمره این مرحله، دستیابی به ۱۷ مضمون پایه بود که مرحله

۴. Organizing Themes

۵. Global Themes

۳. Basic Themes

۱

# چالش‌های تربیتی

فهرست شبکه مضامین به‌همراه تعدادی کد اولیه مربوط به هر مفهوم در جدول ۲ آمده است.

تعداد کد	ردیف نوع چالش‌ها
۹۵	۱.۲ چالش تربیت دینی در دوران نوجوانی
۴۲	۱.۲.۱ تأثیرپذیری منفی نوجوان (مضمون فراگیر)
۹	۱.۲.۱.۱ تأثیرپذیری منفی از محیط مجازی و رسانه‌ها (مضمون سازمان‌دهنده)
۲	۱.۲.۱.۱.۱ علاقه‌مندی به الگوی متعارض با ارزش‌های اسلامی (مضمون پایه)
۲	۱.۲.۱.۱.۲ شبکه‌های اجتماعی (مضمون پایه)
۱	۱.۲.۱.۱.۳ بازی‌های برخط (آنلاین) (مضمون پایه)
۳۰	۱.۲.۱.۲ تأثیرپذیری منفی از محیط واقعی (فیزیکی) (مضمون سازمان‌دهنده)
۲۱	۱.۲.۱.۲.۱ دوستان و همسالان (مضمون پایه)
۴	۱.۲.۱.۲.۲ جامعه (مضمون پایه)
۳	۱.۲.۱.۲.۳ مدرسه (مضمون پایه)
۲	۱.۲.۱.۲.۴ خانواده و خویشاوندان (مضمون پایه)
۴۱	۱.۲.۲ تغییرات ناگهانی خاص دوران نوجوانی (مضمون فراگیر)
۲۱	۱.۲.۲.۱ چالش در اجرای احکام (مضمون سازمان‌دهنده)
۹	۱.۲.۲.۱.۱ حجاب (مضمون پایه)
۶	۱.۲.۲.۱.۲ نماز (مضمون پایه)
۸	۱.۲.۲.۲ بی‌ثباتی هویتی (مضمون سازمان‌دهنده)

۲	۱.۲.۲.۲.۱ تظاهر به دین‌ستیزی (مضمون پایه)
۶	۱.۲.۲.۲.۲ هنجارشکنی نوجوان (مضمون پایه)
۵	۱.۲.۲.۲.۳ آزادی‌خواهی (مضمون سازمان‌دهنده)
۴	۱.۲.۲.۳.۱ نبود مرجع مشخص برای تعیین حدود مرز آزادی و استقلال نوجوان (مضمون پایه)
۴	۱.۲.۲.۴ تأییدطلبی افراطی نوجوان (مضمون سازمان‌دهنده)
۱۰	۱.۲.۳ کاستی‌های ناآگاهی و آموزش اصول و مهارت‌های زندگی اسلامی (مضمون فراگیر)
۳	۱.۲.۳.۱ نبود معنا در زندگی (مضمون سازمان‌دهنده)
۱	۱.۲.۳.۱.۱ آسیب به خود (مضمون پایه)
۱	۱.۲.۳.۱.۱.۱ خودکشی
۱	۱.۲.۳.۱.۲ بی‌انگیزگی در زندگی (مضمون پایه)
۳	۱.۲.۳.۲ خودنظم‌دهی پایین (مضمون سازمان‌دهنده)
۱	۱.۲.۳.۲.۱ چالش تحصیلی (مضمون پایه)
۴	۱.۲.۳.۳ نداشتن مهارت‌های زندگی (مضمون سازمان‌دهنده)
۱	۱.۲.۳.۳.۱ نداشتن مهارت‌های عملی اجرای احکام (مضمون پایه)
۱	۱.۲.۳.۳.۲ بیان نکردن احساسات (مضمون پایه)

جدول ۲. فهرست شبکه‌ی مضامین چالش‌های مادران در تربیت دینی

جدول ۳ کدهای جدیدی را نشان می‌دهد که طی فرایند کدگذاری مشخص شده‌اند. از خبره ۱۰ به‌بعد فرایند کدگذاری جدید متوقف و تنها به تعداد کدهای قبلی اضافه شده است. به همین دلیل اشباع داده‌ها از خبره ۱۰ حاصل شده و فقط برای حصول اطمینان تا خبره ۱۳ ادامه داده شده است.

خبره ۱	خبره ۲	خبره ۳	خبره ۴	خبره ۵	خبره ۶	خبره ۷
۴	۱	۰	۵	۱۰	۵	۰
خبره ۱۲	خبره ۸	خبره ۱۰	خبره ۱۱	خبره ۱۲	خبره ۱۳	مجموع
۴	۱	۰	۰	۰	۰	۳۰

جدول ۳. فهرست تعداد کدهای جدید در مراحل تحلیل داده‌ها

## ۱.۱. انواع چالش‌های عام تربیتی در دوران کودکی

والدین در دوران کودکی فرزندان، با چالش‌هایی مواجه هستند که مشخصاً نمی‌توان چالش‌های تربیت دینی را از آن‌ها تفکیک کرد. در این پژوهش، عنوان دوران کودکی، از بدو تولد تا رده سنی ۱۱ سال در پسر و دختر اطلاق شده است. چالش‌های دوران کودکی بدون دخالت متغیر تعدیل‌کننده جنسیت با توجه به سبک فرزندپروری والدین و اتفاقات و حوادث پیش‌آمده در محیط اطراف در یک پیوستار از کم تا زیاد قرار می‌گیرد و به‌طور کلی در ۴ طبقه خلاصه می‌شود. چالش‌های مطرح‌شده معطوف به نظر خبرگانی است که این چالش‌های تربیتی را در مراجعه خانواده‌های مذهبی به مراکز مشاوره یا متخصصان تعلیم و تربیت مشاهده کرده‌اند. این مطلب نشان دهنده موضوعاتی است که مورد ارجاع خبرگان از طرف خانواده‌های مذهبی در سنین کودکی بوده است و در تقسیم‌بندی چالش‌های تربیت دینی قرار نمی‌گیرد. لازم به ذکر است که دغدغه‌های تربیت دینی به عنوان عوامل زمینه ساز ایجاد کننده چالش‌ها در ادامه پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

### ۱.۱. چهار چالش عمومی تربیتی در دوران کودکی:

۱. عدم حرف شنوی کودک
۲. ناتوانی و عدم مهارت آموزی حرکتی
۳. بیش‌فعالی کودک و
۴. اضطراب، جزو مواردی بوده است که مورد اشاره متخصصین قرار گرفته است ولی با توجه به تعداد کدهای کمی که این دسته بندی نسبت به دسته بندی در دوران نوجوانی دارد داده‌های موجود در این بخش از تحلیل نهایی خارج شدند.

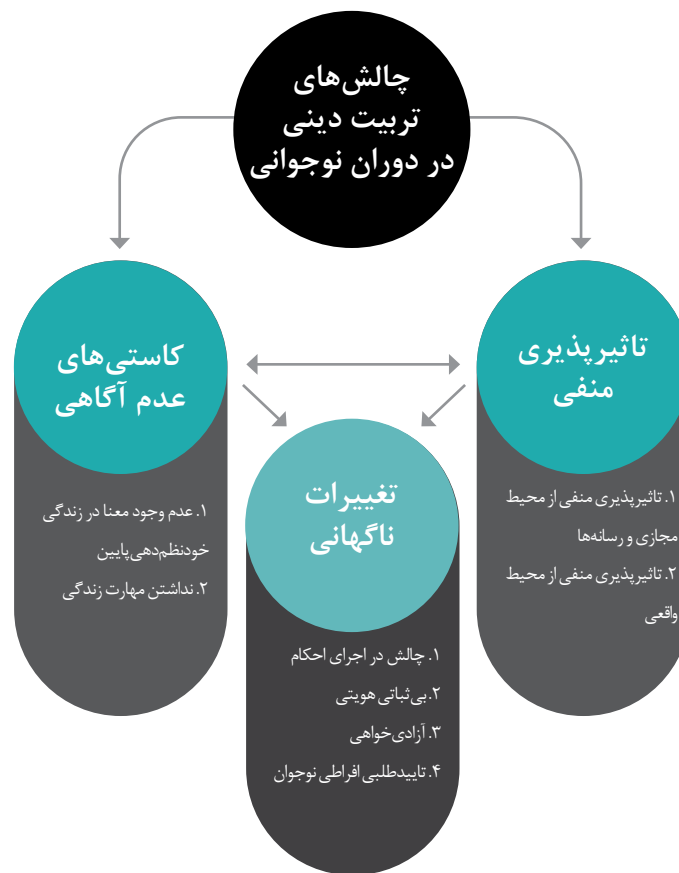
## ۱.۲. چالش‌های تربیت دینی در دوران نوجوانی

همان‌طور که اشاره شد چالش‌های تربیت دینی با توجه به شروع الزامات رفتاری از سنین نوجوانی مشاهده می‌شود. چالش‌های تربیتی دوران نوجوانی در خانواده‌های متدین طی جمع‌بندی مصاحبه‌ها، در سه دسته کلی با عنوان مضامین فراگیر قرار داده شد. این سه دسته با عناوینی که در زیر آمده است، طبقه‌بندی گردید و بر این اساس تبیین مضامین صورت گرفت:

- چالش تأثیرپذیری منفی نوجوان
- چالش تغییرات ناگهانی خاص دوران نوجوانی

## ■ چالش کاستی‌های ناشی از عدم آگاهی و آموزش اصول و مهارت‌های زندگی اسلامی

در بررسی‌ها مشخص شد که این سه چالش با هم در ارتباطند. در این رابطه، چالش کاستی‌های ناآگاهی نوجوان موجب تشدید تأثیرپذیری منفی و افزایش بروز تغییرات ناگهانی می‌شود. چالش تأثیرپذیری منفی بعد از وقوع، چالش تغییرات ناگهانی را افزایش می‌دهد و همچنین چالش تغییرات ناگهانی نیز تأثیرپذیری منفی نوجوان را زیاده‌تر می‌کند. در رابطه بین این سه چالش اصلی در تربیت دینی، آنچه مهم است، توجه ویژه به چالش کاستی‌های عدم آگاهی و آموزش اصول و مهارت‌های زندگی اسلامی است. در واقع به کاستی‌های ناآگاهی نه به‌عنوان مسبب، بلکه به‌عنوان مداخله‌گر افزایشی در هر دو چالش دیگر باید توجه جدی شود.



نمودار ۴. چالش‌های تربیت دینی در دوران نوجوانی

در این بررسی مشخص شد خبرگان اتفاق نظر دارند که با توجه به تظاهر بیشتر محدودیت‌های دینی برای دختران، چالش تربیتی دینی دختران در ظاهر پررنگ‌تر به نظر می‌رسد؛ ولی در عموم خانواده‌های مذهبی، دختران در این امر سازگاری بیشتری نشان می‌دهند. این در حالی است که بیشترین حجم موانع و چالش‌ها با توجه به جنسیت فرزندان، در حیطه گسترده‌تر و سخت‌تر در فرزندان پسر دیده می‌شود. در این راستا خبره ۱۳ تأکید کردند: «ما در حوزه خانواده و فرزندان، در دختران هزینه‌های کمتری داریم؛ ولی این هزینه از لحاظ کمی بیشتر است؛ اما در فرزندان پسر از نظر کیفی هزینه‌های خیلی بیشتری داریم» یا «بیشترین مشکلی که ما الان داریم، نوع نگرش پسران است. ما بیشتر با پسران مشکل داریم. در دختران همچنان که روایت داریم که دختران رحمت هستند، واقعاً سازگاری فکری دختران با شرایط بیشتر است تا پسران. البته دختران چالش‌های زیادی دارند که بیشتر هم به‌خاطر محدودیت‌های دختران است؛ ولی این به معنی این نیست که حالا مشکل بیشتری با خانواده داشته باشند. خانواده‌های متدین بیشتر با پسران مشکل دارند». (پیوست ۲)

همچنین خبره ۹ در موضوع تفاوت جنسیتی در ایجاد چالش‌ها اشاره کردند: «روایت داریم از ۷ سالگی فرزندان را به نماز خواندن تشویق کنید. چرا؟ چون دختر در ۹ سالگی بالغ می‌شود پسر در ۱۵ سالگی. برای دختر از ۷ سالگی شروع کنید و او را به آداب دینی عادت بدهید، ۲ سال کار می‌برد تا نماز خوان شود. پسر هم از ۷ سالگی شروع کنید، ۸ سال کار می‌برد تازه در ۱۵ سالگی نماز خوان شود. پسر زمخت‌تر و مقاوم‌تر است؛ به‌خاطر اینکه رشد آی‌کیوی او نسبت به دختر کمتر است. برای همین است که پسرها در بحث‌های دینی نسبت به دخترها بیشتر کار می‌برند.»

در جدول ۴ ارتباط بین مضامین فراگیر و مضامین سازمان‌دهنده و مضامین پایه را در چالش‌های تربیت دینی مشاهده می‌کنید.

#### چالش‌های تربیت دینی دوران نوجوانی در خانواده‌های مذهبی

کد پایه	کد سازمان‌دهنده	کد فراگیر	
تأثیرپذیری منفی	تأثیرپذیری منفی از محیط مجازی و رسانه‌ها	علاقه‌مندی به الگوهای متعارض با ارزش‌های اسلامی	
		دوستی‌های نامتعارف مجازی	
		اتلاف وقت زیاد در اینستاگرام	
		بازی‌های برخاسته (آنلاین)	
	تأثیرپذیری منفی از محیط واقعی (فیزیکی)	دوستان و همسالان	ارتباطات دوستانه نامناسب
			ارتباطات نامناسب با دوستان
		جامعه	اعتیاد به مواد مخدر
			تعارض رفتار و گفتار در الگوی با نماد مذهبی
	مدرسه	تعارضات شناختی در باورها	الگوسازی نامناسب در اجتماع
			ناهماهنگی اصول و آموزش‌های تربیت دینی خانه و مدرسه
	خانواده و خویشاوندان	ارتباطات با افراد غیرمتدین در خانواده و خویشاوندان	



حجاب		چالش در التزام به احکام	تغییرات ناگهانی خاص دوران نوجوانی	
نماز				
تظاهر به دین‌ستیزی		بی‌ثباتی هویتی		
تفاوت در پوشش	هنجارشکنی نوجوان			
تفاوت رفتاری بین فرزند و خانواده				
نبود مرجع مشخص برای تعیین حدود مرز آزادی و استقلال نوجوان		آزادی خواهی		
نیاز زیاد به تأییدپذیری در جمع دوستان و اجتماع		تأییدطلبی افراطی نوجوان		
بی‌انگیزگی در زندگی		نداشتن معنا در زندگی		کاستی‌های عدم آگاهی و آموزش اصول و باورها و مهارت‌های زندگی اسلامی
تهدید به خودکشی	آسیب به خود			
نداشتن تمرکز	چالش تحصیلی	خودنظم‌دهی پایین		
بیان نکردن احساسات		نداشتن مهارت‌های زندگی		
نداشتن مهارت‌های عملی اجرای احکام				

جدول ۴. ارتباط بین مضامین فراگیر و مضامین سازمان‌دهنده و مضامین پایه

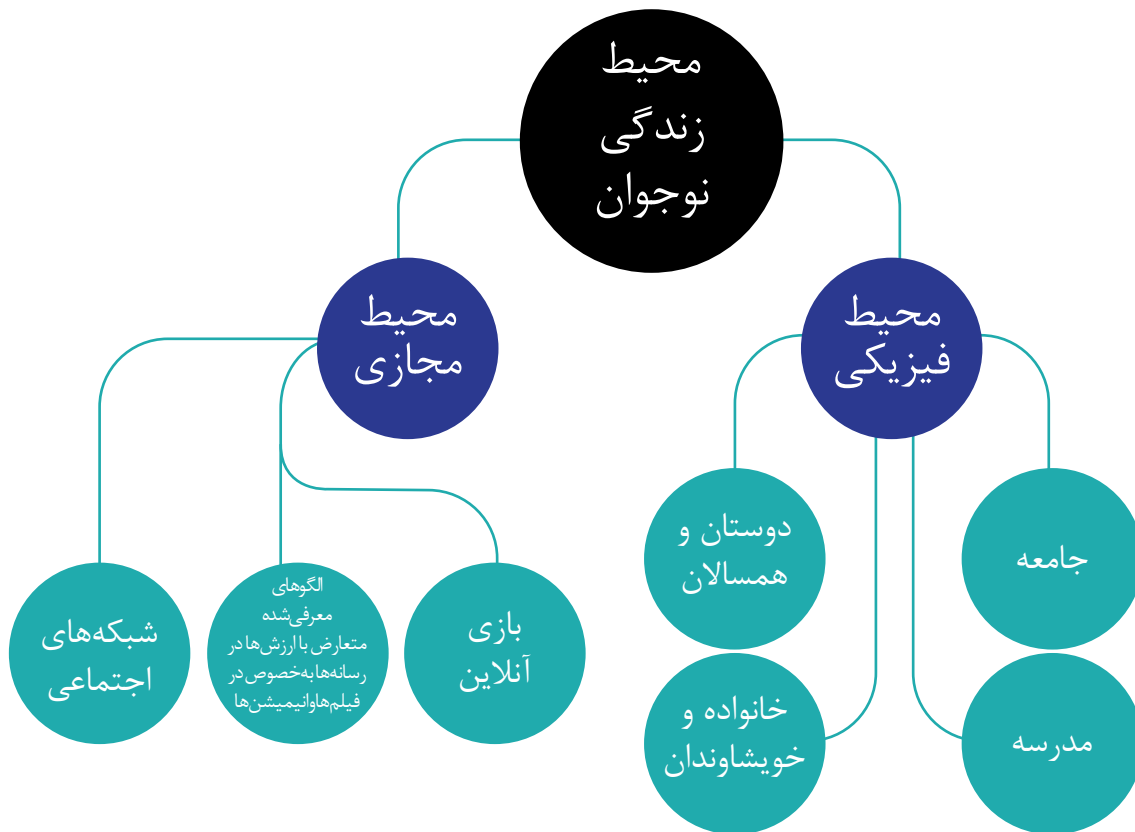
### ۱.۲.۱. چالش تأثیرپذیری منفی در تربیت دینی نوجوان

در جمع‌بندی دیدگاه‌ها می‌توان دید به‌طور کلی والدین با نوجوانان در مواردی با چالش مواجه می‌شوند که ناشی از موضوع «تأثیرپذیری» است. نگرانی‌های عمده والدین که در راستای تربیت دینی، آن‌ها را با چالش بزرگی مواجه می‌کند، به‌ترتیب از حضور فرزندشان در فضای مجازی، مدرسه، با دوستان خارج از مدرسه و در اجتماعات خانوادگی است. این موضوع که فرزندشان در اثرپذیری از محیط اطراف، ناخواسته، بی‌اعتمادی و بدبینی به آموزه‌های دینی پیدا کند یا باورهای دینی خود را از دست بدهد، والدین را در چالش‌های تربیتی قرار می‌دهد. والدینی که تا چند سال گذشته با نقش نظارتی خود تصور می‌کردند همیشه می‌توانند باورهای دینی فرزندانشان را محافظت کنند، در سنین نوجوانی که فرزندشان، نقش نظارتی آن‌ها را به‌عنوان والدین نمی‌پذیرد، خود را دچار چالش تربیتی می‌بینند. این تأثیرپذیری منفی، با مداخله و ویژگی‌های خاص دوران نوجوانی، به‌دلیل تغییرات دوران رشد روانی-اجتماعی نوجوان و افزایش تعلق به گروه همسالان و البته نیاز به «تأییدپذیری» نوجوان تشدید می‌شود. البته گفتمانی است گاهی هم این چالش در خانواده تنها به‌خاطر ترس و نگرانی والدین از تأثیرپذیری فرزند نوجوان و واکنش‌های والدین برای جلوگیری از ورود نوجوان به این محیط‌ها و تحت عنوان «آزادی‌خواهی» نوجوان به وجود می‌آید.

در واقع، این چالش‌ها برخی به‌صورت اجتناب‌ناپذیر در تمام خانواده‌ها ایجاد می‌شود و برخی نیز به عوامل زمینه‌ساز دیگری غیر از

ویژگی‌های رشدی نوجوان مربوط است. طبق نظر خبرگان، باطمینان باید گفت در خانه امن ۱ و بدون عوامل زمینه‌ای و تحت حمایت والدین، پس از مدتی، چالش تربیتی تأثیرپذیری منفی برطرف می‌گردد. اما آن دسته از این چالش‌ها که با عوامل مداخله‌گر آسیب‌های شخصیتی نوجوان یا خانواده متزلزل همراه می‌شود، به چالش‌های ماندگار تربیتی تبدیل می‌گردد. بر این اساس، در تبیین موضوع تأثیرپذیری منفی در ابتدا به محیط‌هایی اشاره می‌کنیم که نوجوان از آن‌ها تأثیرپذیری منفی خواهد داشت.

محیط‌های پیرامون نوجوان که در آن‌ها اوقات خود را می‌گذرانند، به دو دسته محیط مجازی و فیزیکی تقسیم شده است. محیط مجازی شامل محیط‌هایی است که نوجوان با استفاده مستقیم از اینترنت به آن‌ها متصل می‌شود و شامل وبسایت‌ها، شبکه‌های اجتماعی و بازی‌های برخط (آنلاین) است. در مقابل این محیط مجازی، محیط فیزیکی پیرامون نوجوان قرار دارد که شامل مدرسه، گروه‌های دوستی و همسالان، خانواده و خویشاوندان است. باتوجه به کدهای استخراج شده از گفت‌وگوی با خبرگان، این تقسیم‌بندی انجام شده است. اینکه فرزند در کدام یک از این فضاها تأثیرپذیری منفی بیشتری دارد، به عوامل متعددی برمی‌گردد مانند مدت‌زمان حضور در هر یک از این فضاها و میزان نظارت والدین در حین حضور نوجوان، ویژگی‌های شخصیتی نوجوان مانند برون‌گرا یا درون‌گرا بودن، خودنگاره ضعیف یا قوی نوجوان یا میزان ارتباطات مثبت بین مادر و فرزند و...



نمودار ۵. تقسیم‌بندی محیط‌های تأثیرگذار در زندگی نوجوان

### ۱.۲.۱.۱. چالش تأثیرپذیری منفی از محیط مجازی و رسانه‌ها

موضوع فضای مجازی و رسانه‌ها مهم‌ترین چالش در سال‌های اخیر برای بیشتر خانواده‌های مذهبی بوده است. در بررسی‌ها، این موضوع در دسته تأثیرپذیری منفی قرار گرفت. فضای مجازی به‌تنهایی و در عنوان، چالش تربیتی نیست؛ ولی زمانی که آسیب‌های تأثیر بر نوجوان

۱. خانه‌ای که در آن هیچ‌گونه خشونت روانی و کلامی، جسمی، جنسی و اقتصادی وجود نداشته باشد.

از جانب آن بررسی می‌شود، جزو چالش‌های تربیتی خانواده‌ها قرار می‌گیرد.

تأثیرپذیری از فضای مجازی وقتی به تأثیرگیری از الگویی غیرممتعارف و متعارض با ارزش‌های دینی منجر می‌شود، خانواده‌ها را با نوعی چالش تربیتی از نوع تغییر سبک زندگی مواجه می‌کند. وقت‌گذاری زیاد کودک و نوجوان در این فضا نیز جزو چالش‌های خانواده‌هاست که به تأثیر از جذابیت‌های این فضا ایجاد می‌شود و مهارت‌نداشتن مدیریت زمان در نوجوان، آن را تشدید می‌کند و باید گفت بیشتر خانواده‌ها را اصطلاحاً «کلافه» می‌کند. البته در این مواقع، متأسفانه والدین به اهمیت مهارت مدیریت زمان برای جلوگیری از این چالش تربیت دینی واقف نیستند. چالش‌های ایجادشده در ارتباطات دوستانه با جنس مخالف، وقتی از طریق فضای مجازی ایجاد می‌شود، والدین را با پیچیدگی‌های تربیتی بیشتری مواجه می‌کند.

از این‌رو تأثیرپذیری منفی از فضای مجازی و رسانه‌ها به‌عنوان یکی از مضامین سازمان‌دهنده بسیار مهم در محوریت فراگیر تأثیرپذیری منفی نوجوان قرار می‌گیرد (پیوست ۳).

### ■ چالش تأثیرپذیری منفی و علاقه‌مندی به الگوی متعارض با ارزش‌های اسلامی

علاقه‌مندی به شهرت و دنبال کردن زندگی سلبریتی‌ها، موضوع جدیدی در دوران رشد روانی اجتماعی نوجوان نیست. اما گستردگی فضای مجازی و ارتباطات، از نظر عرضه سبک زندگی سلبریتی‌ها، فضایی را برای نوجوانان ایجاد کرده است که آدم‌های بی‌دین و در تعارض با هنجارهای رفتاری خانواده‌های مذهبی (به‌طور نمونه بازیگران کره‌ای) محبوب نوجوانان شوند. این چالش از طرفی به تأییدپذیری نوجوان در گروه‌های همسالان و از طرفی به بحران‌های شناخت و انتخاب در سنین نوجوانی برمی‌گردد. چالش خطرناک تربیتی زمانی ایجاد می‌شود که این افراد بعد از مدتی، به الگویی برای سبک زندگی نوجوان تبدیل شوند (پیوست ۴).

### ■ چالش تأثیرپذیری منفی از شبکه‌های اجتماعی

استفاده هم‌گیر مدارس و گروه‌های تحصیلی و خانوادگی از

شبکه‌های اجتماعی، نوجوانان را در خانواده‌های مذهبی وارد شبکه‌های اجتماعی کرده است. نوجوان به‌صورت ناخواسته وارد شبکه‌ای از اجتماع شده است که خانواده توانایی نظارت و کنترل بر روی آن را ندارد. در اینجا، خانواده با چالش چگونگی مواجهه و کنترل استفاده بیش از حد معمول و خارج از کنترل از نرم‌افزارهای پیام‌رسان توسط نوجوان روبه‌رو شده است.

### ■ چالش ایجاد دوستی‌های نامتعارف در تأثیرپذیری منفی از شبکه‌های اجتماعی

به‌دلیل کنترل در رفت‌وآمدهای خانواده‌های مذهبی با دوستان، دوستی‌های نامتعارف با جنس موافق یا مخالف تا سال‌های قبل، چالشی جدی به حساب نمی‌آمد؛ اما ولی در سال‌های اخیر، حضور فرزندان در فضای مجازی، ایجاد دوستی‌های نامتعارف با جنس موافق یا مخالف را به چالشی جدی برای خانواده‌ها تبدیل کرده است. دوستی‌هایی که در آن‌ها نوجوان پسر، خود را دختر یا نوجوان دختر، خود را پسر معرفی کند، در این فضا دیده می‌شود (پیوست ۵).

### ■ چالش اتلاف وقت زیاد در اینستاگرام در تأثیرپذیری منفی از شبکه‌های اجتماعی

در میان چالش‌های استفاده از پیام‌رسان‌های اجتماعی، استفاده از اینستاگرام بیشترین و بارزترین چالش تربیتی را برای خانواده‌ها به دنبال داشته است. نوجوان در مواجهه با این بستر نرم‌افزاری، به‌دلیل مهارت‌نداشتن در مدیریت زمان، نمی‌تواند مواجهه مناسبی با گستردگی و نامحدودبودن محتوایی اینستاگرام داشته باشد. در نتیجه جدا از آسیب‌های غیراخلاقی این پیام‌رسان، نوجوان به آسیب اتلاف وقت و زمان را نیز دچار خواهد شد. این آسیب به چالش جدی خانواده‌ها تبدیل شده است (پیوست ۶).

### ■ چالش تأثیرپذیری از فضای مجازی و اعتیاد به بازی‌های برخط (آنلاین)

در دو سال اخیر، به‌دلیل فضای قرنطینه ایجادشده، برخی کودکان متأثر از محیط دوستانه اطرافشان، برای ایجاد ارتباط با دنیای اطراف، به بازی‌های برخط روی آورده‌اند. استفاده از

این بازی‌ها که در پسران بیشتر دیده می‌شود، به دلیل هیجان موجود در رقابت گروهی، به وقت‌گذاری زیادی در این فضا منجر شده است. جدا از تأثیر مخرب مضمون برخی از این بازی‌ها که ترویج خشونت و سکس است، آنچه به چالش در خانواده‌ها منجر شده، وقت‌گذاشتن زیاد و اعتیاد فرزندان به این بازی‌هاست (پیوست ۷).

### ۱.۲.۱.۲ چالش تأثیرپذیری منفی از محیط واقعی (فیزیکی)

تأثیرپذیری منفی از محیط زندگی، یکی از عواملی است که همواره در تربیت فرزندان برای خانواده‌ها چالش‌های تربیتی ایجاد کرده است. این محیط زندگی مجموعه‌ای از محیط‌های اجتماعی خانه و خانواده، مدرسه، خویشاوندان و در وسعت بیشتر جامعه محلی و شهری، جای تحصیل یا رفت‌وآمد نوجوان است.

### ■ چالش تأثیرپذیری منفی از دوستان و همسالان

دوستان و همسالان طی سنین نوجوانی، بیشترین اثرپذیری را از یکدیگر دارند. در صورتی که ارتباط‌های دوستانه در چارچوب‌های مذهب قرار نگیرد یا دوستان نوجوان، از ارزش‌های مذهبی برخوردار نباشند، خانواده را با چالش جدی تربیتی مواجه می‌کنند. در این راستا دو چالش ارتباط نامناسب با دوستان (دختر با دختر و پسر با پسر) و ارتباط دوستانه نامناسب (دختر با پسر) دیده خواهد شد (پیوست ۸).

### ارتباط دوستانه نامناسب

در صورتی که تحت تأثیر محیط اطراف، ارتباط با جنس مخالف عادی‌سازی شود، این ارتباط بیشتر برقرار می‌شود. متأسفانه موضوع دوستی با جنس مخالف جزو موضوعاتی است که هنوز در خانواده‌ها، به‌عنوان یک چالش جدی، پذیرفته نشده است و خانواده‌های مذهبی در حال انکار آن هستند. در این موضوع، به دلیل محدودیت‌های رفت‌وآمد در دختران، چالش تربیتی بیشتر، به مشکلات روانی بعد از برهم خوردن این روابط مربوط می‌شود؛ ولی در پسران چالش اتفاقات رخ داده در این روابط را هم شاهدیم (پیوست ۹).

### ارتباط نامناسب با دوستان

نوجوانان تمایل دارند وقت زیادی را با دوستان خود بگذرانند. در این راستا، رفت‌وآمدهای زیاد نوجوانان با دوستانشان، خانواده را دچار چالش تربیتی کرده است (پیوست ۱۰).

### ■ چالش تأثیرپذیری منفی از جامعه

در کنار خانه و مدرسه و دوستان، جامعه فیزیکی بزرگ‌تری نیز نوجوان را احاطه کرده است. فرهنگ اجتماعی حاکم بر جامعه بزرگ‌تر، به‌مثابه بیرونی‌ترین لایه‌ای که نوجوان را درون خود قرار داده، بر فرایند جامعه‌پذیری نوجوان تأثیرگذار است. بدیهی است که این فرهنگ هر چقدر در الگوسازی مثبت برای نوجوان و تأمین سلامت وی ظرفیت بیشتری داشته باشد، خواهد توانست چالش‌های تربیت دینی خانواده را کاهش دهد.

### ■ چالش تأثیرپذیری منفی از جامعه و اعتیاد به مواد مخدر

تأثیرپذیری نوجوان از دوستان و گرفتار شدن در دام مواد مخدر با وزن‌دهی پایین در پژوهش دیده می‌شود. طبق نظر خبرگان، این موضوع در خانواده‌های مذهبی‌ای مشاهده می‌شود که از نظر فرهنگی، سطح پایین‌تری دارند. به این موضوع به‌صورت یک چالش محدود از نظر جمعیت درگیر، ولی خطرناک و هشداردهنده باید توجه شود (پیوست ۱۱).

### ■ چالش تأثیرپذیری منفی از الگو با نمادهای مذهبی که

#### تعارض در گفتار و رفتار را نشان می‌دهد

از چالش‌های تأثیرپذیری نوجوانان، به وجود و تأثیر الگوهای به‌ظاهر خوب می‌توان اشاره کرد. این چالش تربیتی زمانی ایجاد می‌شود که نوجوان از الگویی که محبوبیت داشته و با شاخصه‌ها و نمادهای مذهبی شناخته شده است، اعم از پدر، آشنا، دوست یا معلم، تأثیر مثبت بپذیرد. ولی در یک تعارض، بعد از مدتی یا در یک اتفاق متوجه شود که این الگو نقصی در رفتار یا فعالیت‌های اجتماعی یا اقتصادی داشته است. متأسفانه تأثیرپذیری قبلی از این الگو، به‌یک‌باره باعث می‌شود باورهای مذهبی نوجوان فروپاشد و شناخت او از دین متزلزل گردد (پیوست ۱۲).

### ■ چالش تأثیرپذیری منفی و الگوگزینی نامناسب

نوجوان ذاتا به دنبال شهرت و اعتبار است؛ از این رو به دنبال انسان‌های شهیر می‌گردد که خودش را به آن‌ها متصل کند. در این میان، جامعه از طریق رسانه‌ها این قابلیت را بیشتر در اختیار افراد قرار می‌دهد که خود را به صورت اسطوره‌ها یا ناجیان نوجوان معرفی کنند. در این سن، وفاداری به الگو، در شکل گسترده‌ای از اعتماد قرار دارد و بر شکل‌گیری باورهای نوجوان تأثیر زیادی می‌گذارد. این تأثیرپذیری از جامعه، خانواده‌ها را به چالش تربیتی در مطرح‌شدن چهره‌های الگویی نامناسب و همانندسازی با خویشتن در نوجوان و مشکلات تغییر در سبک زندگی فرزندشان دچار می‌کند (پیوست ۱۳).

### ■ چالش ایجاد تعارضات شناختی در ناهماهنگی بین مدرسه و خانواده در تأثیرپذیری از محیط حاکم بر مدرسه

باتوجه به مدت زمان زیادی که فرزندان در محیط مدرسه هستند، تأثیرپذیری عمیقی از معلمان و دوستان خود خواهند داشت. بنابراین اگر محیط و برنامه‌های اجرایی مدرسه با اعتقادات مذهبی خانواده هم‌راستا نباشد، تعارضات شناختی در نوجوان ایجاد خواهد شد. این تعارضات چالش‌های تربیتی پیش روی خانواده را تشدید خواهند کرد (پیوست ۱۴).

چالش تأثیرپذیری از ارتباط با خانواده و خویشاوندان غیرمتدین باتوجه به وجود ویژگی تأثیرپذیری نوجوان، خانواده‌ها به تجربه درک کرده‌اند که خویشاوندان غیرمتدین تأثیر منفی بر باورهای مذهبی فرزندشان می‌گذارند. این خویشاوندان ممکن است خواهر یا برادر بزرگ‌تر نوجوان یا دیگر افراد فامیل باشند. در این راستا، عواقب و سختی‌ها و چگونگی کم‌کردن یا قطع ارتباطات با دیگر اعضای خانواده به یکی از چالش‌های خانواده‌های مذهبی تبدیل شده است (پیوست ۱۵).

### ■ چالش تغییرات ناگهانی خاص دوران نوجوانی

عمده چالش‌های تربیتی والدین در موضوعاتی است که در یک مضمون کلی، «تغییرات ناگهانی» نامیده می‌شود. در واقع، چالش‌های به وجود آمده، بیشتر از سنخ تغییرات ناگهانی و به دور از انتظار خانواده است که نوجوان در هنجارهای رفتاری یا ظاهر خود نشان می‌دهد. این تغییرات ناگهانی، از سویی

به وضع پوشش یا اجرای احکام یا هنجارشکنی‌های رفتاری نوجوان مربوط می‌شود و از سوی دیگر، به مهارت‌های ارتباطی یا هیجانی پایین فرزند از سنین کودکی که در سن نوجوانی با یک تغییر ناگهانی خودش را نشان می‌دهد. این تغییرات برای والدین ناگهانی است؛ ولی برای متخصصان امر تربیت پیش‌بینی‌پذیر است. از این رو جزو چالش‌هایی به شمار می‌رود که قابلیت پیشگیری دارد.

به طور مثال، رعایت حجاب یک مهارت است. به دنبال ضعف در زیربنای آموزش حیا در کودکی و نبود توانمندی و تمرین به موقع، این موضوع در تغییرات ناگهانی در سنین بالاتر به چالشی تربیتی تبدیل می‌شود. در واقع آموزش و تمرین باید از کودکی مدنظر باشد که با تغییرات ناگهانی در سنین نوجوانی غافلگیر نشویم (پیوست ۱۶).

### ۱.۲.۲.۱ چالش تغییر ناگهانی نوجوان و عدم اجرای احکام

این چالش در دسته چالش‌های ناگهانی قرار می‌گیرد؛ به این دلیل که معمولاً کودکان دختر یا پسر قبل از کلاس چهارم، در اجرای احکام، خود را همسو با هنجارهای رفتاری خانواده نشان می‌دهند. علت اصلی ایجاد این چالش، عوامل زمینه‌ای مشترکی است که قبل از سنین نوجوانی می‌توان از آن‌ها پیشگیری کرد (پیوست ۱۷).

### ■ چالش تغییر ناگهانی در عدم اجرای احکام از نوع حجاب

این چالش اغلب، به صورت ناگهانی برای خانواده‌ها ایجاد می‌شود. معمولاً دختر تا قبل از کلاس چهارم و پنجم پوششی مانند مادر دارد و حجاب را رعایت می‌کند؛ ولی با ورود به سن نوجوانی حجاب را کنار می‌گذارد. تردید به آموزش‌های دینی خانواده در این زمینه و رعایت نکردن حجاب در نوجوان، گاهی به نبود آگاهی لازم و آموزش کافی در این زمینه برمی‌گردد؛ ولی در اکثر مواقع، به تعارضات رفتاری والدین و بی‌توجهی به لایه‌های زیرین تربیتی درباره حجاب اشاره می‌کند. چالش رعایت نکردن حجاب توسط نوجوان در بیشتر مواقع، برآمده از اعتراض پنهان نوجوان به وجود تعارضات اعتقادی و رفتاری والدین است (پیوست ۱۸).

بروز می‌دهد. ایجادنشدن ارزش قبل از هنجار یا ایجادنکردن اصالت خانوادگی در بروز این چالش‌های تربیتی سهم بسیاری دارد (پیوست ۲۱).

ارزش‌ها فطری است و اگر نوجوان به‌صورت ضمنی در فرایند تربیت و از بدو تولد، آن‌ها را در خانواده و اجتماع دیده باشد و خوبی‌های آن‌ها را لمس کرده باشد، آن‌ها را خواهد پذیرفت. ارزش‌ها کلی است و قابلیت تعمیم در هر زمان و مکانی را دارد؛ درحالی‌که هنجارها قواعد رفتاری است. ارزش یعنی کارهای خوب و مطلوب که هر انسانی در هر سنی به آن‌ها گرایش مثبت نشان خواهد داد. اگر قبل از اعلام قاعده و قانون‌های خانوادگی و دینی، فرزندان را با ارزش‌های این قواعد رفتاری آشنا کنیم، درباره ارزش‌ها گفت‌وگو کنیم و فرایند درونی‌سازی ارزش‌ها را طی کنیم، در موضوع هنجارها، به مشکلات نقض هنجار نخواهیم رسید. فرزندان به هنجارها اهمیت خواهند داد؛ زیرا آن‌ها را برای نشان دادن ارزش‌های خودشان مهم می‌دانند. این در حالی است که در فرایند رشد، هر جا با هنجارهای جدید اجتماعی و دینی مواجه شوند، در صورتی‌که تعارضی با ارزش‌ها مشاهده نکنند، آن‌ها را خواهند پذیرفت.

### ■ چالش هنجارشکنی نوجوان و تفاوت در نوع پوشش به‌دنبال تغییر ناگهانی نوجوان

تغییر ناگهانی و هنجارشکنی در پوشش بیشتر در پسران دیده می‌شود. وقتی فرزند پسر شلوار و لباسی را از نظر رنگ یا مدل انتخاب می‌کند که خانواده آن را متعارض با هنجارهای خانوادگی می‌بیند، چالش بین والدین و فرزندان ایجاد می‌شود. بخشی از چالش‌ها به هنجارشکنی در نوع پوشش مربوط می‌شود و بخشی به‌دلیل تفاوت‌های ایجادشده بین فرزند و خانواده در نوع سلیقه متفاوت در موسیقی، فیلم و... در هر صورت، والدین این تفاوت را نوعی هنجارشکنی از طرف فرزند و چالش تربیتی می‌دانند (پیوست ۲۲).

۱.۲.۲.۳. چالش آزادی‌خواهی و نبود مرجع مشخص تعیین‌کننده حد و مرز آزادی و استقلال نوجوان در خانواده

### ■ چالش تغییر ناگهانی در عدم اجرای احکام از نوع نماز

اقامه‌نکردن نماز توسط دختر و پسر، هر دو چالش تربیتی خانواده‌های مذهبی است. گرایش‌نداشتن به نماز، چالشی ناگهانی است که خانواده‌ها را نگران می‌کند (پیوست ۱۹).

### ۱.۲.۲.۲. چالش بی‌ثباتی هویتی و تغییرات ناگهانی در تفکر و رفتار نوجوان

سنین نوجوانی، سن شناخت و انتخاب برای تکمیل مراحل هویت‌یابی نوجوان و عبور از بحران‌های هویتی است. در راستای این هویت‌یابی، پیدایش سؤالات متعدد در ذهن نوجوان درباره بایدها و نبایدهای دینی و کاهش تعهد به دستورهای دینی و حتی الزام‌های خانوادگی دیده می‌شود.

### ■ چالش تغییر ناگهانی نوجوان و تظاهر به دین‌ستیزی

تظاهر به دین‌ستیزی یکی از موضوعاتی است که در راستای بحران هویت در سنین نوجوانی دیده می‌شود. فرزند در دوران نوجوانی ذهن پرسشگر دارد. او برای اینکه به بزرگسالان، مخصوصاً به خانواده خود نشان دهد در حال انتخاب و تفکر است، در یک چرخش ناگهانی رفتاری، به رفتارهایی دست می‌زند که دیگران آن را دین‌ستیزانه می‌پندارند. درحالی‌که در هویت‌یابی موفق، این مرحله از زندگی نوجوان باید به‌خوبی سپری شود. آنچه موضوعیت این چالش را مطرح می‌کند، نگرانی والدین از ثبات این وضعیت در نوجوان است؛ درحالی‌که این ویژگی از جمله ویژگی‌های ذاتی نوجوانی است که در بحران هویت و انتخاب، بروز پیدا خواهد کرد و نشان‌دهنده طی شدن مراحل رشد روانی‌اجتماعی نوجوان است. بر این اساس در راستای این چالش، تنها باید والدین هوشیار و آگاه باشند و مراجع پاسخگویی به سؤال‌های نوجوان را افزایش دهند (پیوست ۲۰).

### ■ چالش تغییر ناگهانی و هنجارشکنی نوجوان به‌دنبال بی‌ثباتی هویتی

در تغییرات ناگهانی نوجوان، اصطلاح «زیر میز زدن» را داریم. به‌عبارت‌دیگر کودکی که کاملاً با هنجارهای خانوادگی همسو بوده است، به‌یک‌باره هنجارشکنی‌های رفتاری را در خانواده

جمع هستند. این چالش در دختران و پسران به یک اندازه است؛ ولی در دختران به دلیل محدودتربودن تعاملات اجتماعی، سریع‌تر و بیشتر دیده می‌شود.

تأییدطلبی ذاتی در نوجوان در صورتی که با خودپنداره یا اعتماد به نفس کم و حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی مثل اینستاگرام همراه گردد، به چالش «تأییدطلبی افراطی» تبدیل خواهد شد. این تأییدطلبی افراطی ممکن است مسبب هنجارشکنی‌های بیشتر و افزایش ارتباطات خارج از چارچوب خانواده مذهبی شود (پیوست ۲۴).

### ۱.۲.۳.۱. چالش کاستی‌های عدم آگاهی و آموزش اصول و باورها و مهارت‌های زندگی اسلامی

مهارت‌های زندگی، مجموعه‌ای از تکنیک‌ها و اصول و قواعدی است که زمینه تعامل و سازگاری انسان‌ها را با محیط و اطرافیان فراهم می‌سازد. انسان با مجهز شدن به این مهارت‌ها می‌تواند در برابر مشکلات پیرامونی، برخوردی منطقی و کارساز داشته باشد. آموزش این اصول و مهارت‌ها را با هدف ایجاد سبک زندگی اسلامی، والدین باید به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از کودکی آغاز کنند و طی دوران نوجوانی فرزند آن‌ها را ادامه دهند. در صورت وجود کاستی‌های آموزشی در هر دوره از رشد فرزند، صدمات این آموزش‌ندیدن در سنین بالاتر افزایش خواهد یافت (پیوست ۲۵).

### ۱.۲.۳.۱. چالش نبود معنا در زندگی به دنبال کاستی‌های آموزشی

آدمی برای قرارگرفتن در مسیر موفقیت باید در اصلاح رابطه خود با خدا و رابطه خود با دیگران گام بردارد و با استفاده از اصول و آموزه‌های دینی به اهداف متعالی نزدیک شود. اگر فرزند در سنین کودکی یا نهایتاً در آغاز سنین نوجوانی چگونگی تعیین اهداف و دورنمای زندگی را نیاموخته باشد، در اوج چالش‌های نوجوانی، وقتی با بی‌ثباتی‌های هویتی مواجه می‌شود، با چالش‌های تربیتی‌ای مواجه خواهد شد که در اثر نبود معنا در زندگی بروز پیدا کرده‌اند. آموزش‌ندادن فرزند برای

یکی از چالش‌ها، موضوع چگونگی تعیین حد و مرز آزادی برای نوجوان است. برخی خانواده‌ها آزادی فرزندشان را بیش از حد و بعضاً با نگاه جنسیتی محدود می‌کنند. این امر ممکن است به چالش‌های هوش هیجانی پایین و هوش جسمانی پایین منجر شود. از طرفی دیگر، نوجوان اساساً به دنبال آزادی بیشتر است و دلیل آن هم ممکن است تأثیرپذیری از محیط اطراف و مشاهده آزادی و استقلال دیگر نوجوانان در جامعه ایران و جهان یا تغییرات ناگهانی ویژگی رشدی نوجوان باشد. در این راستا، نبودن مرجع تربیتی مشخصی برای تعیین حد و مرز و زمان آزادی برای فرزند، برای والدین به چالش جدی تبدیل شده است.

والدین نمی‌دانند آزادی اجتماعی یا آزادی در استفاده از فناوری تا چه حد و تا کی و در چه زمانی برای فرزندشان لازم است یا به او آسیب نخواهد زد. این آگاهی اندک و نبود اطمینان در تصمیم‌گیری توسط والدین، به اتخاذ شیوه‌های متزلزل تربیتی منجر شده و همین متزلزل والدین را دچار چالش‌های جدی کرده است (پیوست ۲۳).

### ۱.۲.۳.۴. چالش تأییدطلبی افراطی نوجوان در تغییرات ناگهانی دوران نوجوانی

وضعیتی که نیاز به تأییدپذیری را در انسان ایجاد می‌کند، باعث می‌شود در جمعی که قرار می‌گیرد، به دنبال انجام رفتار متناسب با آن جمع شود. تأییدپذیری به طور طبیعی از خصیصه‌های رشد روانی اجتماعی است که در دوران نوجوانی بیشتر دیده می‌شود. در این راستا، یکی از چالش‌های تربیتی در نوجوانان، برآمده از خودانگاره ضعیف نوجوان و نبود تربیت جنسی به موقع است که هنگام قرارگرفتن در جمع‌های دوستانه یا خانوادگی متعارض با مذهب بروز پیدا می‌کند. در این وضع، نوجوان به دلیل دنبال کردن نگاه تأییدآمیز دیگران، از آموزه‌های اخلاقی و دینی خانوادگی دور شده و هم‌رنگ جماعت می‌گردد. این وضع به تأثیرپذیری منفی در نوجوان منجر خواهد شد.

ارتباط با جنس مخالف هم در راستای همین چالش تربیتی ایجاد می‌شود. نوجوانانی که به دور از هنجارهای خانوادگی با جنس مخالف ارتباط برقرار می‌کنند، به دنبال گرفتن تأیید از

پذیرش مسئولیت در حوزه فردی و اجتماعی در بی‌انگیزی و بی‌معنایی زندگی او نقش خواهد داشت (پیوست ۲۶).

### ■ بی‌انگیزی در زندگی به دنبال نبود معنا در زندگی

بی‌انگیزی تحصیلی یکی از مشکلات رایج در بروز چالش‌های تربیتی در خانواده‌هایی است که فرزند پسر دارند. نداشتن انگیزه برای ادامه تحصیل، احتمالاً چالش افت تحصیلی و نرفتن به دانشگاه و در ادامه، از دست دادن فرصت‌های شغلی را برای فرزندان ایجاد خواهد کرد. این معضل را به وضوح در افزایش تعداد دختران در دانشگاه هم می‌توان دید. به عبارتی نبود معنا در زندگی فرزندان پسر بیشتر دیده می‌شود (پیوست ۲۷).

### ■ آسیب به خود در راستای نبود معنا در زندگی

نیاموختن مهارت‌های کنترل هیجاناتی مانند خشم در دوران پس از کودکی، به بروز آسیب‌های رفتاری در دوران نوجوانی منجر خواهد شد. این نداشتن مهارت، در کنار عوامل زمینه‌ای دیگر به چالش آسیب به خود یا آسیب به اطرافیان در نوجوانی منجر می‌شود. در سطوح بالای آسیب به خود، در مواردی خودکشی نوجوان نیز دیده می‌شود. هرچند که این مشکل در خانواده‌های مذهبی اندکی گزارش شده است، با توجه به عنوان موضوع و حساسیت فراوانی که دارد، در جریان بررسی‌های تربیت دینی باید قرار بگیرد.

در نگاه متخصصان، تعداد خانواده‌هایی که برای حل این چالش به مراکز مشاوره مراجعه می‌کنند، بیشتر از خانواده‌های مذهبی هستند و این تحلیل را دارند که خانواده‌های غیرمذهبی از این موضوع در تربیت فرزند عبور کرده‌اند و اصلاً به عوامل ایجادکننده این چالش، در ضمن تربیت فرزندان اهمیتی نمی‌دهند (پیوست ۲۸).

### ۱.۲.۳.۲. خودنظم‌دهی پایین در راستای نداشتن

#### مهارت‌های زندگی اسلامی

خودنظم‌دهی پایین نوجوان یکی از چالش‌های تربیتی در خانواده است. این مهارت که به ایجاد تعادل رفتاری و هماهنگی

با محیط برای حفظ آرامش مربوط می‌شود، در صورت وجود، تاب‌آوری نوجوان را افزایش می‌دهد. بسیاری از چالش‌های مربوط به مفاهیم دینی مثل صبر و توکل و... را بر پایه این مهارت می‌توان قرار داد.

### ■ چالش تحصیلی در راستای کمبود مهارت خودنظم‌دهی در نوجوان

خودنظم‌دهی پایین و مهارت‌نکردن هیجانات در پسران و دختران وجود دارد؛ اما این امر نسبت به امر تحصیلی در پسران بیشتر دیده می‌شود. این موضوع خانواده‌ها را دچار چالش‌های تحصیلی با فرزندان کرده است. این چالش تحصیلی بیشتر به دنبال شکایت والدین از نبود تمرکز درسی در نوجوان مشاهده می‌شود (پیوست ۲۹).

### ۱.۲.۳.۳. چالش آگاهی‌نداشتن در زمینه مهارت‌های زندگی در نوجوان

آموزش‌ندادن مهارت‌های زندگی به کودکان، در سنین نوجوانی، خانواده‌ها را با چالش‌های تربیتی مواجه می‌کند (پیوست ۳۰).

### ■ چالش نداشتن مهارت‌های عملی در اجرای احکام، در راستای مهارت‌های زندگی

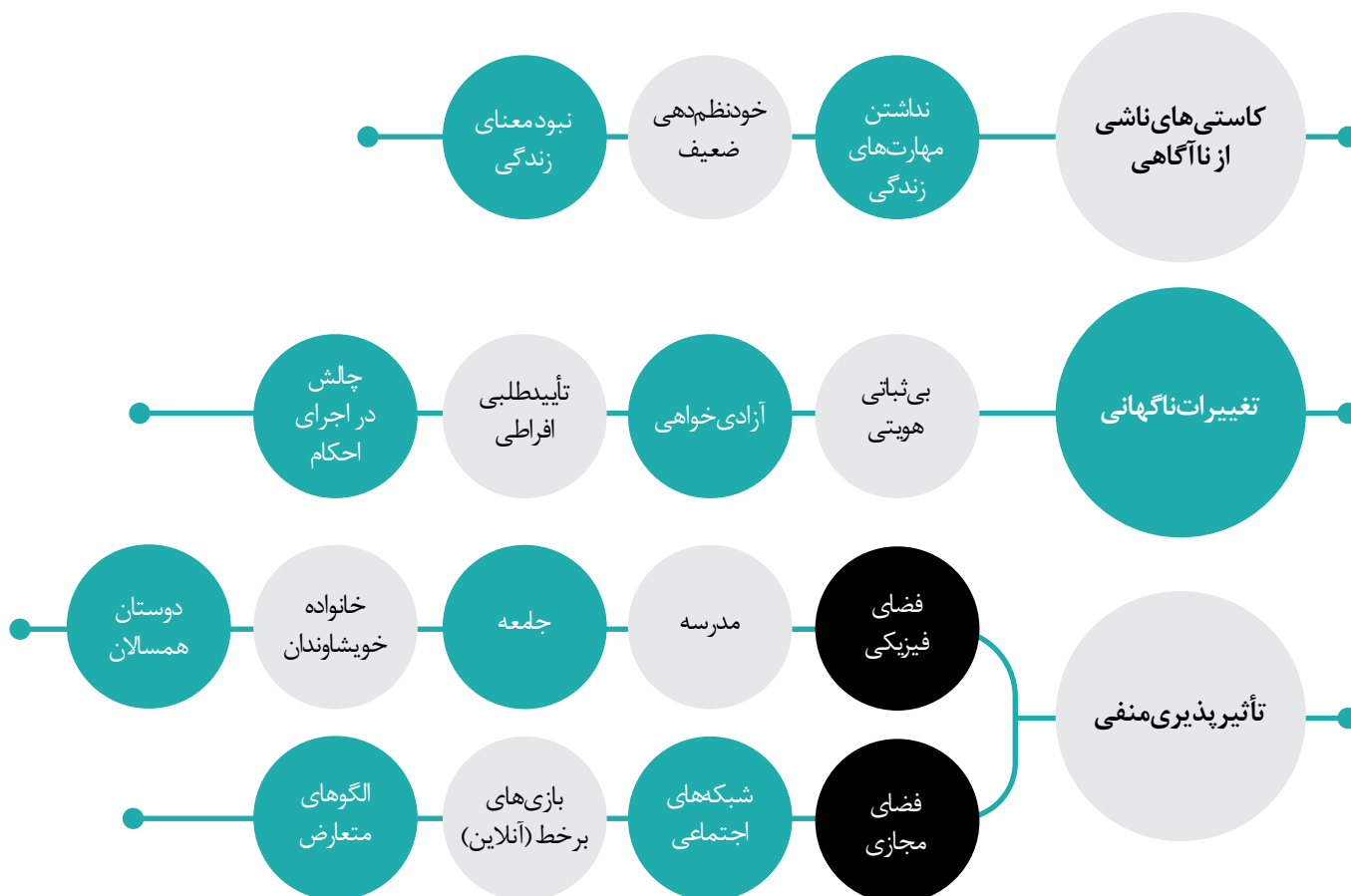
اجرای دستورات فقهی اسلام، به وجود بعضی مهارت‌های عملی در اجرا نیازمند است. این مهارت‌ها نیازمند تمرین و آموزش از سنین کودکی است؛ در غیر این صورت چالش تربیتی اجرانکردن آن‌ها توسط نوجوان را در سنین نوجوانی شاهد خواهیم بود (پیوست ۳۱).

### ■ چالش مهارت اندک در بیان احساسات

در مهارت‌های زندگی، چالش ضعف در ارتباط‌گیری مناسب و بیان صحیح احساسات در دوران نوجوانی به یکی از چالش‌های والدین با فرزندان منجر خواهد شد. بیان‌نکردن احساسات، مخصوصاً در فرزندان دختر، به بروز فاصله بین فرزندان و والدین منجر می‌شود (پیوست ۳۲).



## چالش‌ها تربیت دینی در دوران نوجوانی



نمودار ۶ شبکه‌مضمین چالش‌های تربیت دینی در دوران نوجوانی

## جمع‌بندی پژوهش در قسمت چالش‌های نوجوانی

در موضوع چالش‌های تربیت دینی در دوران نوجوانی، به ترتیب مضامین زیر مهم‌ترین مضامین، از نظر وسعت و تعدد تکرار، براساس تأکید خبرگان شناخته شده است:

۱. مضمون فراگیر «تغییرات ناگهانی» در دوران نوجوانی، در قسمت عدم اجرای احکام (مانند نماز و حجاب) بیشترین چالش از نظر وسعت و تعدد تکرار در نظر خبرگان بود.

۲. مضمون فراگیر «تأثیرپذیری منفی» در قسمت ارتباط با جنس مخالف بیشترین چالش در تربیت دینی را در رتبه دوم دارد.

۳. مضمون فراگیر «تأثیرپذیری منفی» در قسمت تأثیر فضای مجازی و رسانه‌ها، سومین چالش تربیت دینی در نظر خبرگان است.

چالش‌های تربیت دینی که بیشتر در دوران نوجوانی با آن مواجه هستیم، علیرغم آنچه در ظاهر دیده می‌شود و خانواده‌ها و مسئولین تعلیم و تربیت را درگیر خود کرده است، مستقیماً به کاستی در آموزش‌های دینی برای نوجوانان بازمی‌گردد بلکه به علل زمینه‌سازی باز می‌گردد که بیشتر ریشه در روابط خانوادگی زوجین و مهارت‌های زندگی در خانواده و آگاهی مادر نسبت به خودش و نسبت به میبانی دینی دارد. این علل که از بدو تولد فرزندان وجود دارد و به طور کلی تربیت کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد از همان کودکی ریشه تربیت دینی را محکم می‌کند. در واقع می‌توان گفت بستر تربیت دینی بر روی تربیت عام قرار گرفته است و تا زمانی که مسائل و مشکلات تربیتی خانوادگی مرتفع نگردد هیچ‌گونه تربیت دینی محقق نخواهد شد. در این راستا مادران موفق در تربیت فرزندان خود با تکیه بر اصول یاد شده موفق هستند و تعداد فرزندان و یا حتی جنسیت آنان در این تربیت نقش خاصی ندارد.

علل زمینه‌ساز ایجاد کننده

چالش‌های تربیت دینی

برای بررسی علل زمینه‌ساز چالش‌های تربیتی، فرایند بررسی و تحلیل مضمون به صورت جداگانه انجام شد و تمامی مراحل کدگذاری از ابتدا صورت گرفت. بر این اساس ۴۰۲ کد اولیه، ۶۶ مضمون پایه، ۲۵ مضمون سازمان‌دهنده و ۷ مضمون فراگیر شناسایی شدند. در کدگذاری داده‌های گردآوری شده در بررسی علل زمینه‌ساز ایجادکننده چالش‌ها، از کل کدهای به‌دست‌آمده ۱۳۱ کد را «ناآگاهی مادر» در خانواده به صورت مستقیم به خود اختصاص داد. به همین دلیل به عنوان یکی از کدهای فراگیر مهم مشخص شد. دیگر مضامین فراگیر به‌دست‌آمده به همراه این مضمون به ترتیب در جدول ۵ آورده شده است.

تعداد کد اولیه	مضمون فراگیر
۱۳۲	ناآگاهی مادر
۱۶۵	کاستی‌های دانش و مهارت خانواده درباره خانواده اسلامی
۲۶	آسیب‌های مربوط به جامعه
۲۱	هویت اقتصادی مادی‌گرایانه
۲۰	مسائل و مشکلات خاص فرزندان
۱۷	آسیب‌های فضای مجازی و رسانه‌ای
۱۴	آسیب‌های مربوط به مدارس

جدول ۵. کدگذاری داده‌های گردآوری شده در بررسی علل زمینه‌ساز

در جدول ۶ دسته‌بندی مضامین فراگیر و مضامین سازمان‌دهنده و مضامین پایه مرتبط با هر یک آمده است.  
جدول ۶. دسته‌بندی مضامین فراگیر و مضامین سازمان‌دهنده و مضامین پایه

## عوامل زمینه‌ساز چالش‌های تربیت دینی دوران نوجوانی در خانواده‌های مذهبی

کد پایه	کد سازمان‌دهنده	کد فراگیر	
ناآگاهی مادر	سواد پایین	مطالعه پایین	
		نداشتن تحصیلات دانشگاهی	
		سواد رسانه‌ای پایین	
	بی‌توجهی مادر به نقش مادری	کم‌توجهی به جایگاه مادر در عالم خلقت	نپذیرفتن سهم مادر در تربیت
			درک‌نداشتن از مفهوم مادری
			بی‌توجهی مادر به سلامت روان خود
	ضعف در منش دینی مادر	ضعف خودشناسی مادر	نداشتن شناخت از هیجانات
			سواد عاطفی پایین
			نبود مهارت ارتباطی مادر با فرزند
	ناآگاهی به مبانی تربیتی	نداشتن شناخت از ویژگی‌های رشدی نوجوان	درماندگی تربیتی
اضطراب در تربیت			
شناخت اشتباه خداوند			
ضعف دانش دینی در مادر	ضعف در باورهای عقلی درباره عدل خدا	نداشتن باور به یکتایی خدا	
		نداشتن شناخت صحیح از مفهوم امامت	

ایده‌آل‌گرایی اعتقادی			کاستی‌های دانش و مهارت خانواده
ضعف در انتقال مفاهیم دینی		ناآگاهی از آموزه‌های تربیت دینی	
توجه دیر هنگام به امر تربیت دینی			
مراجعه نکردن به متخصص تربیت دینی			
آموزش ندادن مهارت‌های بین فردی در کودکی		بی توجهی به مهارت‌آموزی کودکان	
تقویت نکردن هوش‌های چندگانه در کودکی			
نبود مهارت ارتباطی پدر با فرزند			
قطع صلۀ رحم			
نبود تفریح جمعی	نبود ترجمۀ درست نیازها بین والدین و فرزندان	ضعف در ارتباطات بین اعضای خانواده	
نداشتن توجه مناسب به فرزند			
نداشتن مهارت ارتباط با همسر			
نبود فضای امن حمایتی در خانه			
کنترل‌گری بالا			
نبود محدودیت در کودکی	نداشتن حد و مرز و محدودیت	سبک فرزندپروری نامتعادل	
سخت‌گیری و انعطاف‌پذیری کم			
نبود استقلال کافی در نوجوان			
تناقض رفتار و گفتار پدر		تناقض رفتار و گفتار در والدین	
تربیت ضمنی منفی فرزندان			
عدم پذیرش پدر توسط مادر		اقتدار نداشتن پدر	
محدوده آزادی‌ها	اختلافات در روش و محتوای تربیتی والدین	تضاد در دیدگاه‌های تربیتی والدین	
محدوده ارتباطات			

رفاه‌زدگی		
نوع نگاه مادی به مسائل پیرامون	هویت در نگاه اقتصادی	هویت اقتصادی مادی‌گرایانه
نداشتن قناعت		
فعالیت اقتصادی بیش از حد		
نبود راهبر یا مشاور دینی متخصص	نبود آموزش‌های دینی	
ضعف فعالیت نهادهای فرهنگی در ایجاد باورهای دینی در سطح جامعه		
ایجاد سردرگمی تربیتی در طیف وسیع درباره مفهوم دینداری		
هویت جنسی منفی در دختران	نگاه جنسیتی به تربیت	آسیب‌های مربوط به جامعه
نبود پارک و امکانات تفریحی ویژه دختران		
ممانعت از تحصیل دختران		
بی اخلاقی سیاستمداران	نبود الگوسازی مناسب	
نبود راهبر مناسب برای نوجوانان		
قوانین بیمه	ضعف قوانین حمایت از خانواده	
قوانین بهداشت خانواده		
قرارگیری اطلاعات متعارض با باورهای دینی در اختیار فرزندان	کمرنگ‌شدن باورهای دینی	
قرارگیری اطلاعات زیاد در اختیار کودک و نوجوان	تخریب جایگاه والدین	آسیب‌های فضای مجازی و رسانه‌ای
افزایش سطح اطلاعات فرزندان نسبت به والدین		
نبود محتواسازی مناسب مذهبی و ملی	ضعف محتوا	
پاسخ‌ندادن به سؤالات دینی	نپذیرفتن نقش مربی اسلامی از طرف مدرسه	آسیب‌های مربوط به مدرسه
ناهماهنگی اصول تربیت دینی بین خانه و مدرسه		
آموزش‌ندیدن والدین دانش‌آموزان به معنای واقعی		
اشتغال و اهمیت زیاد به درس	آموزش مقدم بر پرورش	

افزایش ژنتیکی و محیطی، ضریب هوشی فرزندان نسبت به والدین	باورپذیری کم نسبت به والدین	مسائل و مشکلات فردی خاص فرزندان
چالش‌های فیزیولوژیکی و رشدی	ضعف تصمیم‌گیری و بی‌ثباتی هویتی نوجوان	
واکنش‌های متفاوت شخصیت برون‌گرا یا درون‌گرای فرزند در تربیت	خلأهای عاطفی و بی‌توجهی به تیپ‌های شخصیتی متفاوت	
احساس کمبود محبت از طرف خانواده		

جدول ۶. دسته‌بندی مضامین فراگیر و مضامین سازمان‌دهنده و مضامین پایه

در بررسی داده‌ها، برای مشخص کردن عوامل زمینه‌ساز چالش‌های تربیت دینی در خانواده، نقش مادر بسیار پررنگ‌تر از نقش پدر مشخص شد. به گفته خیره<sup>۱</sup>: «اگر پدر همراه هم نباشد، به این معنی که نقشی ایفا نکند، خیلی مهم نیست. البته منظور این است که نقش تخریبی از نظر تربیتی هم نداشته باشد. در این صورت اگر مادر عاقل، آگاه و با معنویت بالا باشد، می‌تواند سهم تربیت دینی را در خانواده به‌طور کامل به عهده بگیرد.»

خیره<sup>۱۲</sup> نیز می‌گوید: «مادران تا ۱۵ سالگی در فرزندان دختر یا پسر می‌توانند عهده‌دار تربیت دینی باشند و از ۱۵ سالگی به بعد، در فرزند پسر نقش پدر مطرح می‌شود، تاجایی که اگر پدر تا ۱۵ سالگی نقشی هم در خانواده در آموزش‌های مستقیم دینی نداشته باشد، ولی مادر متدین باشد، می‌تواند فرزندان متدین تربیت کند؛ ولی برعکس آن امکان‌پذیر نیست.»

در جمع‌بندی اولیه در گفت‌وگو با خبرگان این نتیجه به دست آمد که نقش مادران به‌صورت مستقیم در تربیت دینی بسیار حائز اهمیت است. در ادامه به تبیین هر یک از عوامل اصلی زمینه‌ساز ایجادکننده چالش‌های تربیت دینی، با توجه به دیدگاه‌های مستقیم خبرگان در آن زمینه خواهیم پرداخت. گفتنی است که برای جلوگیری از گسستگی مفهوم، ذکر شماره و نام خبرگان را از متن نوشتار حذف کردیم و در فایل ضمیمه قرار دادیم.

## ۲.۱. ناآگاهی مادر

در اهمیت نقش مادر در تربیت دینی، این روایت وجود دارد که امام‌صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «اگر عاشق اهل‌بیت هستی، مدیون مادران هستی.» البته نقش مادر در سنین مختلف رشد، یکسان نیست. بسیاری از باورهای دینی از زمان جنینی توسط مادر به فرزند منتقل می‌شود. بیشترین ارتباط را فرزند، هم از جهت کمی و هم از جهت کیفی، با مادر دارد؛ از این‌رو مادر آگاه، بهترین تربیت دینی را می‌تواند داشته باشد. در این پژوهش، در بررسی عوامل ایجادکننده چالش‌های به‌وجودآمده در حین تربیت، از چند جهت با موضوع عامل زمینه‌ساز ناآگاهی مادر مواجه شدیم. در واقع مادرانی که آگاهی از افق عمیق دینی ندارند، خودشان بزرگ‌ترین چالش‌های تربیتی را ایجاد می‌کنند.

برای مشخص شدن منظور از ناآگاهی مادر در این پژوهش، در ادامه به عوامل زیرمجموعه این موضوع از نگاه خبرگان می‌پردازیم.

### ■ سواد پایین

سواد پایین مادران، یکی از علل زمینه‌ساز چالش‌های تربیتی طی سال‌های گذشته بوده است. سواد پایین در این عصر نه به‌معنای نداشتن سواد خواندن و نوشتن، بلکه بیشتر به معنی نداشتن سواد کامپیوتری و سواد رسانه است. طبق داده‌های گردآوری‌شده این سواد عبارت است از:



۱. سواد رسانه‌ای پایین؛

۲. مطالعه کم؛

۳. نداشتن تحصیلات دانشگاهی.

داشتند؛ از این رو انتظار داریم که منش و رفتار متناسب با سبک رفتاری زن مسلمان داشته باشند. بر این اساس، آنچه آموزه‌های دینی برای آرامش و سلامت روان و خودآگاهی و نبود ردایب اخلاقی از حسادت و کینه و... بیان کرده‌اند، باید در این مادران دیده شود. با توجه به توضیحاتی که داده شد، در بررسی علل زمینه‌ساز چالش‌های تربیتی مشخص شد در برخی موارد، آسیب این موضوعات در مادران، چالش‌های تربیت دینی را به همراه داشته است. این موضوعات عبارت است از:

۱. بی‌توجهی مادر به سلامت روان خود؛

۲. ضعف مادر در خودشناسی؛

۳. نداشتن مهارت‌های ارتباطی مادر با فرزند.

۱. مادر هم مثل هر انسان دیگری ممکن است در معرض آسیب‌های روانی قرار گرفته باشد؛ اضطراب‌های مزمن، افسردگی‌ها، طرح‌واره‌های ناسازگار، هر یک ممکن است در فرایند تعامل با کودک، آسیب‌های تربیتی خاص خود را به همراه داشته باشد. اکثر مادران امروز متولدین دهه ۶۰ هستند که با تربیت دینداری سنتی بزرگ شده‌اند و با آسیب‌های تربیتی دینداری‌های ظاهری جامعه بعد از انقلاب و جنگ همراه بوده‌اند. سلامت روان این مادران در مقایسه با نسل‌های دیگر مادران، آسیب‌های بیشتری دیده است.

۲. مادر هم نقش مربی و هم نقش الگویی برای فرزند دارد؛ از این رو باید از نقاط ضعف شخصیتی و رفتاری خودش آگاه باشد و درصدد اصلاح آن‌ها برآید. مادری که یاد نگرفته مدیریت افکار داشته باشد یا هیجاناتش را مهار کند، قطعاً در ارتباط با فرزندانش آسیب‌های تربیتی به آن‌ها وارد خواهد کرد. سواد عاطفی پایین در این راستا می‌تواند مشکلات زیادی برای مادران ایجاد کند. گاهی با افزایش میزان تحصیلات، در مادر نوعی اینرسی ایجاد می‌شود. منظورمان از این اینرسی، ایجاد فاصله ارتباطی است؛ به طوری که مادر خودش را مقابل فرزند می‌بیند و حتی آنچه را خودش هم در تربیت به آن نرسیده است، می‌خواهد در فرزندش پیاده کند. همراهی نکردن با فرزند و درک نکردن وی، مخصوصاً در دوران نوجوانی، ناشی از سواد عاطفی پایین مادر است. این مادران ارتباط مؤثر خوبی ندارند و نمی‌توانند در مواقع لازم، مربیان خوبی باشند.

این سه موضوع هر یک ممکن است مسبب یا مؤثر بر دیگری نیز باشد. نداشتن تحصیلات دانشگاهی بالا، نه به صورت عامل مستقیم، بلکه به صورت عامل ایجادکننده فضای فکری و فرهنگی پایین در مادر، مهم‌ترین عامل در میان سه عامل دیگر است. آنچه در جریان پژوهش مشخص شد، تحصیلات دانشگاهی مادر، نه صرف مدرک تحصیلی، بلکه به واسطه حضور در اجتماع و آشنایی بیشتر با فناوری‌های دیجیتال و استفاده و کاربرد آن‌ها می‌تواند در تربیت فرزند مؤثر باشد. ناآشنایی مادر با نرم‌افزارهای کامپیوتری و فضای رسانه، احتمال ایجاد اشتباهات رفتاری در استفاده از این ابزار را برای خود مادر و فرزندانش ایجاد خواهد کرد.

### ■ بی‌توجهی مادر به نقش مادری

در روزگار ما، متأسفانه نقش مادرانه کم‌رنگ شده و عنصر مادری به حاشیه رفته است. مادر ابتدا باید به خودش معنا دهد، بعد به دنیایی که در آن زندگی می‌کند و در نهایت به دنیایی که بعد از این خواهد رفت و تا زمانی که معنای واقعی مادری و ارزش والای جایگاه آن را درک نکرده باشد، نمی‌تواند ارزش تقویت این جایگاه و تلاش برای مادر بهتری بودن را درک کند یا حتی این باور را به فرزندانش منتقل کند. این عامل با این مضامین مشخص می‌شود:

۱. نپذیرفتن جایگاه مادر در عالم خلقت؛

۲. نپذیرفتن سهم مادر در تربیت؛

۳. درک نکردن مفهوم مادری.

بی‌توجهی مادران به این امر مهم ممکن است به دلیل آموزش ندیدن مادران باشد یا نتیجه تهاجم فرهنگی رسانه‌ها به جایگاه زن به عنوان مادر، طی سال‌های اخیر.

### ■ ضعف در منش دینی مادری

در جامعه هدف این پژوهش، مادران مسلمان و متدین قرار

دارد. مادر در کودکی فرزند، از حرف‌گوش‌کن نبودن او شکایت می‌کند. در سنین دبستان، از بی‌ادبی کودک شکایت می‌کند و در نوجوانی می‌گوید که حریفش نمی‌شوم و نماز نمی‌خواند. در واقع این نوعی پیوستار تربیتی است که وقتی مادر از کودکی فرزند، اقتدار خودش را از دست بدهد و از مبانی تربیتی ناآگاه باشد، تربیت دینی هم نخواهد داشت.

این ناآگاهی و اطلاعات کم از مبانی تربیتی نتیجه این عوامل است:

۱. آموزش ندیدن؛

۲. مطالعه کم؛

۳. مراجعه نکردن به متخصص.

مادران ما نمی‌دانند بسیاری از دستورهای دینی در عمل، نیازمند مهارتهایی در نوجوانان است که این مهارت‌ها را باید در سنین کودکی کسب کرده باشند. یکی از نکات بسیار مهم در این دسته از مبانی تربیتی، تمرین تاب‌آوری از سنین خردسالی برای کودکان است. بچه‌ها محصول علم یا نادانی والدین هستند؛ به همین دلیل ناآگاهی والدین از مبانی تربیتی، علت بسیاری از چالش‌های تربیتی سنین نوجوانی خواهد شد.

### ■ نشناختن ویژگی‌های رشدی نوجوان

نوجوانی به همراه خود دغدغه‌هایی را برای فرزندان خواهد آورد. می‌توان گفت نوجوانی خودش نوعی چالش است و علت اصلی آن هم دوران خاص رشدی فرزند است. این دغدغه‌ها گاهی برای مادران ناآشناست یا متأسفانه شناخت آن برای مادران در اولویت نیست. درک و شناخت دوره نوجوانی و نیازهای نوجوان برای مادران بسیار اهمیت دارد. نشناختن حساسیت‌های دوران نوجوانی باعث شتابزدگی در پاسخ رفتاری والدین می‌شود که خودش زمینه‌ساز ایجاد چالش‌های بعدی خواهد شد.

### ■ درماندگی تربیتی

نوعی حیرت و سرگردانی تربیتی در والدین دیده می‌شود. البته این حیرانی در سنین پایین‌تر فرزندان خوب است، چون مادر برای رفع این مشکل در جلسات آموزشی شرکت می‌کند و این شرکت کردن کارساز است؛ ولی در سنین بالاتر، مخصوصاً در مقطع متوسطه دوم، وقتی مادر می‌بیند نمی‌تواند کاری کند،

۲. نداشتن مهارت ارتباطی مادر با فرزند نیز در این رابطه مؤثر است. اگر والدین قبل از سنین نوجوانی پایه ارتباطی با فرزند را از جنس احترام و مقبولیت و محبوبیت ایجاد کرده باشند، می‌توانند در سنین بالاتر هم نقش اثرگذاری پیدا کنند. رفتار والدین با فرزند در سنین کودکی، قطعاً بستری خواهد شد برای احترام فرزند به والدین در سنین نوجوانی. از این رو داشتن مهارت‌های ارتباطی بسیار حائز اهمیت است. وقتی مادران نمی‌توانند گفت‌وگوی خودشان با فرزند را مدیریت کنند، فاصله‌ها و نقش تربیتی کم‌رنگ خواهد شد. به طور مثال، در تربیت دینی اصلی به نام اصل خیمه وجود دارد. در این اصل فرد در خیمه خود است و طرف مقابل هم در خیمه خودش. حال اگر بخواهند به هم نزدیک شوند، یک راه این است که یکی در خیمه خودش قرار بگیرد و به طرف مقابل اشاره کند که بیا. این اشتباه است. راه درست این است که به خیمه او برود، دست او را بگیرد، چند دقیقه در خیمه‌اش بشیند و با هم برگردند به خیمه خود. چنین رابطه‌ای اگر بین مادر و فرزند برقرار شد، این رابطه ماندگار و پایدار خواهد شد. این روابط بر پایه همدلی و ابراز محبت خواهد بود. کودک در چنین روابطی به سراغ رسانه نخواهد رفت و نوجوان روابط همراه با صداقت را با والدین تجربه خواهد کرد. مواردی را داریم که مثلاً فرزند نماز نمی‌خواند و مادر با بچه قهر می‌کند. در واقع، فرزند ارتباط با خدا ندارد، به جای اینکه مادر ارتباط قوی‌تری با او برقرار کند تا بتواند فرزند را متوجه کند که به ارتباط با خدا نیاز دارد، با نداشتن مهارت ارتباطی مناسب، ارتباط خودش با فرزند را هم از بین می‌برد و مسیر تربیت را قطع می‌کند.

### ■ ناآگاهی از مبانی تربیتی

پیش از اینکه مادران نقش مادری را بپذیرند، باید خصوصیات را در خودشان به وجود آورده باشند و از بعضی ویژگی‌های ضعیف در خود آگاهی داشته باشند. در موضوع تربیت، درهم‌تنیدگی‌هایی دیده می‌شود. به طور مثال، آزادی‌دادن غلط در فضای تربیتی به کودک، طبق روایتی که در بین مذہبی‌ها متداول شده، آثار تربیتی خوبی نگذاشته است. مادر از طرفی می‌خواهد فرزندش قاعده و نظم داشته باشد و از طرفی به روایت آزادی‌بی‌قید برای کودک پایبند است. باید گفت مادر نوعی بلاتکلیفی در امر تربیت

می‌رسد و کم‌کم با شبهات دست‌وپنجه نرم می‌کند، متأسفانه از عهدهٔ جواب بر نمی‌آیند.

ضعف دانش دینی مادر در زیرمجموعهٔ خود این مشکلات را نیز دارد:

۱. شناخت اشتباه از خداوند؛
۲. ضعف در باورهای عقلی از عدل خدا؛
۳. باورنداشتن به یکتایی خدا؛
۴. نشناختن صحیح مفهوم امامت.

عدم شناخت صحیح مادر از خداوند و درک جایگاه خداوند در زندگی، از یک طرف و ضعف در باورهای عقلی دربارهٔ عدل خدا، از طرف دیگر مسبب مشکلات خاص در باورهای مادر می‌شود. این مادر به دلیل تعامل نزدیکی که با فرزند دارد، همان باور را به او هم منتقل می‌کند. به‌طور مثال، مادر نسبت به خدا در ناخودآگاهش خشمگین است و از خدا می‌ترسد. حتی نماز می‌خواند ولی نمی‌داند این نماز را براساس کدام باور می‌خواند. این موارد تنها با کسب آگاهی دینی اصلاح می‌گردد. در مواردی علت این ناآگاهی، اشباع کاذبی است که در ارتباط با مفاهیم دینی در جامعهٔ مذهبی ما به وجود آمده است.

از موضوع ناآگاهی مادر به‌عنوان مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز در ایجاد چالش‌های تربیتی که بگذریم، به موضوع خانواده خواهیم رسید. خانواده به‌عنوان اولین بستر تربیتی کودک اهمیت و جایگاه خاص خود را دارد. کاستی‌ها و ضعف‌های موجود در خانواده، مانعی بر سر راه رسیدن به اهداف تربیتی است. از این رو به تبیین مهم‌ترین عواملی می‌پردازیم که در درون خانواده می‌تواند زمینه‌ساز چالش‌های تربیتی دینی باشد. این عوامل به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم تأثیر خود را بر کودک یا نوجوان می‌گذرانند.

## ۲.۲. کاستی‌های دانش و مهارت در خانواده

### ■ ناآگاهی از آموزه‌های تربیت دینی در خانواده

در جریان فکری و راهبری فکری خانواده‌های مذهبی، حرف روشنی در تربیت فرزند نداریم. در فرهنگ گذشته ما که فرهنگی

معمولاً خودش دچار تعارض می‌شود. در اینجا به متخصص مراجعه می‌کند، درحالی‌که با نوعی تعارض در اعتقادات خودش مواجه شده است. با اهداف کلی مخالفت می‌کند، حتی با احکام شرعی مخالفت می‌کند و می‌گوید: «این من قدیم بوده است.» درحالی‌که اصل مشکل اینجاست که خودش را در تربیت دینی ناتوان دیده است. مادران معمولاً به‌سبب درحاشیه‌بودن نقش پدر و حضور کمتر پدر در خانه، در موقعیتی قرار می‌گیرند که خودشان را تنها احساس می‌کنند. در این حالت، نوعی اضطراب در تربیت را احساس می‌کنند. اگر عوامل افزایش‌دهندهٔ اضطراب، مانند کرونا و رابطهٔ بد با همسر، در کنار این اضطراب تربیتی قرار گیرد، سطح اضطراب مادر را به‌شدت افزایش می‌دهد.

### ■ ضعف دانش دینی در مادر

در قضیهٔ دانش دینی، در جامعه یکدستگی وجود ندارد، بلکه چندگانگی دیده می‌شود. در این عصر، به دلیل تغییرات سریع اجتماعی، نگاه اصلی دین به تربیت دینی واضح نیست. بعضی‌ها می‌گویند سبک زندگی جدید هیچ مشکلی ندارد. بعضی‌ها می‌گویند ما از همین موضوع (دنیاگرایی) می‌ترسیم که بچه‌های ما را خراب کند یا آن‌گونه که می‌خواهیم متدین نشوند. حتی در این‌گونه موارد اختلاف در تفسیر هم هست. این در حالی است که مادران نسل جدید عمدتاً آموزش‌های دینی مشخص و واحدی ندیده‌اند یا نوعی دینداری سنتی را از خانواده‌های خود دریافت کرده‌اند و نمی‌توانند پاسخگوی سؤالات کودک و نوجوان خود باشند. این ضعف در دانش دینی دربارهٔ سؤالات خیلی سادهٔ نوجوانان هم دیده می‌شود؛ مثلاً این سؤال: چرا چادر سر کرده‌ای؟ و... به همین دلیل سؤال‌ها و دغدغه‌های این مادران از متخصصان هم عموماً در باورهای دینی ریشه ندارد و اغلب دربارهٔ سطح ظواهر دین است. مثلاً این سؤال: چه کنیم که فرزندمان نمازخوان شود؟ متأسفانه مباحثی مثل حیا و حرمت‌ها و احترام‌ها دغدغه‌شان نیست.

این درحالی است که تعداد درخور توجهی از مادران مذهبی فکر می‌کنند به مبانی صحیح دینی اشراف دارند و وقتی از آن‌ها می‌خواهیم راجع به مبانی توحیدی و امامت و امثال این پایه‌های اعتقادی گفت‌وگو کنند تا دانش‌افزایی داشته باشیم، اظهار بی‌نیازی می‌کنند. اما وقتی فرزندشان به سن سؤال کردن

۴. توجه دیر هنگام به تربیت؛

۵. بی‌توجهی به نقش تربیتی در زمان مناسب؛

۶. مراجعه نکردن به متخصص تربیتی.

### ■ بی‌توجهی به مهارت‌آموزی کودکان

یکی از مواردی که در خانواده‌های مذهبی، به دلیل ضعف دانش شاهد هستیم، بی‌توجهی به مهارت‌آموزی در کودکان است. تقویت هوش‌های چندگانه و مهارت‌های حرکتی و روانی باید جزو موارد زیربنایی تربیت اسلامی قرار گیرد که متأسفانه به آن‌ها توجه نمی‌شود. خانواده مذهبی ما نمی‌داند کودک مسلمان باید بتواند مهارت‌های حرکتی و فکری خوبی برای خوب ماندن داشته باشد.

### ■ عدم آموزش مهارت‌های بین فردی در کودکی

همه خبرگان معتقد بودند مهارت‌های ارتباطی در خانواده، مقدمه و لازمه تربیت دینی است. در واقع ستون اصلی‌ای است که تربیت روی آن سوار می‌شود و اگر مشکلی در ارتباطات بین اعضای خانواده ایجاد شود، تربیت دینی متزلزل می‌شود. در راستای مهارت ارتباطی بین اعضای خانواده، صمیمیت در روابط ایجاد و احترام و مقبولیت نهادینه می‌شود. در این عصر، تربیت با زیرمجموعه اخلاق و با زیرمجموعه EQ و هوش هیجانی، احساسی، عاطفی یا همان هوش اجتماعی و روزمرگی‌هایی که انسان در اجتماع نیاز دارد، از اولین و مهم‌ترین آموزه‌هایی است که باید صورت بگیرد. ضعف در ارتباطات بین فردی به دلیل دانش یا مهارت کم درباره این موضوع باعث شده است که شاهد ضعف در ارتباطات خانوادگی و حتی قطع صلۀ رحم بین فامیل باشیم. در این راستا نداشتن مهارت‌های ارتباطی بین پدر و فرزند، به دلیل مشغله زیاد پدران در اثر مسائل اقتصادی، ضعف در ارتباطات بین همسران و ضعف در روابط بین مادر و فرزند هر یک به تنهایی می‌تواند عامل زمینه‌ساز ایجاد چالش‌های تربیتی گردد. قراردادن وقت مشترک خانوادگی برای تفریح جمعی و توجه مناسب به فرزند، با روابط توأم با احترام و ادب، در فرزندان ارزش و خودباوری مناسبی ایجاد می‌کند. در سایه روابط خوب است که محبت واقعی با ابراز علاقه خانواده به فرزند، که سهم بالایی در تربیت دینی دارد، معنا پیدا می‌کند.

بسته و همگرا بوده است، محیط اجتماعی و خانواده همسو بوده‌اند. رسانه هم به این معنا وجود نداشت، ما هم مشکلی نداشتیم. نه اینکه آگاهی گذشتگان زیاد بوده باشد؛ اما بین عناصر اثربخش، همگرایی و همسویی وجود داشت؛ یعنی محیط خانه و فقدان رسانه و فرهنگ عمومی پدر و مادر با فامیل و جامعه هم‌افزا و همگرا بودند. در عصر حاضر، خانواده‌های مذهبی با مشکل واگرایی و تعارض محیط‌های اثرگذار، مثل فامیل یا حتی محیط‌های آموزشی، مواجه‌اند. از آنجاکه با سؤالات زیاد و گزینه‌های متعددی مواجه‌اند، نمی‌دانند چه باید بکنند. ما امروزه برای زندگی مدرن به آگاهی نیاز داریم تا بتوانیم براساس آگاهی، درست انتخاب کنیم و به تربیت فرزندان جهت بدهیم. چون سطح آگاهی پدرها و مادرها در حوزه تربیت و دین بالا نیست، نتیجه این می‌شود که با نوعی گیجی و ندانم‌کاری و از آن بدتر با خام‌خواری حرف‌های بی‌پشتوانه‌ای از رسانه، از دخترخاله، از فامیل، از دوست و در فضاهای مجازی، ملغمه‌ای تربیتی ایجاد می‌کنند. این‌ها در نهایت بدون اینکه بدانند چه کاری انجام می‌دهند، تربیت می‌کنند. از طرف دیگر باتوجه به ناآگاهی از راهکارهای تربیتی و معنا و مقصود تربیت اسلامی، والدین با نوعی کمال‌گرایی منفی در رسیدن به ایده‌آل‌های اعتقادی در فرزندان مواجه می‌شوند. این در حالی است که این ناآگاهی مخصوصاً در اهداف تربیت فرزند، آن‌ها را دچار ضعف عملکردی یا اضطراب‌های رفتاری می‌کند که خود زمینه‌ساز چالش‌های تربیتی خواهد شد.

در این راستا خبره ۱ اشاره کردند: «والدین نمی‌دانند! بنده در خانواده‌های مذهبی، خیلی دیدم که خانواده‌ها می‌گویند ما دوست داریم که فرزندمان سرباز امام‌زمان (عج) شود و این به‌عنوان یک آرمان و آرزو برای پدران و مادران مطرح می‌شود و خیلی تمایل دارند از این باب کاری بکنند؛ اما برایشان تقریباً هیچ مفهوم عملیاتی‌ای وجود ندارد. آن‌ها این مطلب را خیلی دوست دارند و اگر این‌ها بتواند به مفهوم عملیاتی تبدیل شود و راهکارهای اجرایی و راهبردی به این‌ها داده شود، می‌تواند مؤثر باشد.»

در زیرمجموعه ناآگاهی از مبانی تربیتی این معضلات دیده می‌شود:

۱. ایده‌آل‌گرایی اعتقادی؛

۲. ضعف در انتقال مفاهیم دینی؛

۳. آموزش بدون خلاقیت و اندر زگونه به کودک و نوجوان؛

در چنین خانه‌ای، امنیت روحی برقرار می‌شود و آنچه مسلم است در خانه امن، چالش‌های تربیتی دیده نمی‌شود. در خانه امن، عزت نفس فرزندان تخریب نمی‌شود و کودک یا نوجوان احساس تحقیرشدن را نخواهند کرد. اگر فرزندان ما خانه را دوست داشته باشند، آن خانه، خانه امن است.

### ■ سبک فرزندپروری نامتعادل

سبک فرزندپروری، مجموعه عملکردها و رفتاری است که والدین در طول رشد کودک در خانواده خواهند داشت. یکی از عوامل زمینه‌ساز چالش‌های تربیتی، سبک فرزندپروری نامتعادل است. این سبک موضوعات خاصی را از زوایای مختلف مطرح می‌کند؛ ولی آنچه در این پژوهش مشخص شد این بود که مخرب‌ترین شیوه فرزندپروری در خانواده‌های مذهبی، سبک متزلزل یا نامتعادل است. البته عوامل دیگری نیز در سبک فرزندپروری‌ای که چالش تربیتی ایجاد می‌کند مؤثر است که عبارت‌اند از:

۱. کنترل‌گری بالا؛

۲. ایجاد نکردن حدود مرز محدودیت در کودکی؛

۳. سخت‌گیری و انعطاف‌پذیری کم؛

۴. نبود استقلال کافی.

مشخص نکردن حدود مرز و محدودیت در سنین کودکی، عامل زمینه‌ساز چالش‌ها در دوران نوجوانی خواهد شد. کودکان از کودکی باید تاب‌آوری و تحمل برای دریافت لذت‌ها و خوشی‌ها را درک کنند و یاد بگیرند که محدودیت‌ها چه به‌صورت قانون‌های طبیعی و چه به‌صورت قانون‌های خانوادگی وجود دارد. تنها در این صورت است که قانون‌های الهی را هم در سنین بالاتر درک خواهند کرد. در این راستا، نباید سخت‌گیری و انعطاف‌پذیری کم در روابط چنان باشد که فرزند به پنهان‌کاری و دروغ سوق داده شود. در سنین نوجوانی که نیاز فرزند به استقلال بسیار زیاد می‌شود، استقلال‌ندادن در کارها برای نوجوان، زمینه‌ساز چالش‌های شدیدی می‌شود.

### ■ تناقض رفتار و گفتار در والدین

کودک تا وقتی کودک است، نمی‌داند دروغ بد است، بزرگ‌تر

که می‌شود، اگر ببیند پدرش دروغ می‌گوید، مادرش دروغ می‌گوید و به‌راحتی رذایل اخلاقی را بدون هیچ ترسی مطرح می‌کند و انجام می‌دهد، کم‌کم حتی اگر در سنین کودکی باورهای مذهبی را گرفته باشد، بی‌صدافتی والدین، آن باورهای مذهبی را در سنین بزرگسالی مخدوش خواهد کرد.

تناقض رفتار و گفتار در والدین به‌طور کلی زمینه‌ساز چالش تأثیرپذیری‌های منفی در فرزندان است؛ ولی تناقض در رفتار و گفتار پدر، در ایجاد چالش تغییرات ناگهانی نوجوان سهم بسیار بیشتری دارد. اگر پدر در ظاهر، مقبول و مذهبی باشد، ولی در رفتار و عملش، تعارض با گفته‌ها و باورهای مذهبی متظاهر به آن‌ها دیده شود، باتوجه‌به اینکه این تعارض در ارتباط با مادر و ایجاد چالش‌های ارتباطی در خانواده با وضوح بیشتری دیده می‌شود، ساختارهای تربیتی را در خانواده متزلزل می‌کند. در این میان، دختران که ارزش‌های مرتبط با حجاب و پوشش را در سنین نوجوانی از رفتار اجتماعی پدر، به‌عنوان جنس مخالف درونی می‌کنند، آسیب بیشتری خواهند دید. در این راستا خبره ۱ اشاره کرد: «در تناقض پدر، خیلی داشتیم که دختر دچار تناقض شده است، چون یک پدر مقبول و مذهبی در جامعه، در خلوت خود به اعتقاداتش پایبند نیست. امروزه دیدن تناقض در رفتار والدین مذهبی به اصول و مبانی‌ای که به آن پایبند هستند و رفتار و عملشان، یعنی در واقع، صداقت در رفتار و باور که دارند، اگر نشان ندهند، تعارض ایجاد می‌کند یا اگر خلاف آن را بچه‌ها متوجه شوند، دچار مشکل می‌شوند.»

### ■ تربیت ضمنی منفی فرزندان

در برخی مواقع تصور والدین این است که تربیت در گفتار است؛ مثلاً می‌گویند من گفته‌ام که حجاب داشته باشد. این در حالی است که تربیت ضمنی یا پنهان، در حین زندگی فرزند با والدینش ایجاد می‌شود. برخی چالش‌های تربیتی از جایی شروع می‌شود که والدین فراموش می‌کنند که در تمام لحظات زندگی در حال تربیت هستند. مثلاً مادری که به فرزندش می‌گوید حجاب داشته باش، ولی خودش در رفتار با مغازه‌دار می‌خندد و چانه می‌زند و صحبت می‌کند، این رفتار را فرزندش ضبط می‌کند و فرامی‌گیرد و زیربنای حجاب که حیاست، از بین می‌رود. نهادینه‌کردن برخی اصول تربیت دینی هم به

باید در برابر یکدیگر خضوع توأم با ادب در شیوه‌های تربیت فرزند را نشان دهند. تنها در این صورت است که فرزند می‌بیند آنچه دارد می‌آموزد، ارزش آموختن دارد.

## ۲.۴. هویت اقتصادی مادی‌گرایانه

عامل اقتصادی در سطح برطرف کردن نیازهای اولیه، در خانواده ضروری است؛ ولی به گفته خبرگان، جزو مواردی نیست که حائز اهمیت زیاد باشد. به عبارتی نمی‌توان گفت که عامل اقتصاد در سطح بالاتر، تربیت را بهتر یا بدتر خواهد کرد. در واقع، وزن تأثیر آن صفر نیست؛ ولی آن قدر که بقیه عوامل در این زمینه مهم هستند، مهم نیست. آنچه در این موضوع اهمیت دارد، نوع نگاه خانواده به مسائل اقتصادی است، نه سطح اقتصادی خانواده. مناعت طبع و قناعت در نگاه به مسائل مادی در خانواده، می‌تواند جلوی فعالیت بیش از حد اقتصادی پدر یا حتی مادر را بگیرد و باعث شود والدین بیشتر با فرزند خود باشند. این موارد در حالت کلی، هویت اقتصادی خانواده را شکل می‌دهد. در خانواده‌ای که رفاه‌زدگی صورت گرفته و همه چیز در دسترس فرزندان بوده است، اساساً بی‌تحملی در فرزندان مشاهده می‌شود. عدم تاب‌آوری یا بی‌تحملی یکی از عوامل زمینه‌ساز چالش‌های تربیت دینی خواهد بود.

### ■ آسیب‌های مربوط به جامعه

باتوجه به اینکه در جامعه‌ای مسلمان زندگی می‌کنیم، در بین مردم، انتظاراتی از جامعه وجود دارد. اینکه این جامعه مسلمان تا چه حد با ارزش‌ها و اصول واقعی دین اسلام مطابقت دارد، مهم نیست، بلکه مهم، نگاه و انتظاراتی است که از این جامعه به‌عنوان جامعه اسلامی وجود دارد. در اینجا به آسیب‌هایی اشاره خواهیم کرد که از طرف جامعه، به ایجاد چالش‌های تربیت دینی در خانواده‌ها منجر می‌شود.

### ■ نبود آموزش‌های دینی و آگاهی‌سازی ضعیف در جامعه درباره تربیت

وقتی حکومتی عنوان اسلامی را به خود می‌گیرد، بخشی از وظایف خانواده در امر تربیت، به جامعه بزرگ‌تر از خانواده

همین شکل است. مهربانی خداوند را بچه باید در مهربانی پدر و مادر و از سنین کودکی درک کند. وعده صدق خداوند را در قول دادن و عمل کردن والدین باید درک کند. می‌توان گفت تربیت فرزند در امتداد رفتار خانواده است و چون مادر نماد یا نمود دینی بیشتری دارد، در رفتار، تأثیر بیشتری بر فرزند می‌گذارد.

### ■ نبود اقتدار پدر

ضعف در نقش‌پذیری پدر به‌عنوان ستون اصلی خانواده، مسبب برخی چالش‌های تربیتی است. این ضعف از طرفی به پررنگ‌شدن موضوع اقتصادی در خانواده و حضورنداشتن فیزیکی پدر پیش فرزندان برمی‌گردد؛ ولی از آن مهم‌تر و آسیب‌زاتر، به تضعیف این نقش از طرف مادر مربوط می‌شود. اگر رابطه پدر و مادر در این زمینه بازسازی نشود، آنچه بین این دو آسیب خواهد دید، تربیت دینی فرزندان است.

### ■ تضاد در دیدگاه‌های تربیتی والدین

#### اختلافات در روش و محتوای تربیتی در والدین

در زندگی خانوادگی، وجود اختلافات سلیقه‌ای ممکن است براساس سلیقه متفاوت پدر و مادر اتفاق بیفتد. ولی وقتی والدین در امر تربیت دینی، در روش و محتوای تربیتی، تضاد داشته باشند، در کودک بدترین اتفاق تربیتی یعنی «دوگانگی تربیتی» را رقم خواهند زد. در چنین زمانی، فرزند به والد آسان‌گیر نزدیک خواهد شد و طبیعی است که تزلزل دیگر والد در اصول تربیتی رخ خواهد داد. این وفاق در امر تربیت زمانی صورت خواهد گرفت که والدین از ظواهر مذهبی عبور کنند و به لایه‌های عمیق تربیتی وارد شوند. همچنین سعی کنند تعارضات را خودشان یا با مراجعه به متخصص حل کنند. این تعارضات به حد و حدود آزادی‌دادن در رفت‌وآمدها یا نحوه و چگونگی ارتباطات نوجوان مربوط می‌شود.

## ۲.۳. عدم حمایت تربیتی از یکدیگر

عدم حمایت تربیتی والدین از یکدیگر از عوامل زمینه‌ساز و از عوامل تداوم‌بخش چالش‌های تربیت دینی است. پدر و مادر

خود زمینه‌ساز چالش‌های تربیتی در خانواده‌ها خواهد شد.

### بی‌اخلاقی سیاستمداران

اخلاق اجتماعی نامناسب، مانند تناقضات گفتار و رفتار در مسئولان، به‌واسطه انتصاب به حکومت دینی، از آن جهت که بی‌اعتمادی مردم به مسئولان را تشدید می‌کند، موجب بی‌اعتمادی نوجوانان به دین و دینداری می‌شود. به‌عبارتی، مقیاس سنجش دین، دینداری بی‌دینان می‌گردد و بدیهی است این امر زمینه‌ساز ایجاد باورهای غلط درباره دین خواهد شد.

### ضعف قوانین حمایتی از خانواده

جامعه با قوانین حمایتی خود در بخش‌ها و سازمان‌های مختلف می‌تواند از ایجاد برخی چالش‌های تربیتی در خانواده‌ها جلوگیری کند. به‌طور مثال، بیمه‌ها و وزارت بهداشت اگر به سلامت روان و ارتباطات درون خانواده، از ازدواج تا بارداری و حتی بعد از تولد نوزاد و به حمایت از مادران شیرده توجه بیشتری بکنند، بسیاری از مشکلات روحی و جسمی برای مادران ایجاد نخواهد شد. برخی از مشکلات در نبود مهارت‌های ارتباطی مناسب بین همسران یا حتی مادران، بعد از تولد فرزند دیده می‌شود که بعضاً به ضعف در این قوانین حمایتی در زمان‌های حساس خانواده مربوط می‌گردد.

## ۲.۵. آسیب‌های فضای مجازی

### و رسانه‌ای

رسانه، فضایی باز است. نمی‌توانیم بگوییم فقط رسانه چالش تربیتی ایجاد می‌کند. درواقع، رسانه این قدرت را ندارد که چنین کاری کند. رسانه فقط یک فضای شلوغ و باز است که همه‌چیز در آن وجود دارد. والدین در مقابل رسانه‌ها، در مقام انتخاب مشکل دارند. خانواده‌ها عملاً نمی‌دانند در مواجهه با رسانه‌ها چه باید بکنند. قرارگیری اطلاعات متعارض با باورهای دینی، در نبود راهبر مناسب دینی، فرزندان و خانواده‌هایشان را دچار شبهات و سردرگمی‌های اعتقادی خواهد کرد. می‌بینیم که رسانه‌ها دارند جای هنجار و ناهنجار، ارزش و ضد ارزش را عوض می‌کنند و به‌عبارتی در حال تغییر سبک زندگی هستند. آسیب‌های فضای مجازی به‌صورت مشخص در این زمینه‌هاست:

یا همان حکومت منتقل می‌شود. در جامعه، دو نهاد متولی مفاهیم دینی، یعنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و حوزه‌های علمیه، امر آموزش را برعهده دارند. آنچه به‌طور مسلم دیده می‌شود، ضعف در ندادن آگاهی به مردم از طرف این دو نهاد است. والدین به‌دنبال یادگرفتن مفاهیم دینی هستند؛ ولی آموزش‌های مناسبی در سطح وسیع و در دسترس در جامعه دیده نمی‌شود. این ضعف را به‌وضوح می‌توان در این زمینه‌ها دید: ۱. نبود راهبر یا مشاور دینی متخصص؛ ۲. کم‌کاری نهادهای فرهنگی در ایجاد باورهای دینی در سطح جامعه؛ ۳. ایجاد سردرگمی در طیف وسیع مفهوم دینداری در جامعه.

### ■ نگاه جنسیتی به تربیت

تبعیض جنسیتی در امر تربیت، زمینه‌ساز بعضی چالش‌های تربیتی است. متأسفانه در جامعه ما نگاه جنسیتی زیاد دیده می‌شود. تبعیض جنسیتی می‌تواند بر هویت جنسیتی فرزندان اثر بگذارد. در این رابطه از آسیب‌های وارد شده به هویت جنسی دختران، نارضایتی از جنسیت را می‌توان ذکر کرد. در خانواده‌های مذهبی، فرزندان دختر محدودیت‌های بیشتری در رفت‌وآمدها دارند. این در حالی است که پسران به‌واسطه تأثیر فرهنگ جامعه، آزادی بیشتری از این لحاظ تجربه می‌کنند. یا در امر تحصیل، هنوز هم نگاه بعضی از خانواده‌های مذهبی به ادامه تحصیلات دخترشان مثبت نیست. این نگاه جنسیتی در جامعه هم دیده می‌شود. به‌رغم زندگی در جامعه اسلامی، پارک بازی برای دختران وجود ندارد و همین باعث رشدنیافتن مناسب مهارت‌های حرکتی فرزندان دختر می‌شود.

### ■ نبود الگوسازی مناسب در جامعه

متولیان فرهنگ و تربیت در جامعه باید توجه مناسبی به الگوهای کودک و نوجوان در جامعه داشته باشند. کودک و نوجوان در بستر جامعه به الگو نیاز خواهند داشت و این الگوسازی به‌صورت اجتناب‌ناپذیری، با کارتن‌ها، فیلم‌ها، کتاب‌ها یا موسیقی در جامعه صورت خواهد گرفت. نبود طرح و برنامه در الگوسازی برای نوجوان از یک طرف و بی‌اخلاقی سیاستمداران در نبود راهبر مناسب برای نسل نوجوان، از طرف دیگر، الگوسازی نامناسب در جامعه را رواج خواهد داد و این

۱. ضعف در محتواسازی مناسب در رسانه‌ها؛

۲. تخریب جایگاه والدین از طریق ایجاد فاصله بین آنچه والدین می‌دانند و آنچه فرزندان می‌دانند؛

۳. کم‌رنگ‌شدن باورهای دینی در فرزندان با توجه به محتوای همراه‌کننده.

جواب شما را می‌دهد.»

درباره اینکه آیا مدارس اسلامی می‌توانند این آسیب را کاهش دهند، نظر خبرگان متفاوت بود:

۱. در نظر اول، ایجاد محیطی هم‌شکل از نظر اعتقادی، می‌تواند آسیب‌های مربوط به دوستان و تعارض‌های اعتقادی را کاهش دهد.

۲. در نظر دوم، مدارس اسلامی به دلیل ایجاد محیط هم‌شکل، پاسخگوی تردیدهای درونی کودک یا نوجوان نخواهند بود. نوجوان بعد از گذراندن دوران مدرسه، یا با همان چالش‌ها در دوران بعد از مدرسه مواجه خواهد شد، با این تفاوت که دیگر از فرصت‌های تربیتی هم فاصله زیادی گرفته است یا با هویت‌یابی ناموفق با آسیب‌های بعدی در اجتماع مواجه می‌شود.

## ۲.۶. آسیب‌های مربوط به مدارس

یکی از فضاهایی که همیشه نگرانی والدین را در تربیت دینی به دنبال داشته، محیط مدرسه بوده است. فرزندان وقت زیادی را در این محیط سپری می‌کنند. در واقع، والد غیرخانواده، مدرسه است. از این رو مدرسه به عنوان سازمان‌دهنده و هدایت‌کننده چگونگی و چرایی و نحوه آموزش در فرزندان نقش بسزایی دارد. یکی از آسیب‌های بسیار مهم مدارس، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های زیاد آموزشی است که در کنار وقت کم معلم یا مربی و به جای تمرکز بر روی محتوا، همه انرژی نظام آموزشی را برای تکمیل فرم‌های بخشنامه‌ای یا اتمام کتاب‌های درسی هدر می‌دهد. معلم خلاق هم نمی‌تواند در این زمینه نقشی ایفا کند و در این راستا، آنچه مغفول می‌ماند پرورش کودکان و نوجوانان است. «درس‌محوری» یا بهتر بگوییم «کنکورمحوری» سبب تغییر اولویت‌ها در نگاه خانواده و به تبع آن در نظام آموزشی شده است، به طوری که به جای توجه به مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های اجتماعی همه توجه به سمت فنون تست‌زنی و رتبه‌آوری است. این فضای نگران‌کننده از طرفی و عدم پذیرش نقش مربی اسلامی در مدارس، از طرف دیگر، باعث شده است مدارس خود را متولیان آموزش دینی ندانند. از این رو ناهماهنگی بین اصول تربیت دینی در خانه و مدرسه و پاسخ‌دادن به سؤالات و شبهات دینی را در مدرسه، به عنوان اصل و محور آموزش، شاهدیم.

گاهی کودکان و نوجوانان برای یافتن پاسخ سؤالات مذهبی، بین دوستان و فضای مجازی سر در گم می‌شوند. اینکه فرزندان کمک‌کننده‌ای نداشته باشند که جواب‌های درست را پیدا کنند، بسیار نگران‌کننده است. متأسفانه برنامه‌ریزی خاصی نشده است که بگوییم: «الآن شما این سؤال را دارید، این مرجع

## ۲.۷. مسائل و مشکلات فردی خاص

### فرزندان

#### ■ باورپذیری کم نسبت به والدین

طی سال‌های اخیر، باورپذیری فرزندان نسبت به والدین کمتر شده است. یکی از علت‌های این عدم یا کاهش باورپذیری را می‌توان افزایش ضریب هوشی فرزندان، به دلیل عوامل ژنتیکی یا محیطی دانست. وقتی فرزندان احساس می‌کنند بیشتر از والدینشان می‌فهمند، اطاعت‌پذیری و تأثیرپذیری کمتری پیدا خواهند کرد و این خود، آغازگر بسیاری از چالش‌های تربیتی خواهد بود که در اولین اصل آن‌ها، تبعیت از والدین مطرح می‌شود. تنها راه عبور از چنین چالشی، آگاه‌سازی والدین از طریق آموزش‌های موضوعی متنوع و زودتر از فرزندان است.

#### ■ ضعف در قدرت تصمیم‌گیری و بی‌ثباتی هویتی

دوران نوجوانی، چالش‌های رشدی و فیزیولوژیکی ناخواسته‌ای به همراه دارد. در این چالش‌ها، معمولاً نوجوان دچار ضعف در قدرت تصمیم‌گیری و بی‌ثباتی هویتی خواهد شد. نوجوانان زیاد سؤال می‌پرسند و در مباحث مطرح دینی هم زیاد چون و چرا می‌کنند. در صورتی که به این مسائل توجه لازم نشود، چالش‌های تربیتی را در روابط بین اعضای خانواده شاهد خواهیم بود.



## ■ خلأهای عاطفی و تفاوت‌های شخصیتی

تفاوت بین ویژگی‌های شخصیتی فرزندان و حتی تفاوت بین ویژگی‌های شخصیتی فرزندان و والدین می‌تواند آغازگر چالش تربیتی باشد که معمولاً، خانواده‌ها به آن بی‌توجه هستند. فرزند درون‌گرا و برون‌گرا را نمی‌توانیم با الگوی مشابه تربیت کنیم. تفاوت در شخصیت‌ها، تربیت متفاوت می‌طلبد. فرزند برون‌گرا نیازهای اجتماعی متفاوتی دارد که در صورت نبود آگاهی یا شناخت والدین از این موضوع، مخصوصاً در صورت درون‌گرابودن والدین، ارضانشدن این نیازها ممکن است مسبب ایجاد چالش‌های تربیتی شود.

اعتماد به نفس پایین، تأییدطلبی افراطی، مخصوصاً در دختران و احساس کمبود محبت در صورت ابرازنکردن محبت در خانواده، ممکن است زمینه‌ساز ورود افرادی به زندگی فرزندان ما شود که از نظر تربیتی مسیر تربیت دینی را منحرف کنند. اگر فرزند ما ۷ سال در خانواده با اعتماد به نفس بزرگ شود، فردا که وارد جامعه می‌شود، منتظر تأیید دیگران نخواهد بود و به دنبال خواننده و بازیگر و... نمی‌افتد، چون خودش اعتماد به نفس دارد و خودش را بزرگ‌ترین هنرپیشهٔ عالم می‌بیند. او خودش را نقش اول زندگی خود می‌داند. آن‌قدر به این آدم اعتماد به نفس داده شده است که نیازی به تأیید مداوم دیگران نخواهد داشت. این فرد نیازی ندارد که اعتقاداتش را کتمان کند و متزلزل نمی‌شود. آنچه مسلم است عزت نفس و اعتماد به نفسی که از بچگی در فرزند ایجاد می‌شود، بسیاری از چالش‌های تربیتی را در دوران نوجوانی کاهش خواهد داد.

## ۲.۸. جمع‌بندی عوامل زمینه‌ساز چالش‌های مادران در تربیت دینی

### ۲.۸.۱. عوامل اصلی تأثیرگذار بر ایجاد چالش‌های تربیت دینی

در بررسی‌ها مشخص شد که دو عامل در تربیت بیشترین تأثیرگذاری را در ایجاد چالش‌های تربیتی در خانواده داشته‌اند که به ترتیب از این قرارند:

### ۲.۸.۱.۱. خودآگاهی پایین مادر و ناآگاهی از

#### آموزه‌های دینی

براساس داده‌ها، خودآگاهی پایین مادر و ناآگاهی از آموزه‌های دینی، از عوامل بسیار مهم ایجاد چالش تربیت دینی در نوجوانان است. البته که این ضعف به‌طور غیرمستقیم، به ضعف در آموزه‌های دینی خانواده و مدرسه و جامعه برمی‌گردد. اغلب خبرگان، فقدان آگاهی و شناخت درست از دین و سطحی‌نگری در آموزه‌های دینی را زمینه‌ساز درماندگی تربیتی دانسته‌اند. عاملی مانند سطحی‌نگری در دین ممکن است به تناقض در گفتار و رفتار والدین منجر شود. کودک با مشاهدهٔ عمل والدین تربیت می‌شود و نوجوان در جست‌وجوی صداقت است و تفاوت در حرف و عمل را خوب تشخیص می‌دهد. بدین ترتیب وقتی فرزندان نوجوان برای پاسخ‌های معرفتی و شناختی خود، به‌عنوان اولین گزینه‌های در دسترس، به خانواده مراجعه می‌کنند، به‌دلایلی که ذکر شد پاسخ قانع‌کننده‌ای نمی‌یابند و به‌ناچار به‌سراغ گزینه‌های دیگری خواهند رفت که در صورت صلاحیت‌نداشتن این افراد، انحراف از دین را در نوجوانان شاهد خواهیم شد.

### ۲.۸.۱.۲. کاستی‌ها و ضعف مهارت‌ها در خانواده

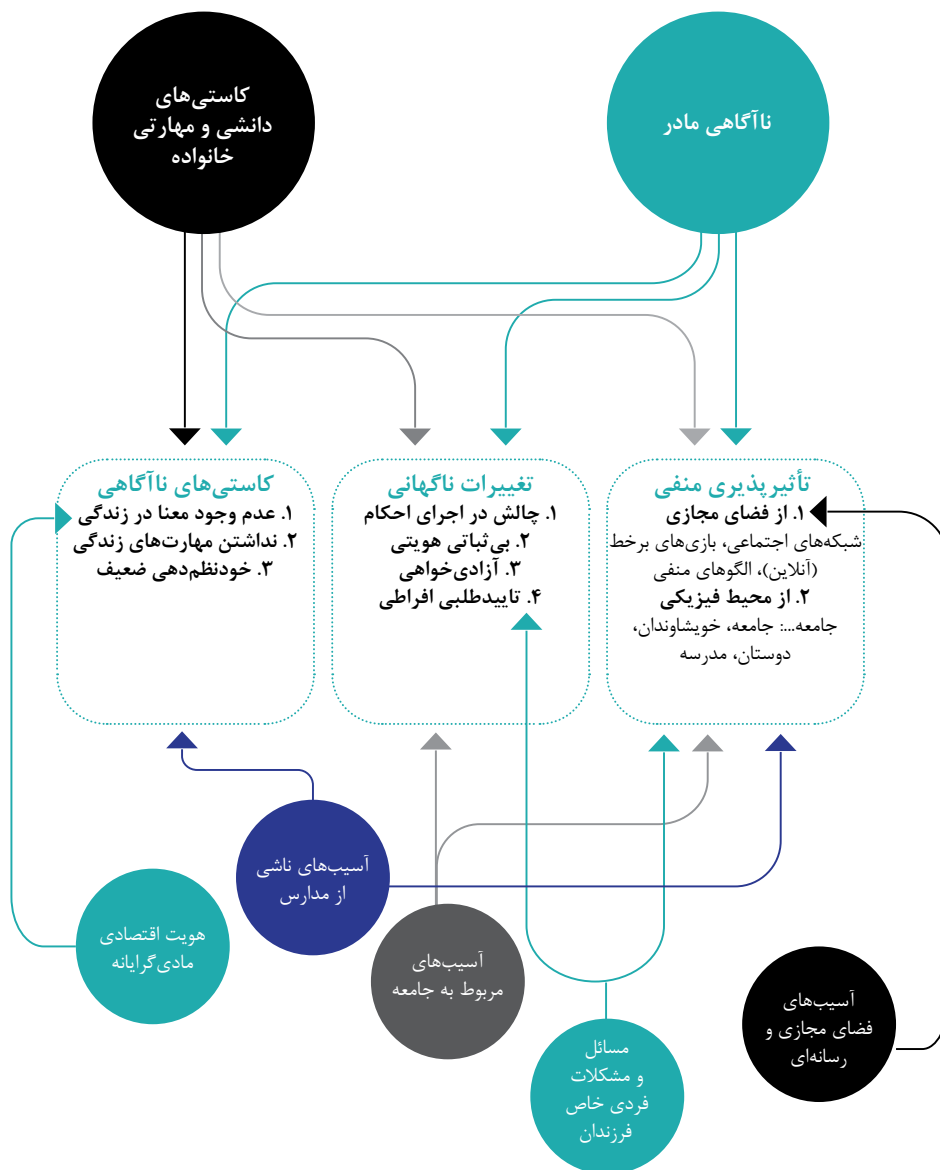
عامل مهم دیگر، کاستی‌های مهارتی موجود در خانواده است. از این میان، مهم‌ترین عامل، مهارت‌های ارتباطی بین اعضای خانواده است. بی‌توجهی به فرزندان، ترجمهٔ غلط نیازها در خانواده و فراهم‌نبودن فضای گفت‌وگوی صمیمانه بین اعضای خانواده و فقدان احترام متقابل بین اعضای خانواده از عواملی است که زمینه‌ساز ناسازگاری‌ها خواهد شد. به گفتهٔ همه خبرگان، عوامل دیگر زمینه‌ساز در چالش‌های تربیتی، مانند مدرسه و جامعه و رسانه‌ها، همه در فقدان مهارت‌های ارتباطی در خانواده می‌توانند نقش مخرب خود را ایفا کنند. در واقع، تا زمانی که خانهٔ امن و خانوادهٔ صمیمی وجود داشته باشد، تفریح‌های دسته‌جمعی و توجه به نیازهای فرزندان صورت بگیرد و فرزندان خود را تحت حمایت خانواده ببینند، خلأهای عاطفی و شخصیتی و حتی هجمهٔ منفی رسانه‌ها نمی‌توانند چالش‌های تربیت دینی را ماندگار کنند و خانواده با عبور از

بحران‌های سنی نوجوانی مانند دین‌ستیزی و بی‌ثباتی هویتی، به آرامش تربیت دینی باز خواهد گشت. در غیر این صورت چالش‌های تربیت دینی ماندگار خواهند شد و تربیت دینی عملاً محقق نخواهد شد.

### ۲.۸.۲.۲. ارتباط بین علل زمینه‌ساز و چالش‌های تربیت دینی

همان‌طور که در جدول ۷ ارتباط بین عوامل زمینه‌ساز و چالش‌ها مشاهده می‌شود، ناآگاهی مادر و کاستی‌های دانش و مهارت‌های خانواده، مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز هر سه نوع چالش تربیتی در خانواده خواهد شد.

نمودار ۷. بررسی رابطه بین علل زمینه‌ساز و چالش‌های تربیت دینی



■ هویت اقتصادی مادی‌گرایانه به‌طور مستقیم بر ایجاد چالش تربیتی نبود معنا در زندگی نوجوان تأثیر می‌گذارد. این تأثیر به‌واسطه کمرنگ‌شدن اصولی مانند معاد و ازبین‌رفتن ارزش‌های اسلامی در زندگی نوجوان خواهد بود.

■ آسیب‌های مربوط به مدرسه، ناشی از تأثیر منفی و غیرمستقیم فضا و جوّ مدرسه است که نتیجه تناقضات در اصول تربیتی هستند. از طرف دیگر، به نبود اولویت‌بندی در برنامه‌ریزی برای رفع نیازهای آموزشی و مهارتی نوجوانان توسط برنامه‌ریزان در آموزش و پرورش باز می‌گردد.

■ آسیب‌های مربوط به جامعه با ضعف در قوانین حمایت از خانواده و بی‌توجهی به ضرورت آموزش‌های دینی، به‌صورت غیرمستقیم باعث ایجاد کاستی‌های دانشی و مهارتی در خانواده و به‌خصوص در مادران خواهد شد. همچنین، با نبود برنامه‌ریزی برای الگوسازی مناسب، به‌طور مستقیم بر افزایش تغییرات ناگهانی نوجوانان تأثیر خواهد گذاشت.

■ مسائل و مشکلات خاص فردی در فرزندان، بیشترین تأثیر را به‌صورت مستقیم بر تأییدطلبی افراطی در نوجوانان و به‌صورت غیرمستقیم بر تأثیرپذیری منفی از طرف فضای مجازی و محیط فیزیکی اطراف خواهد گذاشت.

■ آسیب‌های فضای مجازی به‌عنوان یک عامل مهم زمینه‌ساز، طی سال‌های گذشته با کمرنگ‌کردن باورهای دینی و تخریب جایگاه والدین، باعث ایجاد تأثیر منفی در کودکان و نوجوانان شده است.

■ همانطور که در بخش چالش‌ها اشاره شد در حوزه علل زمینه ساز نیز می‌توان شاهد این امر بود که زمینه‌ها و بسترهای عمومی حوزه تعلیم و تربیت نقشی به سزا و کلیدی در عرصه تربیت دینی دارند. به بیان دیگر تا زمانی که به این بسترهای اصلی و عام در عرصه تربیت توجهی صورت نگیرد نمی‌توان انتظار داشت تا تحولی مثبت در حوزه تربیت دینی به وقوع بپیوندد ولو اینکه بسیاری از زمینه‌های مرتبط با مسائل دینی در عرصه تربیت و در فضای خانواده مهیا باشد.

۳

## ویژگی مادران موفق

در مرحله سوم تحقیق، ویژگی‌های مادرانی که توانسته بودند از چالش‌های تربیتی عبور کنند، بررسی شد. از میان ۹۲ کد استخراج‌شده، ۳ کد سازمان‌دهنده و ۱۸ کد پایه مشخص گردید.



نمودار ۸. شبکه مضمین ویژگی‌های مادران موفق

طبق بررسی‌ها مشخص شد:

مادران موفق مهارت و توانایی دارند.

مادران موفق برخی ویژگی‌های شخصیتی و ویژگی‌هایی در محیط اطراف خود دارند.

مادران موفق دانش و آگاهی دارند.

پراکندگی کدهای مربوط به «ویژگی‌های مادران موفق» در گفت‌وگوی با خبرگان در جدول ۵ آورده شده است.

Code System	حبره شماره 1	حبره شماره 2	حبره شماره 3	حبره شماره 4	حبره شماره 5	حبره شماره 6	حبره شماره 7	حبره شماره 8	حبره شماره 9	حبره شماره 10	حبره شماره 11	حبره شماره 12	حبره شماره 13
مادر موفق													
مهارت و توانایی													
مراقبت دینی خود													
ظرفیت‌ها و ارتباط موثر با همسر													
اهتمام به تربیت فرزند													
ایجاد ارتباط خوب با فرزند													
بازخوب نقش مادران													
اهتمام به رسیدگی به فرزند													
هوش فردی والد													
مدیریت حل مسأله خوب													
دانش و آگاهی													
اصل مطالعه													
نگاه خدا محور و آفت محور													
نگاه از منظر تربیت													
بزرگی احساسات و تعقل													
عزت نفس و اعتماد به نفس													
شعور													
سلامت روان													
خانواده آمیزش دهنده													
سازگاری والد													
خوش اخلاق													
هویت جنس مطلوب													

نمودار ۹. پراکندگی کدهای مربوط به ویژگی‌های مادران موفق

### ۳.۱. مهارت و توانایی در مادران موفق

مهم‌ترین مهارت مادران موفق، به مراقبت دینی از خودشان برمی‌گردد. این مادران در مراقبت دینی خودشان کوتاه نمی‌آیند. مراقبت از شاخص‌های دینی و حفاظت از آن‌ها را بر عهده خودشان می‌دانند. این مادران به نقش همسری اهتمام می‌ورزند و در مهارت مدیریت عاطفی همسر، موفق‌اند؛ در نتیجه، عملکرد متناسبی دارند، فارغ از اینکه همسرشان چگونه برخورد یا عملکردی داشته باشد. این مادران با در دست داشتن مدیریت زندگی، نقش پدرها را هم پررنگ می‌کنند. مادران موفق به جسم فرزند، به همراه تربیت فرزند، توأمان رسیدگی می‌کنند. در واقع، هم شکم فرزندان را سیر می‌کنند هم چشم‌ودلشان را. این مادران در مناسبات عاطفی با فرزندان هم به خوبی عمل می‌کنند. توانایی برقراری ارتباط خوب را دارند؛ در نتیجه، مقبولیت توأم با احترام و صمیمیت را برای خودشان حفظ می‌کنند.

انتخاب خواهد کرد. در نتیجه رفتارش بر مبنای تقوا خواهد بود و اگر تقوا در وجود مادر نهادینه شد، مثل شیشه‌ی عطری خواهد شد که در خانه، همه از عطر او بهره خواهند برد. مادر آگاه در سایه‌ی دانشی که از آموزه‌های دینی دارد، مفهوم توکل را می‌داند و توکل بنیادین به خدا دارد و اگر درد و رنجی هم متوجه خانواده شود با معنویت عمیق خود، خانواده را با آن درد سازگار می‌کند.

### ۳.۳. ویژگی‌های شخصیتی و محیطی مادران موفق

آنچه در بررسی‌ها مشخص شد این بود که مادران موفق، از نظر بیرونی و محیطی، خانواده‌هایی حامی دارند. در واقع، بُعد معنوی خانواده بالاست. خانواده‌ی حامی به معنای خانواده‌ی آموزش‌دهنده است. همسر یا پدر و مادر این مادران، آموزش‌های لازم را به این مادران داده‌اند.

مادران موفق سلامت روان خوبی دارند. مادری که سلامت روان دارد، به رفتارهای عرفی و خانوادگی و تربیتی، در کنار احکام دین و اصول اخلاقی دین پایبند است. این مادران در کنار سلامت روان، هویت جنسی مطلوبی نیز دارند و این هویت جنسی مطلوب را در یک زمینه‌ی خانوادگی و فرهنگی مناسب که به جنسیت زنانگی آن‌ها بها داده شده، کسب کرده‌اند. این مادران دختر بودن خودشان را در زمان کودکی و نوجوانی دوست داشته‌اند.

یکی از ویژگی‌های بسیار مهم مادران موفق این است که این مادران عزت نفس و اعتماد به نفس بالایی دارند. این عامل شخصیتی مادر بسیار مهم است. مادر مذهبی که توأمان عزت نفس بالایی هم داشته باشد، می‌تواند تربیت موفقی داشته باشد؛ در غیر این صورت، تربیت از دستش خارج خواهد شد. مادر باید عزیز باشد، ابراز وجود کند و شخصیت نسبتاً محکمی داشته باشد و در واقع، بتواند روی پای خودش بایستد. تحصیلات در بعضی مواقع می‌تواند زمینه‌ساز عزت نفس در مادر شود. مادران دارای عزت نفس بالا، نقطه‌های اقتدار و قاطعیت را خوب می‌دانند و در حالی که روابط گرم و صمیمی دارند، جایگاه‌های «نه گفتن» را خوب می‌شناسند. این ویژگی‌ها خیلی به سن

مادران موفق از عهده‌ی پذیرش نقش مادری برآمده‌اند. این مادران می‌دانند که تعریف صحیح از مادر چیست و به آن عمل می‌کنند. بودن در کنار فرزند را به معنای واقعی درک کرده‌اند و به آن عمل می‌کنند.

این مادران هوش هیجانی بالایی دارند و می‌توانند احساسات خود را مدیریت کنند. در عین حال توانایی و مهارت خوبی در حل مسئله دارند.

### ۳.۲. دانش و بصیرت در مادران موفق

مادر موفق، آگاه است. نقاط قوت و ضعف خودش را خوب می‌شناسد. مادری که از نقاط ضعف خودش آگاه است، در برطرف کردن نقاط ضعف یا کنار آمدن با آن‌ها یا پذیرش آن‌ها بهتر می‌تواند عنان تربیت فرزندش را به دست گیرد. مثلاً مادری که می‌داند اگر فرزندش عصبانی شود، پر خاشگیری می‌کند و آگاه است که جلوی هیجانات خودش را نمی‌تواند بگیرد، در این حالت از فرزندش فاصله خواهد گرفت. حتی اگر نتواند خشم خودش را مهار کند، با آگاهی‌ای که دارد، صدمه به تربیت را کاهش می‌دهد.

این آگاهی و دانش را مادران الزاماً از تحصیلات دانشگاهی به دست نیاورده‌اند، بلکه مادر ممکن است تحصیلات بالایی هم نداشته باشد، ولی مادری آگاه باشد. البته که تحصیلات دانشگاهی می‌تواند در اغلب اوقات، بر آگاهی مادر به واسطه‌ی حضور در اجتماع و ارتباطات بیشتر تأثیر مثبت داشته باشد؛ ولی این یک اصل قطعی نیست؛ چون مواردی هم هست که تحصیلات دانشگاهی سد راه مادر شده و مانع دستیابی او به آگاهی شده است.

مادر آگاه فهم درستی از دین دارد. این آگاهی را مادر از جلسات در حضور استاد یا مطالعه کسب خواهد کرد. مادری که اهل مطالعه است، حتی اگر تحصیلات دانشگاهی هم نداشته باشد، دانش خوبی خواهد یافت. از مفهوم کلی تربیت هم تعریف درستی به دست خواهد آورد.

مادر آگاه به اصول دین خود واقف است و نگاه خدامحور و آخرت‌محور به زندگی دارد. در واقع، بین انتخاب خدا و انسان، خدا را انتخاب می‌کند و بین انتخاب دنیا و آخرت، آخرت را

در جمع بندی بخش مادران موفق نیز می‌توان به این نکته اساسی اشاره کرد که آنچه به عنوان عوامل اساسی موفقیت مادران در عرصه تربیت دینی مورد اشاره بوده است مبتنی بر ویژگی‌های عامی مانند «داشتن مهارت‌های ارتباطی» یا یادگیرندگی» است که لزوماً دارای جنبه دینی و مذهبی نیستند. از این رو می‌توان مجدد بر این دستاورد پژوهش پیش رو تاکید کرد که شاخصه‌های عمومی حوزه تربیت ولو اینکه در ظاهر ارتباط مستقیمی با حوزه تربیت دینی در آنها احساس نشود، نقشی بسیار اساسی و تعیین کننده در عرصه تربیت دینی ایفا می‌کنند.

مادر هم ارتباطی ندارد؛ مادری در ۱۸ سالگی ممکن است این ویژگی‌ها را داشته باشد و دیگری در ۴۰ سالگی نداشته باشد. مادران موفق همه صبور هستند و این از شاخص‌های قطعی آنان است. مادران موفق با کتاب‌خواندن یا اتصال به آدم‌های بزرگ و استفاده از تجربیات دیگران، بردباری جدی و عمیقی دارند. این صبر در همه موضوعات زندگی دیده می‌شود و تاب‌آوری محکمی در مادر ایجاد می‌کند و همین تاب‌آوری زمینه‌ساز سازگاری بیشتری با محیط می‌شود. مادر موفق خوش اخلاق است و می‌داند که تخلق به اخلاق، فرزند را مجذوب دین مادر خواهد کرد.

در پایان باید گفت که مادران موفق در تربیت فرزندان خود موفق هستند و تعداد فرزندان یا حتی جنسیت آنان در این تربیت نقش خاصی ندارد. این مادران محیط خانه را مثل گلخانه‌ای خواهند کرد که تمام گل‌ها در آن می‌توانند به خوبی رشد کنند.

### ۳.۳.۱ جمع‌بندی ویژگی‌های مادران موفق

در این پژوهش مشخص شد که مادران موفق در امر تربیت فرزندان، اکثراً خودشان تربیت‌شده خانواده‌هایی هستند که به تربیت اهمیت می‌داده‌اند. به همین دلیل در دوران کودکی و نوجوانی هویت جنسیتی مطلوبی داشته‌اند و عزت نفس بالایی دارند. هویت زنانه و نقش مادرانه خود را دوست دارند و به امر مراقبت از سلامت روان خود و مراقبت از اعتقادات خود اهمیت می‌دهند. این مادران تاب‌آوری (صبر و توکل) بسیاری دارند و ویژگی «یادگیرندگی» دارند، به همین دلیل از محیط پیرامون، کتاب‌ها و آموزش‌های فرزندپروری، نهایت استفاده را می‌برند. همچنین در کنار ارتقای آگاهی، می‌کوشند مهارت‌های خود را نیز افزایش دهند. اینان مهارت ارتباطی مطلوبی با همسر و فرزندان دارند. این مادران با فهم درست از دین و نگاه خدامحوری در امر تربیت، خودشان به‌عنوان یک الگوی تربیت دینی کامل برای فرزندان، نقش مهمی را ایفا می‌کنند. این مادران در تربیت فرزند موفق هستند و تعداد فرزندان یا حتی جنسیت آنان در این تربیت اثر خاصی ندارد. این مادران محیط خانه را مثل گلخانه‌ای خواهند کرد که تمام گل‌ها در آن می‌توانند به خوبی رشد کنند.



# پیوستها

## پیوست ۱

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱۲)

ببینید زمینه از کودکی شروع می‌شود، ولی چالش ما در کودکی نداریم. یعنی مادرانی که تربیت دینی می‌خوان داشته باشند، چالشی بعضاً در کودکی ندارند. چالش ندارند، ولی باید پیش‌زمینه از اونجا شروع بشود. ببینید با مادری که دختر ۵ساله‌ش، ببینید من اصلاً یکی از بستگان ما دختر زیبای ۵ساله ۶ساله بسیار دوست‌داشتنی داشت که این تو سن ۴ یا ۵سالگی، من خیلی آدم محکمی فک نکنید از این خیلی متشعرها هستم، ولی یه واقعیتی هست، وقتی تو یک دختر ۴ یا ۵ساله‌ای رو تو سن زیبایی‌اش و شیطنتش عادتش دادی که جوراب‌شلواری نپوشه، ببینید مثال سطح پایینی هم می‌خوام خدمت شما بگم، این خب وقتی ۹سالش می‌شه، نمی‌تونی یهو حجاب بهش بدهید. پس بنابراین پیش‌درآمد تربیت دینی در کودکی است. اما چالش اگر به‌معنای تعارض و تنش است، این‌ها زمانی خودنمایی می‌کنه که نوجوان داره خودش از وابستگی به استقلال می‌رسه، حرفی برای گفتن داره، پرخاشگری می‌کنه، جلوی والدینش می‌ایسته، اظهار نظر می‌کنه. اونجا چالش است، اختیار می‌خواد، اختیارش در قبال محدودیت والدین جواب نمی‌دهد. بنابراین توی سن شروع چالش‌ها، دغدغه‌ها از لحظه تولد است اصلاً، از لحظه انتخاب همسر است، ولی چالش به‌معنای خود کلمه چالش، شروع نوجوانی ۱۰ تا ۱۳ سال و در پیکش ۱۴ تا ۱۷ سال است.

## پیوست ۲

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱۳)

سلامت جامعه، زنان هستند؛ ولی من یه چیز کلی به شما بگم، بیشترین مشکلی که ما الآن داریم در خانواده‌ها، اون درواقع، نوع نگرش به پسران هست. ما بیشتر با پسران مشکل داریم تا دختران. همچنان که همیشه هم همین جور هست. خداوند هم ذکر کرده و روایت داریم که می‌گن که دختران رحمت هستند.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱۴)

واقعاً همه این‌ها سازگاری فکری‌اش با شرایط در دختران بیشتر

هست تا پسران. البته خب چالش‌های زیادتری هم دارند. خب توی دختران واقعاً محدودیت‌هایی هست. ولی این به معنی این نیست که حالا مشکل بیشتری هم با خانواده‌ها داشته باشند. خانواده‌های متدین بیشتر با پسران مشکل دارن.

## پیوست ۳

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۸)

به‌نظرتون مدرسه یا رسانه توی این راستا چقدر می‌تونن تأثیرگذار باشند؟ تأثیر مثبت یا حالا منفی، چقدر نقشون رو پررنگ می‌بینید؟ اگر که این‌ها در راستای هم باشند که به هم کمک می‌کنند. اما امروز، قوی‌ترین عامل مؤثر در تربیت، متأسفانه رسانه است.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۸)

رسانه بسیار قوی است، به شرط اینکه اگر خانواده اون اتفاق اصلی رو درست پایه‌ریزی کرده باشه. رسانه نمی‌گیم تأثیرگذار نیست، باز هم تأثیرگذار هست، ولی خانواده می‌تونه محافظت کنه، می‌تونه مقابله بکنه؛ یعنی اگر بچه شبیه جاهایی یه حرکتی انجام بده، باز دوباره به اصل خودش برمی‌گرده. نمی‌تونیم بگیم چون هجمه خیلی زیاده، اصلاً نمی‌تونیم کاریش بکنیم و نمی‌تونیم نادیده بگیریم. بگیم نه حتماً تأثیر خواهد گذاشت؛ اما تأثیرش خیلی کم است. می‌تونه خانواده مقابله کنه. مدرسه‌ها همین‌طور. مدرسه مکمل تربیت دینی است. اگه خانواده خوب باشه که مدرسه می‌تونه بنا رو، اگر مدرسه خوبی باشه، اون هم آیتم‌های خوبی رو در تربیتش داشته باشه، می‌تونه مکمل باشه و کمک بکنه. اما اینکه اگر اون اتفاق هسته اولیه، فونداسیون رو خانواده خوب نبسته باشه، مدرسه یک کار سطحی می‌تونه انجام بده. البته ۱۰ درصد ۱۵ درصد روی بچه‌ها می‌تونه تأثیر بذاره، ولی رسانه خوب می‌تونه کلا. البته رسانه که امروز ما رسانه مثبت نداریم، کلا رسانه و رسانه مجازی منفی هست. دیگه منظور ما این هست که رسانه می‌تونه به‌طور کل اون بچه رو از بین ببره.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۷)

مادر می‌گه بچه من به حرف من گوش نمی‌ده، حریفشون

خلاصه بشه. حالا حضوری و فیزیکی نبوده باشه، ولی بیشترین مسئله‌ای که میاد، توی این زمینه است. یا حتی گاهی با نام مثلاً دختر رفته با دختره داره چت می‌کنه، ولی جنسش پسره یا نامش پسره، جنسش دختره داره با جنس مخالف چت می‌کنه.

## پیوست ۶

نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۶)

۹۰ درصد موضوع‌های اینستاگرام دیگه، ۹۰ درصد چالش مامان‌ها تو دوران نوجوانی، موبایل و اینستاگرام است.

## پیوست ۷

نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۶)

در پسرها که خیلی، مثلاً حالا چالششونه با بازی‌های کامپیوتری آنلاین است.

نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱)

سومین محوری که صدای همه مادران را درآورده، فضای مجازی است و بازی‌ها که الان این مشکل به دبستان هم کشیده شده، مخصوصاً در پایه‌های پنجم و ششم.

## پیوست ۸

نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱)

بعد بعضی‌ها برای آینده می‌گویند برای من مهم این است که فرزندشان در رابطه با جنس مخالف بتواند از خودش محافظت کند. ولی از حالا برایشان مهم است و این را به‌عنوان یکی از نگرانی‌های آینده مطرح می‌کنند.

نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱)

در همین مقطع ابتدایی، مثلاً مادری که فرزند دبستانی‌اش با دخترخاله‌اش ارتباط دارد، می‌گوید نمی‌دانم این خوب است یا بد؟ درواقع چون نگران فرزندش هست، این سؤال برایش مطرح می‌شود. فکر نمی‌کند که این بچه‌ها درواقع، در حال بازی کردن هستند و با هم بزرگ می‌شوند. فقط نگران آینده فرزندش است.

نمی‌شن. البته الان بچه‌ها حرف گوش نمی‌دهند، چون برای هر چیزی باید یک دلیل علمی و منطقی براشون باید بیاریم. من وقتی چادری شدم، اصلاً نپرسیدم چرا باید چادر سر کنم؛ ولی بچه‌های الان می‌پرسه، می‌گه چرا. چرا می‌پرسه؟ برای اینکه می‌بینه خیلی از آدم‌هایی که چادر ندارند، خیلی خوش تیپ خوب جلوه‌گری و جذابیت دارن. مخصوصاً در سن بلوغ از آیت‌های خاص است. حالا من بیام بگم از این خودنمایی بگذر و خودت را در چادر یا حجاب ببوشون، عملاً انگار که بچه خودمون رو می‌خواهیم تافته جدابافته از جامعه بکنیم.

نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱)

سومین محوری که صدای همه مادران را درآورده، فضای مجازی است که الان این مشکل به دبستان هم کشیده شده.

## پیوست ۴

نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۴)

خیلی فضای خلاصه وابستگی، حالا بیشتر توی رابطه‌ها، یه جور بحث‌هایی مثل خواننده و نمی‌دونم بازیگر و یه جورایی مهرطلبی و این‌ها خیلی توی دخترها جدی است.

نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱)

درحال حاضر به‌شدت زیاد شده، یعنی در خانواده‌های مذهبی، به آدم‌های بی‌دین که از سلبریتی‌های مشهور هم هستند، علاقه‌مند می‌شوند و محبوبیت هم ایجاد می‌شود و بعد خانواده‌ها هم نمی‌توانند مانع شوند و این یک مسئله است. چگونه این مسئله باید حل بشه و چطور باید ریشه‌یابی شود، بحث مفصلی است. به‌هرحال این جزو چالش‌های خانواده‌هاست که فرزندانشان به آدم‌های بی‌دین علاقه‌مند می‌شوند.

## پیوست ۵

نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۵)

من می‌تونم بگم ارتباط با جنس مخالف، حالا به‌صورت پیامکی، فضای مجازی یا شاید خیلی‌هاش توی فضای مجازی بیشتر

## پیوست ۹

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱۳)

منتهی حالا ببینید، ولی آیا ما واقعیت رو می‌دونیم؟ نه! چرا؟ چون که ما واقعیت رو نمی‌خوایم بدونیم! می‌خوایم اون جور که می‌خوایم ببینیم.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱۳)

لذا یه پسری الان ما داریم، خانواده یعنی یه کسانی یه عزیزانی به ما مراجعه می‌کنند که اصلاً اگر واقعیت این‌ها رو به خانواده‌ش بگیم، باور نمی‌کنن. این فاصله پس چی هست؟ کجا ایجاد شده؟ من یه رفرنس به شما معرفی می‌کنم. آسیب‌شناسی ارتباطی پسران و دختران اصلاً دقیق همین مطلب هست.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱۳)

اما تو حوزه دختران خیلی براشون مهم هست که این چه جوری می‌شه، کجا رفت، چی کار کرد. خب به خاطر این‌ها ما در حوزه خانواده، فرزندان، دختران، مسائل ارتباطی، هزینه‌هاشون کمتر است، ولی از لحاظ کمی بیشتر واقعاً اما از نظر کیفی پسران را داریم.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۸)

یکی از چالش‌های والدینشون برای بچه‌ها ارتباطشون با جنس مخالفه.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۸)

مثلاً یکی از چیزهایی مراجعه می‌کردند سال‌ها به مدرسه درمورد ارتباطشون با جنس مخالف هست.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۷)

در هر دو جنس، دوست‌پسر و دوست‌دختر است.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۵)

به‌خدا ما هیچ‌کدومون این‌همه مثلاً دنبال جنس مخالف نبودیم توی این سن‌وسال. الان شما بیاین ببینید غوغا

می‌کنه درگیری با جنس مخالف توی سن‌های مثلاً من الان دارم مواردی که مثلاً توی سن ۹سالگی و ۱۰سالگی. ۱۳ یا ۱۴سالگی دیگه خیلی زیاده.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۵)

یکی از چالش‌ها جنس مخالف و درگیری‌های با جنس مخالف است. من نوجوانی دارم که خودش خواسته بیاد مرکز مشاوره و صحبت کنه، چون شکست عشقی خورده و یکی از دوستاش مثلاً اومده با یه پسری دوست شده با یه دختری دوست شده و این دختره گذاشته رفته یا این پسره گذاشته رفته. هر دو جنس هم این موضوع را داشتیم.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۴)

دغدغه‌های ارتباطی حالا یه مقداریش با هم‌سال و دوست و هم‌جنسه، یه مقداریش با جنس مخالف براشون دغدغه و شایع هست.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۴)

مسائل عاطفی و باز ارتباطی با جنس مخالف.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱)

چیزی که من از مادران شنیدم، ارتباط با جنس مخالف است. در مادران مذهبی که فرزند پسر دارند، من این اظهار نگرانی را بیشتر دیدم.

## پیوست ۱۰

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۴)

دغدغه‌های ارتباطی حالا یه مقداریش با هم‌سال و دوست و هم‌جنسه یه مقداریش با جنس مخالف، براشون دغدغه و شایع هست.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۴)

ارتباط با دوستان خیلی هم‌سال توی نوجون‌های پسر خیلی جدی و شایع است.

## پیوست ۱۱

نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۴)

یه خرده خانواده به‌نظر فرهنگی پایین باشه، مواد مخدر هم خب پیش اومده.

## پیوست ۱۲

نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱)

خطر در الگوهای کسانی که محبوبیت دارند یا شاخصه‌های دینی و بعد به‌عنوان یک جهت‌گیری، خلاف ظواهر بچه‌ها ببینند، خیلی آن‌ها را دچار تزلزل می‌کند. ما دانش‌آموزی داشتیم که حافظ قرآن بود، بعد می‌رفت خدمت بعضی از آقایان روحانی. یک روز در میان، پیش آن‌ها می‌رفت و متأسفانه در موبایل‌های آن‌ها چیزهایی دیده بود که کلاً به هم ریخته بود. این دانش‌آموز تصویری از روحانی و طلبه داشت که کارهای دینی انجام بدهند، بعد یک‌باره فرض کنید رو موبایل‌های آن‌ها موسیقی‌های آن‌چنانی ببیند! خب این بچه کلاً به هم می‌ریزد که خدا چیه؟ دین چیه؟ و این به‌شدت، به تربیت دینی آسیب می‌زند و این درمورد پدر و مادر هم صدق می‌کند.

نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱)

علاقه‌مند شدن به کسانی که ظواهر دینی دارند، ولی پشت‌صحنه‌های ناجور دارند. و بعد در جایی لو بروند. این هم آسیب جدی خواهد بود و باید نسبت به این هم خانواده‌ها تدبیر داشته باشند. می‌تواند این شخص پسرعمو باشد یا یک الگوی بسیجی. مثلاً یک پسرعمو داره همه فکر می‌کنند این بچه سالمیه، یا مادر می‌گوید این بچه خواهرم است و بچه خوبیه و پسرش با آن مرتبط می‌شود و می‌بیند که رفتارهای ناشایستی دارد و از این‌گونه موارد، بسیار دیده شده. من مورد داشتم مثلاً با بچه‌های فرهنگی مسجد ارتباط صمیمی داشته، بعد چیزهایی از آن‌ها در اردو متوجه شده که خیلی آسیب دیده است و بعد از آن معلوم شده، پدر گفته من حالا با این چه کار کنم. مورد سراغ دارم داخل مسجد، البته از طریق دیگری

فهمیدیم، ولی دخترخانمی که دختر امام‌جماعت بوده با موذن که پسری بوده، رفیق شدند.

## پیوست ۱۳

نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱)

یکی از پارامترهای تعلق خاطر، ایجاد شهرت است. یعنی شهرت که درواقع، رسانه می‌تواند آن را تولید کند و به انسان‌های عادی، ویژگی‌های آرمانی و رؤیایی دهد. رسانه درواقع، این کار را انجام می‌دهد و این شخصیت‌ها را برای جوانان رؤیایی می‌کند و درواقع، آن‌ها را از سطح عادی خیلی بالاتر می‌برند. همه این‌ها باعث علاقه‌مندی می‌شود. نوجوانان می‌بینند این‌ها نماز نمی‌خوانند یا سگ‌باز هستند یا با خانم‌ها یا آقایان خیلی راحت هستند. چیزهایی از زندگی شخصی آن‌ها می‌فهمند و این موجب می‌شود که فرزندان گرایش‌ها و علاقه‌مندی‌هایشان جابه‌جا شود و چیزهایی که برای پدر و مادر مهم است، برای فرزندان کم‌رنگ می‌شود. چون تعداد زیادی آدم‌های محبوب می‌بیند که دوستانشان دارد. پس ما اینکه در خانواده الگوی نامناسبی برای فرزندشان که به آن علاقه‌مند شود را خیلی باید مدیریت کنیم. و این از همان زمان دبستان مهم و آغاز می‌شود. مثل ستاره‌های فیلم‌های مختلف، ورزشکاران، خواننده‌ها و آن‌هایی که نوعاً بی‌دین هستند، یک‌بار می‌بینی که الگوی فرزند ما شده است. وقتی ذهن بچه پر از علاقه به آدم‌هایی می‌شود که ارزش‌های موردنظر ما را ندارد، خوب این ارزش‌ها را در نظرش کم‌رنگ می‌کند.

## پیوست ۱۴

نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۸)

اگر که مدرسه و خانه در راستای هم باشند که به هم کمک می‌کنند.

نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۷)

مادر می‌گه بچه من به حرف من گوش نمی‌ده، حریفشون

## پیوست ۱۶

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱۲)

مادر می‌آید توی اتاق من می‌گه که به خدا تا چن ماه پیش زیر ۱۲ سال زیر ۱۳ سال باحجاب بود؛ ولی الآن دیگه دوس نداره. چادر دوس داشت، ولی دیگه الآن دوس نداره.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱۱)

وقتی حالا سن کمتر هست، حالا می‌گن مشاورشون باشید، بذارید بازی کنند و این حرف‌ها، ولی وقتی وارد نوجوانی می‌شن، در این سن چون بحران‌ها ایجاد می‌شه، چون از بله‌خیرگفتن‌ها و شنیدن‌ها بچه‌ها دور می‌شن، دنبال دلیل می‌گردن و بعد به‌قولی جاهل هستند، خیلی ذهنشون منجمد و خاص هست. جایی می‌گن نادانه نفهمه خیلی سخت هست توی ذهنش فروکردن. اما وقتی توی ذهن رفت، فریز شد، بعد دیگه توی دبیرستان و مراحل بعدی، تربیت خیلی راحت‌تر می‌شه. برای این سن، نه پدرومادرها وقت می‌ذارن انرژی می‌ذارن نه بقیه. من فکر می‌کنم این سن، سن خاصیه. وقت گذاشتن برای این سن می‌تونه خیلی کمک باشه برای زندگی کردن.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۸)

به محض اینکه وارد دوره راهنمایی می‌شن، تحت تأثیر گروه دوستان و جوامع همون موانع تربیت قرار می‌گیرن. محیط وارد می‌شه و اگر مادرها به‌صورت ریشه‌ای و درست عمل نکرده باشند، کاملاً بچه‌ها با اون‌ها زاویه پیدا می‌کنند.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۶)

کلاً به چیزی که خیلی الآن شایع شده، زیر میز زدن است. به اصطلاح کلاً بچه برگشته. بچه نمازخون روزه‌گیر باحجاب، کلاً زده زیر همه چی. یعنی تغییرات ناگهانی‌شون. یهو عوض شده کاملاً. این هم خب خیلی زیاده توی شکاپت‌ها.

## پیوست ۱۷

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱۲)

مادر قسم و آیه که پسر من تا چن وقت پیش نماز

نمی‌شن. البته الآن بچه‌ها حرف گوش نمی‌دهند، چون برای هر چیزی باید یک دلیل علمی و منطقی براشون بیاریم. من وقتی چادری شدم، اصلاً نپرسیدم چرا باید چادر سر کنم، ولی بچه الآن می‌پرسه، می‌گه چرا. چرا می‌پرسه؟ برای اینکه می‌بینه خیلی از آدم‌هایی که چادر ندارند، خیلی خوش‌تیپ، خوب جلوه‌گری دارند. جذابیت، مخصوصاً در سن بلوغ از آیتم‌های خاص است. حالا من پیام بگم از این خودنمایی بگذر و خودت را در چادر یا حجاب بپوشون. عملاً انگار که بچه خودمون رو می‌خواهیم تافته جدا بافته از جامعه بکنیم. دوستای مدرسه روی بچه ما تأثیر دارند.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱)

یکی از ابراز نگرانی‌های خانواده‌ها، محیط تحصیل بچه‌هاست. خیلی‌ها معتقدند اصلاً نمره مهم نیست و مهم سلامت محیط است، یعنی محیط رشدی و تحصیلی فرزندان برایشان خیلی مهم است.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۹)

چرا در فلان مدرسه ثبت‌نام کردید که توی این مدرسه مثلاً بچه‌های شبیه خودتون کم‌اند، ناخواسته نسبت به محیط واکنش نشون می‌ده، می‌گه خواهی نشوی رسوا، هم‌رنگ جماعت شو.

## پیوست ۱۵

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱)

یک مسئله تأثیرپذیری فرزندان‌شان از ارتباطات فامیلی است که معتقدند فامیل‌هایشان با آن‌ها از نظر خط مذهبی هم‌راستا نیستند و مادران و پدران خیلی از این موضوع ابراز نگرانی می‌کنند.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۸)

خواهر و برادر بزرگ‌تر نوجوان هم خیلی مهم هستند. بارها دیدیم که خواهر بزرگ‌تر بعد از ازدواج، به‌واسطه خانواده شوهر تغییر کرده و این چالش تربیتی را برای مادر نسبت به فرزند دختر کوچک ترش ایجاد کرده است.

می‌خوند، تو مدرسه مکبر بود، مسجد محل، الآن یه مدتی حالا به اصطلاح خیلی تعلل می‌کنه. از یه جایی به بعد هم که به کل می‌ذاره کنار.

#### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۹)

ببینید مشکل این هست که در اکثر مادرها، من می‌بینم که توجه به احکام خیلی مهم هست، یعنی شاخص دین رو، نماز و حجاب می‌دونند.

#### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۹)

و بر اساس همین دو تا، خیلی نظر می‌خوان آقا چی کار کنم بچه‌ام نماز خون بشه، چی کار کنم بچه‌ام باحجاب باشه. در صورتی که ما اصلاً این‌ها رو در اولویت‌های بعدی قرار می‌دهیم. دین این‌شکلی نیست. دین اصلاً با این‌ها شروع نمی‌شه، این پایان دین هست نه آغاز دین. متأسفانه مادرهایی که ریشه تربیت دینی توی ذهنشون هست، معمولاً فکر می‌کنند که بچه‌ای که نماز نخونه، دین نداره و بچه‌ای که مؤذن باشه، دین داره. من اصلاً این رو قبول ندارم. حجاب و نماز دو تا از فروع‌های دین هستند، دو تا از موضوعات احکام محوراند که در ادامه تربیت دینی قرار می‌گیرند. برای همین دغدغه‌هاشون می‌شن توی این فضا. بله مادرهایی داریم که دغدغه‌های دیگه‌ای دارند مثل حیا، مباحثی مثل حریم، مباحثی مثل حرمت‌ها و احترام گذاشتن به خانواده و پدر و مادر و موضوعاتی اخلاقی، مانند دروغ و مانند گناهان چشمی و چیزهای دیگه. این‌ها رو داریم، ولی توی اولویت‌های بعدی این مادرهاست. من ندیدم که بیشترین سؤال‌هاشون توی این فضا باشه.

#### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۷)

بزرگترین مشکلی که الآن هست، اطلاعات تربیتی به‌روز از اروپا و آمریکا و این‌ها به ما رسیده، مشکلی که ما داریم، اطلاعات تربیتی به‌روز خیلی کمه. کارهایی داره انجام می‌شه در حوزه علمیه یا مدارس مذهبی، ولی خیلی کند و لاک‌پشتی است. خیلی از خانواده‌ها با یک‌سری از موارد، حتی احکام ارتباط با

فضای مجازی هم اطلاعات ندارند. جدیداً صداوسیما یک‌سری برنامه‌هایی در زمینه احکام جالب پخش می‌کنند. احکام ۱۴۰۰ سال پیش گفتن نداره. من از بچگی یاد گرفتم و تمام شده و رفته، اما الآن در فضای مجازی مثلاً می‌خواهند ببینند یه عکسی بگذارند، حرفی بزنند، خانواده‌های مذهبی هم حتی نمی‌دونند که اینجا هم بی‌حجابی همان گناه است. نامحرم همان نامحرم است. سواد مذهبی با علم روز کمه و تطابق نداره و مشکلات تربیتی زیادی برای خانواده‌ها ایجاد می‌کنه.

#### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۷)

خیلی از والدین جمله تکراری‌ای که می‌شنوم این است: حریف بچمون نمی‌شیم از نظر مذهبی، مثلاً در بحث نماز و حجاب شاکی هستند.

#### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۴)

هردوشون. من نگفتم. نمی‌خواستم وارد اون فاز بشم، ولی هردوشون رو ما داریم. ولی من مسائل مشکلات مذهبی بچه‌ها رو یه پیامد می‌دونم خانم دکتر و اینکه بچه‌ها وقتی چون حالا شاید هم تیپ خانواده‌هایی که من بیشتر باهاشون ارتباط دارم خانواده‌های مذهبی‌اند، چون که بچه‌ها نقطه‌ضعف پدرمواد رو می‌دونند، روی اون نقطه‌ضعف دست می‌گذارند. مثلاً وقتی مشکلات تعاملی پیدا می‌کنند، دقیقاً روی همون نقطه‌ضعف پدرمواد که نماز و کم‌رنگ می‌کنه و روزه رو کم‌رنگ می‌کنه و حجابش رو مثلاً می‌ذاره کنار. اون وقت اونجا مسئله تشدید می‌شه. یه وقت می‌بینید پدرموادها ندونن دقیقاً توی این شرایط چی کار باید بکنند، مسائل رو می‌ریزن به هم و درست واکنش معکوس می‌دن که مسئله رو جدی‌تر می‌کنه و یهو توی دره‌ای فرومی‌رن، توی باتلاقی فرومی‌رن و این مسائل به‌نظرم توی دختر و پسر هست. عمومی است. پیامدی که یه جایی شناختن نوجوان و نداشتن تعامل خوب اونجاها می‌شه یک مسئله‌ای که اون‌ها روش تأثیر می‌ذاره.

#### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۲)

از چالش‌ها احکام شرعی بچه‌ها که باید بهش برسند و بهش پایبند باشن.

## پیوست ۱۸

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱۳)

مجموعه چالش‌هایی که حالا دیگه بحث حجاب بینشان هست.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۸)

مهم‌ترین مباحثی که مادران مطرح می‌کردند، چون دختر بودن بچه‌های من، در حوزهٔ مثلاً حجاب بچه‌ها بود.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۶)

عوامل قبلش اینکه پدرومادها اصولاً خودشون در تعارض رفتاری هستند. یعنی پوسته‌ای داره مسئلهٔ مذهبی، رفتارهای مذهبی پوسته داره. یه باطن داره. وقتی ما به یک دختر خانم می‌گیم مثلاً تو باحجاب باش، لایهٔ زیرینش می‌شه عفاف، بعد از اون می‌شه حجاب. اون عفافه اون لایهٔ درونی رو هیچ وقت برای بچه جا ننداخته که بچه در نبود پدرومادش احساس کنه که اون باید حجاب رو رعایت بکنه که اصلاً حجاب خواست پدر و مادرش نیست، برای خداست. این هست.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۷)

در دخترها، بزرگ‌ترین چالش بحث حجاب است. برخی از والدین می‌گویند اصلاً چادر نمی‌خواهیم، همان مانتو درست یا روسری محکم‌تر ببندد. بحث اول دختران حجاب است.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۶)

کلاً یه چیزی که خیلی الآن شایع شده، زیر میز زدن، به اصطلاح کلاً بچه برگشته، بچهٔ نمازخون، روزه گیر، باحجاب کلاً زده زیر همه چی.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۵)

بله مثلاً می‌گه این اصلاً جزو فرهنگ خانوادگی ما نیست، اصلاً این رو ما نداشتیم، اصلاً هیچ‌کس، توی خانوادهٔ ما اصلاً این قابل پذیرش نیست.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۴)

من معتقدم بله، یعنی بچه‌ها این‌ها رو، مسئلهٔ اصلی‌شون این‌ها

نیست. نوعاً مراجعه برای این هست، میاد می‌گه که مثلاً حجاب بچه‌ها این جوریه، نمازش این جوریه شده، ولی تو غالبشون نیست که این بچه جهل داره که این نمازه رو نمی‌خونه، تو غالبشون این نیست که مثلاً این بچهٔ ناآگاه، حجاب نداره، دقیقاً نقطهٔ واکنششه. انگار ترکش‌های یک مسئلهٔ دیگه است، وقتی اون مسائل حل می‌شه، کما اینکه خیلی این مدارس رو خیلی نگاه ندارن، دیگه شروع می‌کنن روی همون مسئله حساسیت نشون دادن.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱)

در دخترها، حجاب در گروهی از خانواده‌ها، حساسیت ایجاد می‌کند. اما در بعضی از خانواده‌ها هم این‌گونه نیست. یک نکتهٔ مهم، مسئلهٔ اختلاف جهت‌گیری بین زن و شوهر در شاخص‌های مذهبی است که هم در آقایان و هم در خانم‌ها دیده می‌شود. یعنی پس از آغاز زندگی مشترک، احساس می‌کنند معیارهایشان با هم فرق می‌کند. یک جاهایی مرد مسامحه می‌کند و یک جاهایی زن فکر می‌کند که مرد خیلی کوتاه می‌آید یا زن مسامحه می‌کند و مرد معتقد است که مادر بچه‌ها در واقع، خیلی کوتاه می‌آید و این بچه‌ها را خراب می‌کند. مسئلهٔ اختلاف دیدگاه مذهبی یا سلیقهٔ مذهبی در خانواده‌ها، مکرر به‌عنوان یک موضوع مطرح بوده.

## پیوست ۱۹

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۶)

کلاً یه چیزی که خیلی الآن شایع شده، زیر میز زدن، به اصطلاح کلاً بچه برگشته، بچهٔ نمازخون، روزه گیر، باحجاب کلاً زده زیر همه چی.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۴)

من معتقدم بله، یعنی بچه‌ها این‌ها رو، مسئلهٔ اصلی‌شون این‌ها نیست. نوعاً مراجعه برای این هست، میاد می‌گه که مثلاً حجاب بچه‌ها این جوریه، نمازش این جوریه شده، ولی تو غالبشون نیست که این بچه جهل داره که این نمازه رو نمی‌خونه، تو غالبشون این نیست که مثلاً این بچهٔ ناآگاه، حجاب نداره، دقیقاً نقطهٔ واکنششه. انگار ترکش‌های یک مسئلهٔ دیگه است، وقتی اون مسائل حل



می‌شه، کما اینکه خیلی این مدارس رو خیلی نگاه ندارن، دیگه شروع می‌کنن روی همون مسئله حساسیت نشون دادن.

#### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۶)

تقریباً به کلاس ششم یا هفتم که می‌رسیم، مسئله نماز برای پسرها.

#### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱)

سوم یا چهارم نماز برای دخترها در خانواده‌های مذهبی به یک دغدغه تبدیل می‌شود. این هم بعداً متولد می‌شود، یعنی در آستانه بلوغ به صورت محسوس مشاهده می‌شود.

#### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱)

اگر دختر ما به سمت نماز گرایش ندارد، آسیب‌ها یا ریشه آن را باید در جای دیگری دید.

## پیوست ۲۰

#### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۵)

چون دارم راجع به نوجوان حرف می‌زنم می‌گم. یعنی برای دین‌ستیزی در نوجوان، در اوجش قرار داریم. کلاً در تمام دنیا اینه. چون نوجوان با دین می‌جنگه تا یک دین رو انتخاب کنه. خب من چون باقشر نوجوان سروکار دارم، خیلی باید روی واژه‌هام دقت کنم.

#### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱۲)

در خانواده‌های مذهبی، یکی از المان‌هایی که بچه قد علم می‌کنه، بی‌برو برگرد دین هست. یعنی اصلاً خیلی این جمله، خیلی برای من تکراری است.

## پیوست ۲۱

#### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۶)

زیرمیز زدن را داریم.

#### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۵)

مراجعه‌کننده‌هامون بیشتر خانواده‌های مذهبی‌اند، چون این‌ها براشون هنجار نبوده، ارزش نبوده. خب و برای این بچه‌شون رو آوردند، چون این هنجار نبوده. حالا یا متوسط مذهبی.

#### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۵)

خیلی اصالت مهمه. اصالت رو باید به بچه‌ها آموزش داد که بابا اینی که تو داری تغییر شکل می‌دی، یعنی خودت رو دوست نداری، اینی که تو داری تحویل می‌دی، یعنی تو اول خودت رو بپذیر، خودت رو دوست داشته باش، خودت منحصر به فرد بودن خودت رو قبول کن، اصالت خودت رو قبول کن. این تا ۱۸ سالگی زمان می‌بره.

## پیوست ۲۲

#### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱۳)

از این چالش‌ها، یکی‌اش چالش پوشش‌ها هست.

#### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۵)

ما توی پسرها هم می‌بینیم، یعنی خب الان توی پوشش پسرها شما برین ببینید. یعنی الان مادر میاد می‌گه به خدا ما هیچ کدوممون این جور نمی‌پوشیدیم.

#### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۵)

و یکی دیگه از چالش‌ها، چالش و بحث پوشش‌شونه.

## پیوست ۲۳

#### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱۳)

ببینید الان مثلاً شما ببینید، خیلی اگر بخوایم بازش کنیم، فرضاً توی همین زمینه خب، شما ببینید بعضی‌ها بستگی داره به فرهنگ‌ها. کلاً فرهنگ‌ها متفاوت هست. خب شاید شما یه زن یزدی امروز حتی از اینکه فرزندش بره یه شهر دیگه، یه شهرستان دیگه درس بخونه، مشکل داشته باشه. شاید تو تهران این نباشه.

**نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱۲)**

چالش اگر به معنای تعارض، تنش، تنش است، این‌ها زمانی خودنمایی می‌کنند که نوجوان داره خودش از وابستگی به استقلال می‌رسد. حرفی برای گفتن دارد، پرخاشگری می‌کند، جلوی والدینش وایمیسه، اظهار نظر می‌کند. اونجا چالش است. اختیار می‌خواد، اختیاراتش در قبال محدودیت والدین جواب نمی‌دهد. پس بنابراین توی سن شروع چالش‌ها، دغدغه‌ها از لحظه تولد است.

**نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۷)**

الآن بچه آزادی می‌خواد که هر کار دلش می‌خواد بکنه. هر پارتی و مهمانی که می‌خواد بره. هر جور دلش می‌خواد بگرده. حتی در فضای مجازی بگرده. خوب این‌ها همه آسیب است.

**نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۶)**

درباره پنج‌ضلعی تربیت، یکی از ضلع‌هایش آزادیه. در آزادی است که بچه رشد پیدا می‌کند. البته نه آزادی بی‌قید و شرط، نه آزادی بدون هیچ‌گونه واریسی، بدون هیچ‌گونه نظارت. ما می‌گیم بچه باید یک مقدار آزاد باشه و این آزادی خیلی توی خیلی از خانواده‌ها از دخترها گرفته می‌شه. یا متأسفانه وقتی من توی مدارس دخترانه می‌رم، می‌بینم خیلی از جنبه‌های هوش‌های مهارت‌های اجتماعی و هوش‌های جنبشی، هوش‌های هیجانی و هوش‌های جنبشی حرکتی شون رشد نکرده، چون این دختر خیلی پارک نرفته، خیلی بدویدو نکرده، خیلی کوه نرفته یا مثلاً خیلی در ارتباط با دیگران نبوده. متأسفانه هنوز هست‌ها، من هنوز می‌بینم.

**نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۶)**

ولی اعتقاد دارن که پسر رو ببرند پارک. خب یه کوچولو من این‌ها رو دیدم. توی جنسیتی توی مناطق پایین‌تر تهران، حالا تو مناطق بالا، نه خیلی. بیشتر جا افتاده که دختر و پسر از لحاظ تربیتی یک‌جور هستند.

**پیوست ۲۴****نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱۲)**

یه مقدار کاهش اعتماد به نفس بچه‌هایی که عزت نفس و اعتماد

به نفس پایینی دارند، قدرت نه گفتنشان در جامعه خیلی می‌آید پایین و بیشتر در معرض خطرند. پس اون چیزی که باید به مقداری از قبل ارزیابی بشه، نحوه تربیتی که عزت نفس و کرامت نفس بچه‌ها در کودکی که دوران نوجوانی، که جوانی سال‌های دبیرستان و استارت دانشگاه، بچه‌ها توانایی نه گفتن داشته باشند.

**نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۹)**

چرا در فلان مدرسه ثبت‌نام کردید که توی این مدرسه مثلاً بچه‌های شبیه خودتون کم‌اند. ناخواسته نسبت به محیط واکنش نشون می‌ده، می‌گه خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو!

**نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۸)**

در دخترها بیشتر دیده می‌شه، البته به خاطر اینکه پسرها به خاطر آزادی در تردد، رفت‌وآمدها، هرگز موضوع ارتباطشون با جنس مخالفشون دیده نمی‌شه. اگر هم باشه، چون اصلاً واکنش‌هاشون متفاوت هست. ولی دخترها به محضی که کوچیک‌ترین ارتباطی که می‌گیرن، به خاطر اون محدودیت‌هایی که دارند، بلافاصله دیده می‌شه. این بیشتر به چشم والدین میاد. این می‌شه خیلی مشکل اساسی شون. درمورد پسرها، خب اون مسئله استفاده از مواد خدای‌نکرده مخدر و این جور چیزها هستش که به محض اینکه چون اون هم باز هم به حال ظاهری بچه مربوط می‌شه، میاد به ذهن اولیا، میاد که این یه چالش، یه اتفاق که برای بچه افتاده، یه مانع هست در تربیت.

**نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۷)**

مادر می‌گه بچه من به حرف من گوش نمی‌ده، حریفشون نمی‌شن. البته الان بچه‌ها حرف گوش نمی‌دهند، چون برای هر چیزی باید یک دلیل علمی و منطقی براشون بیاریم. من وقتی چادری شدم، اصلاً نپرسیدم چرا باید چادر سر کنم، ولی بچه الان می‌پرسه، می‌گه چرا. چرا می‌پرسه؟ برای اینکه می‌بینه خیلی از آدم‌هایی که چادر ندارند، خیلی خوش‌تیپ، خوب جلوه‌گری دارند. جذابیت، مخصوصاً در سن بلوغ از آیتم‌های خاص است. حالا من بیام بگم از این خودنمایی بگذر و خودت را در چادر یا حجاب بیوشون. عملاً انگار که بچه خودمون رو می‌خواهیم تافته جدا بافته از جامعه بکنیم.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۴)

تأییدطلبی توی دخترها جدی است، توجه‌طلبی خیلی تو دخترها جدی است، به نسبت پسرها. اونا هم دارند، ولی باز این‌ها توشون شایع‌تر هستند.

### پیوست ۲۵

#### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱۱)

تربیت جنسی باعث می‌شه آسیب‌های خاصی رو که این روزا بالاخره ناخواسته نادانسته و معضلات جدیدش که گریبان بچه‌مون رو می‌گیره. یه مقداری تربیت بشوند. یکی تربیت دینی بود، چون ببینید الان دیگه دنیا نمیداد بگه دین بده، چون همه می‌دونن دین خوبه، وجدان خوبه، اخلاق خوبه و بدترین کشورهایی که ما حالا تفولعناشون هم می‌کنیم، اون‌ها دارن روی این قضیه خیلی بهتر از ما کار می‌کنند. منتها آدم بدها نمی‌آیند بگن دین بده، می‌آیند دین رو منحرف می‌کنند.

### پیوست ۲۶

#### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۸)

بیشترین چالش هم توی حوزه مسئولیت‌پذیری است. بچه‌ها اغلب بی‌مسئولیت شده‌ن. وقتی بی‌مسئولیت می‌شن، نسبت به همه چیز بی‌تفاوت می‌شن. بعد هیچ کاری رو درست انجام نمی‌دن، چه برسه به مسئولیت‌های دینی‌شون. چون مسئولیت‌ها از مسئولیت تمیزکردن یه اتاق شروع می‌شه، مسئولیت‌های حوزه فردی، کار شخصی تا حوزه‌های اجتماعی. بعد صدر همه این‌ها، مسئولیت در مقابل سرنوشتشون، سرنوشت آخرتی‌شون. و البته ما معتقد هستیم سرنوشت دنیایی، همون سرنوشت آخرتی است. دیگه هر کاری که بتونه در مسیر زندگی‌اش رشد کنه. این‌ها خودشون رو خیلی مسئول نمی‌دونن.

#### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۴)

چالشی که باید در آن بنای تربیتی داشته باشیم، پلن داشته

باشیم رو بحث‌هایی مثل نظم، ادب، مسئولیت‌پذیری، تاب‌آوری است. این‌ها چیزایی است که بچه‌ها هی بالا پایین می‌شن و پدرومادرها باید بدونن دقیقاً پیش روشن این بحث‌ها هست.

### پیوست ۲۷

#### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۴)

بی‌انگیزگی خیلی توی نوجوون‌های پسر شایعه.

### پیوست ۲۸

#### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۵)

وقتی می‌رسه به نوجوانی، یعنی اصلاً تحولاتی مثل آسیب به خود، درگیری با پدر و مادر، آسیب به دیگران را می‌بینیم. من دارم مراجعی که می‌گه من منتظر زمانی بشه که مادرو پدرم رو بکشم.

#### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۵)

من مراجعینم در حدی که دیگه طرف داره خودکشی کرده یا اقدام به خودکشی کرده، برای من میاد که اون هم ارجاع از طرف روان‌پزشک بوده، اون هم چون بستری شده یا مثلاً این جور اتفاقاتی افتاده، وگرنه خانواده‌های الان غیرمذهبی ما حالا یا می‌تونم بگم خانواده‌های حالا به گفته خودشون مدرن، اون‌ها این چیزها رو کاملاً طبیعی می‌دونن. چیزهایی که مثلاً شاید خانواده‌های مذهبی غیرطبیعی می‌دونند. یا حالا یک بار دستشو زده تیغ زده، حالا چیزی نیست. بعد خودش یه ذره مثلاً حتماً می‌خواسته آزادتر باشه، بذار آزادترش بذارم، خوب خوب می‌شه.

### پیوست ۲۹

#### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۴)

من حالا یه خورده از کتاب‌ها می‌خوام دور شم، می‌خوام اون چیزی که می‌بینم رو بیشتر بگم، ببینید یه مقداری توی پسرها مشکلات توی حوزه تحصیلی، ظاهرش تحصیلیه دیگه، ولی خب می‌بینیم مسئله‌ش به مسائل مثلاً کمبود تمرکز برمی‌گرده.

## پیوست ۳۰

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۲)

یک سری مهارت‌های زندگی هستند که آن‌ها باید بیاموزند و این مهارت‌های زندگی وابسته به جنسیت آن‌ها، مهارت‌های پسرانه یا دخترانه را هم در بر می‌گیرد. خلاصه این حیطه‌های هدف را داره که به نظرم توی هیچ کدومش نباید مرتبی ما پرت باشد از ماجرا. ولی خوب در بستر خانوادگی که داره، تو بعضی از قسمت‌ها، ممکنه قوی‌تر باشه یا بستر محیط اطراف و مدرسه‌اش در بعضی از اهداف باید بیشتر مورد رسیدگی قرار بگیره. حالا چیزی که ما دیدیم، حتی خانواده‌های متدین، بخش اخلاقشون و همچنین مهارت‌های زندگی‌شان احتیاج به رسیدگی بیشتری داره.

## پیوست ۳۱

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۱۲)

وقتی یه دختر ۴ یا ۵ ساله‌ای رو شما، تو سن زیبایی‌اش، شیطنتش، عادتش دادی که جوراب‌شلواری نیپوشه، ببینید مثال سطح پایینی هم می‌خوام خدمت شما بگم، این خب وقتی ۹ سالش می‌شه، نمی‌تونی پهو حجاب بهش بدی. پس بنابراین پیش‌درآمد تربیت دینی در کودکی است.

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۹)

ببینید ما یک بحث تربیت داریم، اول اینکه من بخوام بحث کنم، یک بحث مهارت داریم. متأسفانه این مهارت‌ها رو جدی گرفتیم، تربیت که درونی و زیرساختی هست رو حواسمون نبوده. این رو توضیح بدهم یعنی چی. ببینید تربیت اون چیزی هست که درون هر انسانی هست، مثلاً حیا در وجود هر انسانی هست. پرورش حیا وظیفه ماست. کسی که تربیت حیا رو انجام بده، مهارت حجاب میاد. حجاب مهارت است، مهارت آموزش که انسان بعد از تربیت باید یاد بگیره، یعنی تربیت می‌شه. حیا، پررنگ کردن حیا، مهارت، می‌شه حجاب. ما مهارت رو جدی گرفتیم، حجاب رو جدی گرفتیم، حیا رو ول کردیم. لذا سراغش نرفتیم. خداجویی می‌شه تربیت فطرت، هر انسانی

خداجوست. خدا رو پیدا بکنیم، نماز خودش میاد. ما درگیر نماز شدیم، نماز مهارت است، نماز تربیت نیست که. نماز و حجاب می‌شه مهارت، خدا و حیا می‌شه تربیت. من کارشناس دینی باشم، نیستم اگر ان‌شالله حالا خدا قبول کنه، میام روی بحث‌های تربیتی کار می‌کنم. مبنایی حیا رو به بچه می‌دم، خدا رو به بچه می‌دم، هر جای عالم بره، خدا رو داشته باشه، نماز هم پشت‌بندش میاد. این حرف من است.

## پیوست ۳۲

### نمونه پاسخ خبرگان (شماره ۶)

در بیان احساس، مثلاً من می‌بینم که پسرها توی بعضی زمینه‌ها می‌بینم خیلی راحت‌تر بیان احساس دارند، بلند می‌خندند، بلند می‌گن که مثلاً من این رو دوست دارم، این کار رو می‌خوام بکنم. ولی دخترها خیلی به اسم حیا، محجوب‌تر شدن و ما یه انسان سالم رو کسی می‌دونیم که بتونه امن ابراز احساسات کنه دیگه و بتونه احساساتش رو بروز بده. این رو من دیدم از لحاظ جنسیتی، این رو من می‌تونم بگم.

## سوالات مصاحبه:

### مقدمه

۱. لطفاً در ابتدا خود را معرفی کرده و از تخصص و تجربه خود در سال‌هایی که در حیطه تعلیم و تربیت فعالیت داشتید بفرمایید
۲. مادران متدین موفق در تربیت دینی فرزندان دارای چه شاخص‌هایی هستند؟ علل موفقیت آن‌ها را در چه می‌دانید؟

### موانع و چالش‌ها

۱. در دوران معاصر مهمترین مسائلی که مادران متدین در فرآیند تربیت دینی فرزندشان دارند کدام است؟ (به تفکیک دختر و پسر)
۲. در تربیت دینی فرزندان چه عواملی برای مادران متدین ایجاد چالش می‌کند؟
۳. هر یک از مواردی که در سوال پیش به آن اشاره شد، چرا از نظر شما مانع به حساب می‌آیند؟

شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی. شماره ۲. ۱۵۱-۱۹۸

Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative 405-research*, 1(3), 385

۴. این موانع نتیجه چه فرآیندها (ها) و عواملی بوده و متاثر از چه زمینه‌هایی است؟
۵. آیا عوامل زمینه‌ای مانند پایگاه اقتصادی، سطح تحصیلات، گروه سنی فرزندان و ... در شکل دهی به مسائل این حوزه موثر هستند؟ تاثیر هر یک به چه نحو است؟
۶. چه تفاوت‌هایی در مسائل و چالش‌های مذکور با توجه به جنسیت فرزندان وجود دارد؟ مسائل تربیتی دختران و پسران چه تفاوت‌های عمده و اساسی با یکدیگر دارند؟
۷. موانع و چالش‌های موجود با چه سازوکاری بر تربیت دینی تاثیر می‌گذارند؟ (به تفکیک دختر و پسر)
۸. در عرصه تربیت دینی بیشترین حجم موانع و چالش‌ها برای مادران متدین مربوط به چه موضوعی است؟ موانع و چالش‌های برشمرده شده هر یک چه وزنی دارند؟
۹. تربیت دینی مادران تا چه حد می‌تواند در برابر این موانع و چالش‌ها مقاومت ایجاد کند؟ تربیت مادران در این مسیر در مقایسه با مدرسه، رسانه و .. تا چه میزان اثرگذار است؟
۱۰. چه کسانی/نهادهایی را مسئول این موانع و چالش‌ها یا کمک کننده در راستای کاهش این آنها می‌دانید؟ این کمک‌ها تا چه اندازه در پیشبرد تربیت دینی به مادر می‌تواند موثر باشد؟
۱۱. به نظر شما سنین مختلف و جنسیت دختر و پسر در میزان اثرپذیری آن‌ها تاثیر دارد؟ چه زمان‌هایی بیشترین اثرپذیری را دارند؟
۱۲. ارزیابی کلی شما از آسیب‌های موجود و پیش روی مادران متدین در تربیت دینی فرزندان چیست؟

## ارجاعات:

- ذوعلم، علی (۱۳۸۴). تاملی در مفهوم «چالش» واژه «چالش» در ادبیات اجتماعی - فرهنگی ایران. *زمانه*. شماره ۳۶. ۳۴-۳۷
- فلیک، اووه (۱۳۹۱). درآمدی بر روش تحقیق کیفی. مترجم: هادی جلیلی. تهران: نشر نی
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۲). روش‌های کاربردی تحقیق. تهران: نشر کیهان
- عابدی جعفری، حسن. تسلیمی، محمد سعید. فقیهی، ابوالحسن. شیخزاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و



[www.mssinst.com](http://www.mssinst.com) | [Contact@mssint.com](mailto:Contact@mssint.com)

